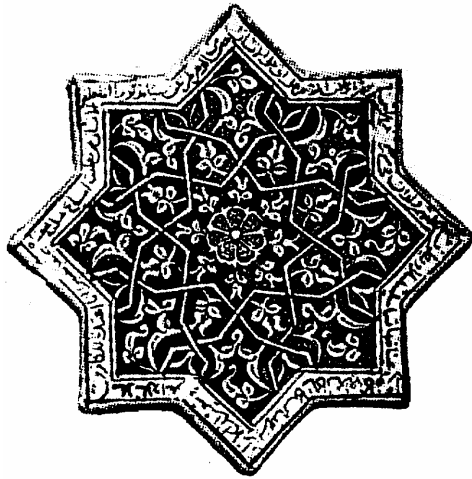


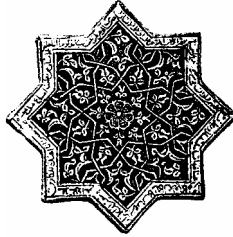
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ





پژوهشنامه

۱۶



اعتماد اجتماعی



پژوهشگاه تحقیقات استراتژیک

پژوهشگاه تحقیقات استراتژیک

گروه پژوهش های فرهنگی و اجتماعی



## پژوهشگده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام

### گروه پژوهشهای فرهنگی و اجتماعی

پژوهشنامه شماره ۱۶، تابستان ۱۳۸۷

عنوان: اعتماد اجتماعی

زیر نظر دکتر سید رضا صالحی امیری

همکاران علمی: سید جواد نگارنده - مرتضی زین آبادی - ایوب زارعی - طاهر شریفی

زهره سمیعی - ابوعلی وداد هیر

همکاران اجرایی: سعید شریفی - زهرا رضائی - مهدی نیاکانی فر - پری درویشی

شهرود امیر انتخابی - عبدالحسین ضمیری

پایگاه رایانه ای: [www.csf.ir](http://www.csf.ir)

پست الکترونیکی: [cultural@csf.ir](mailto:cultural@csf.ir)

دورنگار: ۲۲۸۰۶۶۲۲

## فهرست مطالب

مقدمه	۷
تئوری‌ها و نظریات مربوط به اعتماد اجتماعی در جامعه / مرتضی زین آبادی	۹
بررسی وضعیت اعتماد در جامعه ایران و راه‌های بازسازی آن / مرتضی زین آبادی	۳۳
اعتماد و نهادهای مدنی به مثابه کارگزاران سرمایه اجتماعی / ایوب زارعی	۶۷
اعتماد اجتماعی و خانواده / زهره سمیعی	۹۱
اعتماد اجتماعی و آموزه‌های دینی / طاهر شریفی	۱۰۹
همه چیز برای همه: برابری و اعتماد اجتماعی / اریک اسلندر و بو رودستین / برگردان: ابوعلی ودادهیر	
- مرتضی زین آبادی -	۱۲۷



## مقدمه

این پژوهش‌نامه به منظور بررسی و واکاوی مفهوم اعتماد اجتماعی، نقش آن در جامعه و روابط اجتماعی، عوامل ایجادکننده و تضعیف‌کننده آن، و وضعیت اعتماد اجتماعی در جامعه تهیه شده است.

به نظر نویسندگان، اعتماد اجتماعی در جامعه ما وضعیت خوب و مناسبی ندارد. براساس نتایج دومین پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۲۴/۵ درصد از مردان و ۳۳/۲ درصد از زنان معتقد بودند که نمی‌توانند به دیگران اعتماد کنند. لذا لازم است ضمن واکاوی و بررسی دقیق این مفهوم مطالعاتی جهت یافتن راهکارهایی به منظور افزایش اعتماد اجتماعی در جامعه انجام گیرد. مؤلفین این مقالات معتقدند که راهکار افزایش اعتماد اجتماعی از طریق گروه‌های خرد و واسطه‌ای جامعه است؛ یعنی مکان‌ها و موقعیت‌هایی که در آن اعتماد ایجاد و توسعه می‌یابد.

این پژوهش‌نامه شامل پنج مقاله تألیفی و یک مقاله ترجمه شده است. در مقاله اول به بررسی معنا و مفهوم اعتماد اجتماعی پرداخته شده است. نویسندگان تلاش کرده است با بررسی تئوری‌های کلاسیک و متأخر جامعه‌شناسی و علوم سیاسی و با تأکید بر نظریات متأخر معنی و مفهوم مناسبی از اعتماد اجتماعی ارائه دهد.

در مقاله دوم وضعیت اعتماد اجتماعی در کشور مورد بررسی قرار گرفته است. نویسندگان با استفاده از نتایج دو پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام شده، تلاش کرده است وضعیت اعتماد اجتماعی در کشور را بررسی کند.

در مقاله سوم به بررسی سازمان‌ها و انجمن‌های غیر دولتی (NGO) در اعتماد پرداخته شده است. هدف نویسندگان این است که با بررسی نقش این

## ۸ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

سازمان‌ها در ایجاد اعتماد اجتماعی وضعیت این سازمان‌ها در کشور را توضیح دهد.

در مقاله چهارم به بررسی نقش و تاثیر خانواده بر ایجاد اعتماد اجتماعی پرداخته شده است. مولف در این مقاله معتقد است که خانواده و رفتارهای اعضا آن، اعتماد اولیه را در افراد ایجاد و آن را به سایر سطوح گروه‌ها و نهادهای جامعه گسترش می‌دهد.

درمقاله پنجم تأثیر و نقش دین‌داری در اعتماد اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. مقاله ششم ترجمه مقاله‌ای است در خصوص تاثیر نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی بر اعتماد اجتماعی. مولفین این مقاله معتقدند تا هنگامی که نابرابری‌های اجتماعی (توزیع نابرابر ثروت و فرصت‌های اجتماعی) در جامعه وجود دارد نمی‌توان شاهد شکل‌گیری و توسعه اعتماد در جامعه بود. امید است این مقالات بتوانند اهمیت و جایگاه اعتماد اجتماعی در نظم و سامان اجتماعی، و وضعیت آن در جامعه بیان کنند.

## معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی



## تنوری‌ها و نظریات مربوط به اعتماد اجتماعی در جامعه

مرتضی زین آبادی\*

### چکیده

هدف این مقاله بررسی نظریات و تنوری های جامعه شناختی اعتماد و بررسی نقش و تاثیر اعتماد در جامعه و عوامل موثر در ایجاد و تغییر آن است. به همین منظور بررسی نظریات کلاسیک و مدرن جامعه‌شناسی در خصوص اعتماد اجتماعی در دستور کار قرار گرفته است. نقطه توجه و تمرکز این مقاله بر نظریات مدرن و صاحب‌نظرانی همانند آنتونی گیدنز، فرانسیس فوکویاما و جیمز کلمن است. کلمن مبنای شکل‌گیری و تداوم اعتماد را حفظ و ارضاء منافع می‌داند. از نظر گیدنز اعتماد مخصوص روابط پیچیده و رسمی است و لازمه روابط در جوامع نوین، انتزاعی و مدرن امروزی محسوب می‌شود. وی معتقد است زمان و مکان نقش مهمی در اعتماد دارند و تغییر مفهوم آنها در دوره مدرن، وجود اعتماد در برقراری روابط را ضروری ساخته است. فوکویاما نیز با رویکردی اقتصادی به بررسی مفهوم اعتماد پرداخته است. تمرکز وی بر حفظ سرمایه اجتماعی به عنوان مجموعه معینی از هنجارها و ارزش‌های

---

\* کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی.

## ❖ ۱۰ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

غیررسمی است و اعتماد در حفظ این ارزش‌ها و افزایش بهره‌وری اقتصادی نقش مهمی ایفا می‌کند.

### **واژگان کلیدی**

اعتماد اجتماعی، آنتونی گیدنز، جیمز کلمن، فرانسیس فوکویاما، سرمایه اجتماعی و مدرنیته.

## مقدمه

چرایی شیوه‌های رفتاری مبتنی بر نادیده گرفتن اصول و قواعد اخلاقی، روابط سست و ناپایدار، بی‌توجهی به تعهدات و قوانین، خودداری از تمکین یا چانه‌زنی در برخورد با نظام‌های تخصصی مسئله‌ای است که می‌توان تبیین آن را در عوامل مختلفی جستجو کرد. از سویی می‌توان با ارجاع به کنشگران، به پای‌بندی‌های مذهبی و یا فردگرایی اشاره کرد و از سوی دیگر و در سطح ساختارهای جامعه می‌توان عدم انسجام ساختاری میان نظام‌های جامعه، نابسامانی سازمانی، ناکارآمدی مدیریتی و یا ماهیت جدید و بدیع برخی از این نظام‌ها و لذا دوران گذار را عامل اساسی تلقی کرد.

این واقعیت را باید پذیرفت که جامعه جدید الزامات و شرایط جدیدی را می‌طلبد. اگر در گذشته آشنایی و روابط چهره به چهره اعضای یک محله یا منطقه باعث شکل‌گیری روابط و تعاملات اجتماعی میان مردم می‌گشت، امروزه برای شکل دادن روابط با توجه به گستردگی و فراوانی دامنه فعالیت‌ها، نیاز به شرایط و ویژگی‌های دیگری است که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و خصوصیات برای ایجاد این روابط داشتن اعتماد است.

## ۱- مفهوم اعتماد

اعتماد<sup>۱</sup> یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی است و زمینه ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه می‌باشد. اعتماد مشارکت را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سرعت بخشیده و تمایل افراد را برای همکاری با گروه‌های مختلف جامعه افزایش می‌دهد.

## ۱۲ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

اعتماد در زبان فارسی مترادف با تکیه کردن، وا گذاشتن کار به کسی، اطمینان، وثوق، باور و اعتقاد به کار گرفته می‌شود (عمید، ۱۳۶۹، ص ۲۰۱). در زبان لاتین نیز اعتماد، معادل کلمه ایمان<sup>۱</sup> مورد استفاده قرار گرفته است. در ریشه کلمه ایمان، مفهوم وثوق و اعتماد، تسلیم در برابر اراده دیگری و اطمینان به شخص مستتر است.

ارائه یک تعریف مشخص و قطعی از اعتماد اجتماعی کاری سخت و نشدنی است. آنچه موضوع را بیشتر پیچیده می‌کند، مترادف‌های بسیاری است که برای آن وجود دارد از جمله اشتراک، همدلی، تحمل و برادری، اطمینان، اتکا داشتن، آرامش داشتن، به دیگری تکیه کردن و غیره. اما در کل می‌توان آنرا برآیند و ماحصل انگیزش<sup>۲</sup> و محرکی<sup>۳</sup> برای شکل‌گیری روابط اجتماعی دانست. اعتماد اجتماعی مستلزم معیارهایی چون؛ صداقت مشهود<sup>۴</sup>، عینیت<sup>۵</sup>، ثبات<sup>۶</sup>، شایستگی<sup>۷</sup>، انصاف<sup>۸</sup> و همه آن چیزهایی است که روابط افراد را بر اساس عمل مداوم به این ملاک‌ها تداوم و وسعت می‌بخشد. از این رو لازم است در بررسی اعتماد، آنرا به مثابه ساختاری در نظر گرفت که در آن علاوه بر توجه به ابعاد شخصیتی و فردی به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز به طور همزمان توجه می‌شود و اعتماد را بر روی پیوستاری تصور کرد که اجزاء و ابعاد اصلی آن در ارتباط زنجیره‌وار با یکدیگر قرار گرفته باشند. تنها در چنین حالتی است که می‌توان تمامیت اعتماد را در درون یک جامعه به شرح و تفصیل نشست.

- 
1. Faith
  2. motivation
  3. impetus
  4. perceived honesty
  5. objectivity
  6. consistency
  7. competence
  8. fairness

## اعتماد اجتماعی ❖ ۱۳

اندیشمندان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی نیز با توجه به رویکردهای گوناگون خود در حوزه روانشناسی، جامعه‌شناسی، سیاست، اقتصاد، و روانشناسی اجتماعی و غیره تعاریف و تفسیرهای مختلفی از مفهوم اعتماد ارائه داده‌اند و هر کدام ابعاد جداگانه‌ای از این موضوع را مورد بررسی قرار داده‌اند. توکوویل معتقد است مشخصه جوامع شهری، اعتماد اجتماعی بنیانی به هم و همکاری با هم و وابسته به فعالیت‌های عام که روح شهروندی را ایجاد می‌کند است (Tocqueville, 1968).

وبر<sup>۱</sup> رفتار عقلانی ارزشی و عقلانی را وابسته به وجود و حضور اعتماد می‌داند. اعتمادی که منشا آن منافع فردی و گروهی است. این اعتماد می‌تواند نقش مهمی در انواع مشروعیت‌ها داشته باشد. از نظر وبر، اعتماد بر روابط و مشروعیت‌های سنتی<sup>۲</sup> و فرهمندانه<sup>۳</sup> و بر مشخصه‌های غیر عقلانی استوار است. این نوع اعتماد در رفتارهای عقلانی - ارزشی<sup>۴</sup> و عقلانی هدف‌مند<sup>۵</sup> هم وجود دارد. مثلاً در روابط و تعهدات دوجانبه، این قدرت است که ماهیت روابط دو جانبه را شکل می‌دهد. ظاهراً رشد بوروکراسی<sup>۶</sup> در جوامع جدید و بسط روابط و ساختارهای عقلانی باید نشانه این باشد که اعتماد دیگر نقش مهمی در جامعه ندارد. به هر حال وبر تاکید می‌کند که همزمانی این دو باعث تکمیل هم می‌شود. بنا به گفته وی توافقات دوجانبه بتدریج خود را بصورت یک نظم جدید نشان می‌دهد؛ نظمی که مبتنی بر مشروعیت است.

زیمل<sup>۷</sup> اعتماد را معادل کلمه ایمان به کار می‌برد و به اعتقاد وی نوعی ایمان و اعتقاد به افراد جامعه است. در کارهای تونیس<sup>۸</sup> در جوامع سنتی یا

- 
1. Weber
  2. Traditional
  3. Charismatic
  4. Value-Rational
  5. Objective-Rational
  6. Bureaucratization
  7. Simmel
  8. Toennies

## ۱۴ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

گماین‌شافت<sup>۱</sup> اعتماد مانند احترام و حس تعلق شخصی، فضیلتی برای افراد است، در حالی که در جوامع گزل‌شافت<sup>۲</sup> اعتماد غیر شخصی و رسمی است. پارسونز<sup>۳</sup> عامل ایجاد اتحاد و انسجام اجتماعی و ثبات و نظم را اعتماد می‌داند. به عقیده وی اعتماد، این باور را در افراد ایجاد می‌کند که دیگران به‌منظور دستیابی به یک موقعیت گروهی از منافع شخصی دست می‌کشند. اعتماد در واقع موجب می‌شود که دیگران به تعهدات و مسئولیت‌هایشان عمل کنند و موقعیت دیگران را درک نمایند. وی نظام منسجم را نظامی می‌داند که بتوان به عاملان آن در انجام وظایفشان اعتماد کرد که این امر خود به پایداری و نظم سیستم اجتماعی کمک می‌کند (انعام، ۱۳۸۰: ۲۵).

گیدنز<sup>۴</sup> مفهوم اعتماد را با تعریفی که از فرهنگ آکسفورد انگلیسی به عاریت گرفته است آغاز می‌کند و اعتماد را به عنوان اطمینان<sup>۵</sup> یا اتکا به نوعی کیفیت، یا صفت و یا اطمینان به حقیقت عبارت یا گفته‌ای توصیف می‌کند. به اعتقاد وی مفهوم اطمینان و اتکا با هم مرتبط می‌باشند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۷). لاهمن<sup>۶</sup> معتقد است که اعتماد به نحو ویژه‌ای با ریسک در ارتباط است و آنجا که اعتماد مطرح است، شقوق مختلفی به صورت آگاهانه در ذهن فرد، برای تصمیم‌گیری در خصوص اعمال کردن یک روش وجود دارد. فردی که شقوق مختلف را در نظر نمی‌گیرد در وضعیت اطمینان قرار دارد. حال آنکه کسی که شقوق مختلف را شناخته و سعی در مقابله با خطرات دارد، با مسأله اعتماد سرو کار دارد (همان: ۲۹).

- 
1. Gemeinschaft
  2. Gesellschaft
  3. Parsons
  4. Giddens
  5. Confidence
  6. Lahman

## اعتماد اجتماعی ❖ ۱۵

مورتن دویچ<sup>۱</sup> نیز معتقد است که اعتماد عبارت است از انتظار وقوع رویداد، به طوری که این انتظارات منجر به رفتاری گردد که در صورت برآورده شدن انتظارات فرد، پیامدهای انگیزشی مثبتی در وی ایجاد کند و در غیر این صورت پیامدهای منفی در پی داشته باشد (Henslin, 1968, p139).

اریکسون<sup>۲</sup> در بعد روان‌شناختی، اعتماد بنیادی<sup>۳</sup> را مورد توجه قرار داده و به اعتقاد او اعتماد بنیادی، نگرشی است نسبت به خود و دنیای پیرامون که حاصل تجربیات شخصی در اوایل زندگی است (گیدنز، ۱۳۷۸:۶۴). از نظر اریکسون اعتماد ناشی از ایمان و اعتقاد است. وی دین را عامل و موثر در ایجاد اعتماد دانسته و می‌گوید: «اعتماد زاییده مراقبت و دلسوزی، در واقع، سنگ بنای فعلیت و تحقق دین است. وجه مشترک همه ادیان تن دادن و تسلیم ادواری کودک وار به یک روزی‌دهنده یا روزی‌دهندگانی است که سعادت زمینی و هم‌چنین سلامت معنوی را اعطا می‌کنند» (Erikson, E. 1968, p242).

جانسون<sup>۴</sup> معتقد است اعتماد یک خصیصه شخصی ثابت و بلا تغییر نیست، بلکه جنبه‌ای از روابط است که پیوسته در حال تغییر بوده و برای ایجاد ارتباط، فرد باید بتواند فضایی آکنده از اعتماد را ایجاد کند که ترس از طرد شدن را کاهش و امید به پذیرش و حمایت و تأیید را افزایش دهد (Johnson, 1993, p. 66).

کلمن<sup>۵</sup> اعتماد را وارد کردن عنصر خطر در کنش با دیگران دانسته و اعتماد را با مخاطره در ارتباط می‌داند (Colman, 1960).

- 
1. Deutsch, M
  2. Erikson
  3. Basic Trust
  4. Johnson
  5. Colman

## ۱۶ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

چلبی اعتماد را در دو سطح اعتماد بین شخصی<sup>۱</sup> و اعتماد تعمیم یافته<sup>۲</sup> مطرح و تعریف می‌کند. از نظر وی اعتماد بین شخصی داشتن اطمینان به نزدیکان و اعضای خانواده، بستگان و دوستان است. به عبارت دیگر این نوع اعتماد بیشتر در روابط فرد با نزدیکان و دوستان و آشنایان وجود دارد، ولی اعتماد عام فراتر از اعتماد شخصی است. بنا به گفته وی اعتماد عام یا تعمیم یافته داشتن حسن ظن نسبت به همه افراد در روابط اجتماعی جدای از تعلق آنها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای است که این امر منجر به گسترش روابط برون‌گروهی می‌شود (چلبی، ۱۳۷۰).

همان‌طور که از این تعاریف بر می‌آید اعتماد دارای معانی گسترده و متفاوتی است و دارای ابعاد روان‌شناختی، روان‌شناختی اجتماعی و جامعه‌شناختی می‌باشد. اعتماد علاوه بر آنکه یک امر درونی و فردی است، یک واقعیت و محصول اجتماعی نیز می‌باشد. صرف نظر از تفاوت معانی این تعاریف وجه اشتراک این تعاریف را می‌توانیم در ویژگی‌ها و خصوصیات ذیل جمع‌بندی کنیم:

- ۱- اعتماد در روابط اجتماعی شکل می‌گیرد و تقویت می‌شود و یکی از جنبه‌های آن است.
- ۲- در اعتماد، مفهوم تأخر زمانی و وابستگی امور به آینده وجود دارد و این تأخر زمانی برای انتظارات فرد و اعمال سایر افراد ضروری می‌باشد.
- ۳- اعتماد با خطر کردن و مخاطره همراه می‌باشد. مفهوم عدم تعیین اجتماعی<sup>۳</sup>، یعنی عدم پیش بینی رفتارها و امور نیز با مفهوم اعتماد

---

1. Interpersonal Trust  
2. Generalized Trust  
3. Uncertainly Social



## اعتماد اجتماعی ❖ ۱۷

توأم می‌باشد. وقتی فردی عملی را انجام می‌دهد، نمی‌تواند مطمئن باشد که فرد دیگر از آن عمل علیه او استفاده نخواهد کرد.

۴- حسن ظن نیز مهم‌ترین عنصر و هسته اعتماد و هسته مرکزی آن می‌باشد، چرا که با وجود عدم قطعیت‌ها و وجود خطر در روابط، افراد به خاطر حسن ظن و احساس مثبتی که به یکدیگر دارند به هم اعتماد می‌کنند.

۵- اعتماد اکتسابی است و در طی جریان جامعه‌پذیری<sup>۱</sup> و از همان سال‌های اولیه زندگی پدید می‌آید و طی تجارب اجتماعی تقویت شده و به نسل‌های بعدی انتقال می‌یابد.

با توجه به این تعاریف اعتماد را می‌توان یک باور تعریف کرد. باور به اینکه دیگران، در بدترین شرایط، آگاهانه و عامدانه آسیبی به او نمی‌رسانند و در بهترین شرایط، به نفع او عمل می‌کنند. با اعتماد، روابط اجتماعی محکم و صلح‌آمیز حفظ می‌شود، که اینها به نوبه خود، پایه و اساس رفتارهای جمعی و همکاری‌های سازنده هستند. هرچند اعتماد با مخاطره همراه است، اما جهان را به جایی خوشایندتر، کارآمدتر، و صلح‌آمیزتر برای زندگی تبدیل می‌کند. زندگی اجتماعی بدون اعتماد غیرقابل تحمل و حتی غیرممکن است. در نهایت اعتماد را سطح اطمینان و عواطف مشترک و تعلق طرفین درگیر در یک رابطه اجتماعی تعریف کرده‌اند که معیار انسجام، پیوستگی، هماهنگی و اتحاد میان افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی یک جامعه است.

## ۲- مبانی نظری اعتماد

اعتماد و نظریه‌های مربوط به آن را می‌توانیم در سه سطح کلان، متوسط و خرد مورد توجه قرار دهیم. در هر یک از این سطوح، می‌توان نظریات و

---

### 1. Socialization

## ۱۸ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

تئوری‌های متفاوتی را قرار داد که هر یک از منظر و دیدگاه خاصی به اعتماد می‌پردازند. در این مقاله تلاش می‌کنیم نظرات آنتونی گیدنز، جیمز کلمن و فرانسیس فوکویاما را به‌عنوان سه نماینده این سه سطح مورد بررسی قرار دهیم.

### ۱-۲- جیمز کلمن<sup>۱</sup> (سطح خرد)

مفهوم اعتماد برای کلمن مفهومی محوری است. به نظر وی افراد برای این به کنش اجتماعی می‌پردازند که نیازهای خود را رفع کنند و رفع نیازها تنها از طریق بده‌بستان‌های اجتماعی امکان‌پذیر است، بنابراین بده‌بستان‌ها و مبادله‌ها نقش اساسی در ساختن کنش‌های اجتماعی دارند.

به نظر کلمن در هر رابطه مبتنی بر اعتماد حداقل دو جزء وجود دارد، اعتمادکننده<sup>۲</sup> و اعتمادشونده<sup>۳</sup> و فرض بر این است که در کنش هر دو جزء هدفمند بوده و به دنبال ارضای نیازهای خود هستند. طرف اعتمادکننده باید تصمیم بگیرد که با دیگری وارد معامله و کنش شود یا نه (یعنی خطر را بپذیرد یا نه) و طرف اعتماد شونده نیز باید بین حفظ اعتماد و یا شکستن آن انتخاب کند. بنابر این یک رابطه مبتنی بر اعتماد، یک عمل دو جانبه است و بر مبنای اصل به حداکثر رساندن فایده تحت شرایط مخاطره قرار دارد (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۷).

در روابط اجتماعی فرد می‌تواند هم اعتمادکننده باشد و هم اعتماد شونده. در این صورت مبادله از حالت دوجزئی خارج می‌شود و حالت سه جزئی پیدا می‌کند. این نوع مبادله‌های سه جزئی به نظر کلمن نقش مهمی در نظام‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارند. این نوع مبادله‌ها شبکه‌های گسترده‌ای از

---

1. Koleman. kj  
2. Truster  
3. Trustee

## اعتماد اجتماعی ❖ ۱۹

افراد را در نظام‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به یکدیگر پیوند داده و اعتماد را در جامعه گسترش می‌دهند.

کلمن در مورد رابطه مبتنی بر اعتماد توجه به چند نکته را ضروری می‌داند:

۱- برقراری اعتماد امکان کنشی را از جانب امین بوجود می‌آورد که در غیر این صورت ممکن نبود.

۲- اگر اعتماد شونده (امین) قابل اعتماد باشد، اعتمادکننده از اعتماد خود بیشتر سود می‌برد تا از عدم اعتماد، در صورتی که اگر امین قابل اعتماد نباشد، اعتمادکننده از اعتماد خود بیشتر زیان می‌بیند تا از عدم اعتماد خود.

۳- اعتماد کردن در برخی موارد مستلزم آن است که اعتمادکننده منبع خود را به شکل داوطلبانه و در اختیار اعتماد شونده قرار دهد.

۴- در همه روابط مبتنی بر اعتماد «تأخر زمانی» وجود دارد به بیان دیگر اعتمادکننده باید به امید اعمال جبران اعتماد شونده در آینده اقداماتی انجام دهد (همان: ۱۵۴).

به نظر کلمن روابط اجتماعی هنگامی به وجود می‌آید که افراد کوشش می‌کنند از منابع فردی خود به بهترین نحو استفاده کنند. کلمن از این منابع که جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی هستند به عنوان سرمایه اجتماعی نام می‌برد و معتقد است که افراد از این منابع برای رسیدن به منافعشان استفاده می‌کنند. به نظر وی دو عامل برای سرمایه اجتماعی اهمیت دارد:

۱- میزان درخور اعتماد بودن محیط اجتماعی که پرداختن به تعهدات را مشخص می‌کند.

۲- میزان واقعی تعهداتی که بر عهده گرفته شده است.

به نظر کلمن حتی اعتماد به مکانیسم‌های کلی‌تر و ساختارهای کلان، از چارچوب اعتماد متقابل نشأت می‌گیرد. از این رو آسیب پذیری اعتمادهای

## ۲۰ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

انتزاعی را نیز می‌بایست بر حسب آسیب‌های وارد به حدود اعتماد متقابل تعریف و بررسی کرد (همان: ۴۶۹-۴۶۸).

### ۲-۲- آنتونی گیدنز<sup>۱</sup> (سطح میانه)

گیدنز در بحث پیرامون اعتماد، اعتماد را به عنوان اطمینان از اعتماد پذیری اشخاص یا اتکا بر کیفیت یا ویژگی یک شخص و یا صحت یک عبارت و گفته توصیف می‌کند و آن را نقطه شروع مناسبی در تعریف این مفهوم می‌داند. از نظر گیدنز اعتماد به صورتی بلا واسطه با مفهوم ساختار و نهاد از یک سو و خصلت جامعه مدرن از سوی دیگر مرتبط است. ساختار از نظراو براساس قواعد و منابع تکرارپذیر توصیف می‌گردد. ویژگی تکرارپذیری و تداوم همان عناصری هستند که وی در تعریف اعتماد نیز آنها را به کار می‌گیرد. در دیدگاه گیدنز اعتماد انتظار برآورده شدن چشم داشت‌ها در مورد رویدادهای احتمالی است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۷).

از نظر گیدنز نظام‌های تخصصی جوامع مدرن و امروزی وابسته به اعتماد هستند. از نظر وی اعتماد با اطمینانی که گئورگ زیمل<sup>۲</sup> آن را «معرفت استقرایی سسست» می‌نامد و در معاملات رسمی مستتر است متفاوت می‌باشد. معرفت استقرایی به این معنا است که برخی از تصمیم‌گیری‌های زندگی بر پایه استنباط استقرایی از رخدادهای گذشته یا از تجربه‌های گذشته استوارند که تصور می‌رود به طریقی به زمان حال ربط داشته باشند (Simmel.G.1978:p179). از نظر گیدنز این قسم اطمینان ممکن است یکی از عناصر اعتماد باشد، اما به خودی خود برای تعریف رابطه مبتنی بر اعتماد کافی نیست. پیش فرض اعتماد پذیرش تعهد است، حالتی همچون ایمان، که قابل تقلیل نیست. اعتماد به ویژه به غیبت زمانی و مکانی و همچنین به جهل

---

1. Giddens. A  
2. Simmel

## اعتماد اجتماعی ❖ ۲۱

مربوط می‌شود. هیچ لزومی ندارد که پیوسته به آنچه در معرض دید ما قرار دارد و می‌توانیم مستقیماً بر فعالیت‌های آن نظارت داشته باشیم اعتماد کنیم. بنابر این، مثلاً، مشاغلی که یکنواخت یا ناخوشایند، و کم درآمد هستند و در آن انگیزه‌های ضعیفی برای انجام دادن صادقانه کار وجود دارد، معمولاً مشاغل اعتماد نازل<sup>۱</sup> هستند. مشاغل مربوط به اعتماد زیاد<sup>۲</sup> آنهایی هستند که عمدتاً در خارج از حیطه حضور مدیران یا سرپرستان انجام می‌گیرند (Fox, A. 1974).

اقسام و سطوح گوناگون اعتماد، زیر بنای بسیاری از تصمیمات روزانه‌ای است که همه ما در جهت دادن به فعالیت‌هایمان اتخاذ می‌کنیم. اما اعتماد کردن به هیچ وجه همیشه نتیجه تصمیم‌گیری‌های آگاهانه نیست. در اغلب موارد اعتماد کردن نوعی نگرش<sup>۳</sup> فراگیر ذهن است که شالوده تصمیم‌گیری‌های مذکور را تشکیل می‌دهد، چیزی که ریشه در پیوند اعتماد و رشد شخصیت دارد. ما می‌توانیم تصمیم بگیریم که اعتماد کنیم یا نکنیم.

نگرش‌های اعتمادآمیز در خصوص وضعیت‌ها، اشخاص یا نظام‌های خاص، در سطحی عام‌تر، به طور مستقیم به امنیت روانی افراد و گروه‌ها مربوط می‌شود. اعتماد و امنیت مخاطره و خطر این پدیده‌ها در شرایط مدرنیته پیوندهایی با یکدیگر برقرار می‌کنند که به لحاظ تاریخی منحصر به فرد هستند. برای مثال، مکانیسم‌های از جای برکندن (گسست از زندگی و شیوه زندگی سنتی)، عرصه‌های گسترده امنیت نسبی در فعالیت اجتماعی روزانه را تسخیر می‌کنند. زندگی مردم در کشورهای صنعتی، و همچنین تا حدی در همه جای دنیا، امروزه در برابر آسیب‌ها و بلایای طبیعی محافظت می‌شود. از طرف دیگر خطرها و مخاطرات تازه‌ای به واسطه همین مکانیسم‌های از جای برکندن خلق می‌شود که ممکن است محلی یا جهانی باشند. مواد غذایی حاصل از عناصر

- 
1. Low Trust
  2. High Trust
  3. Attitude

## ۲۲ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

مصنوعی ممکن است عوارض مسموم‌کننده‌ای داشته باشند که در اکثر غذاهای سنتی دیده نمی‌شود. فجایع زیست محیطی ممکن است کل زیستگاه کره زمین را مورد تهدید قرار دهند. این تهدید می‌تواند اعتماد مردم به نظام‌ها و توانایی آنها جهت حفظ امنیت را دستخوش تغییر و تحول نماید.

گیدنز در مباحث خود از سه نوع اعتماد بنیادی، شخصی و انتزاعی نام می‌برد. به گفته وی در جوامع مدرن تحت تسلط نظام‌های انتزاعی، اعتماد بسیار مهم است. از نظر وی نیاز به اعتماد با فاصله‌گیری روابط زمانی و مکانی افراد در ارتباط است. به عبارتی ما در مورد کسانی که پیوسته در معرض دیدمان هستند و فعالیت‌هایشان را می‌توان مستقیماً مورد بازنگری قرارداد نیاز به اعتماد نداریم. اعتماد هنگامی ضروری می‌شود که در نتیجه فاصله‌گیری زمانی و مکانی اطلاع کاملی از پدیده‌های اجتماعی نداشته باشیم (ریتزر، ۱۳۷۷: ۷۶۸).

اگر چه روان‌شناسی اعتماد دارای خصوصیات عام یا تقریباً عام است، تقابلهایی بنیادی میان اوضاع و شرایط روابط اعتماد در فرهنگ‌های جهان مدرن وجود دارد. در این جا نه تنها باید اعتماد را مد نظر قرار دهیم، بلکه ابعاد وسیع روابط میان اعتماد و مخاطره و روابط میان امنیت و خطر نیز باید مورد بررسی قرار بگیرند.

در همه فرهنگ‌های پیش مدرن، از جمله در تمدن‌های بزرگ ارضی سطح فاصله‌گیری زمانی- مکانی در مقایسه با شرایط مدرنیته نسبتاً پایین بود. امنیت وجودی در جهان پیش مدرن را اساساً باید در پیوند با زمینه‌های اعتماد و صور مخاطره و خطری درک کرد که به اوضاع محلی مکان گره خورده‌اند. اعتماد، به دلیل رابطه ذاتی‌اش با غیاب، همیشه پیوند نزدیکی با شیوه‌های سازماندهی تعامل‌های «قابل اطمینان» در گستره زمان- مکان دارد.

چهار زمینه محلی اعتماد در فرهنگ‌های پیش مدرن رواج داشت، هرچند هر یک از آنها مطابق با نظم اجتماعی خاصی بوده و تنوعات بسیاری را در

## اعتماد اجتماعی ❖ ۲۳

برمی‌گرفتند. اولین زمینه اعتماد نظام خویشاوندی<sup>۱</sup> است، که در اکثر وضعیت‌های پیش مدرن شیوه نسبتاً پایداری برای سازماندهی رشته‌های روابط اجتماعی در طول زمان و مکان فراهم می‌کرد. وابستگی‌های خویشاوندی اغلب کانون تنش و تضاد هستند؛ اما با وجود همه تضادهایی که در بر دارند و همه اضطراب‌هایی که به بار می‌آورند، عموماً پیوندهایی ایجاد می‌کنند که برای ساخت دادن به کنش‌ها در عرصه‌های زمانی- مکانی می‌توان بدان تکیه کرد. این سخن هم در سطح پیوندهای تقریباً غیر شخصی و هم در سطح پیوندهای شخصی صادق است. به عبارت دیگر، معمولاً می‌توان اطمینان داشت که خویشان و بستگان، تقریباً صرف نظر از علاقه قلبی آن‌ها به شخص مورد نظر، به مجموعه تعهداتی در قبال وی پایبند باشند. به علاوه خویشاوندی غالباً شبکه پابرجایی از روابط دوستانه یا نزدیک را فراهم می‌کند که در طول زمان و مکان دوام می‌آورد. حاصل سخن این که خویشاوندی رشته‌ای از پیوندهای اجتماعی قابل اطمینان را فراهم می‌کند که اغلب تشکیل‌دهنده میانجی سازمان‌دهنده روابط اعتماد است.

دومین عامل اجتماعات محلی هستند. در اکثریت وسیعی از محیط‌های پیش‌مدرن از جمله در اکثر شهرها، محیط محلی جایگاه خوشه‌هایی از روابط درهم‌بافته اجتماعی بود که گستره مکانی ناچیز شان مایه ثبات زمانی آن‌ها می‌شد. مهاجرت جمعیت‌ها، خانه به دوشی و مسافرت‌های طولانی بازرگانان و ماجراجویان به حد کافی در روزگار پیش مدرن عمومیت داشت، اما اکثریت وسیعی از جمعیت در مقایسه با صور متداول و فشرده تحرک که وسایل حمل و نقل مدرن موجبات آن را فراهم آورده‌اند نسبتاً فاقد تحرک و جدا افتاده بودند. که همین ثبات و آشنایی اعتماد و اطمینان را برای مردم به همراه داشته است.

---

### 1. Kinship System

## ۲۴ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

سومین عامل به جهان بینی مربوط می‌شود. عقاید دینی ممکن است منبع اضطراب یا حرمان شدیدی باشند. از جهات دیگر، جهان بینی‌های دینی تأمین‌کننده تفسیرهای اخلاقی و عملی از زندگی شخصی و اجتماعی و همچنین از جهان طبیعی هستند که برای مومنان، محیطی آکنده از امنیت ایجاد می‌کنند.

دین یکی از ابزارهای سازمان‌دهنده اعتماد است که به چندین طریق عمل می‌کند. تنها خدایان و نیروهای دینی نیستند که مواقع مقتضی حمایت‌های قابل توجهی از مؤمنان به عمل می‌آورند. بلکه متصدیان امور دینی نیز چنین می‌کنند. مهم‌تر از همه این که عقاید دینی نوعاً قابلیت اطمینان و اتکا را وارد تجربه رویدادها و وضعیت‌ها می‌کنند و چارچوبی تشکیل می‌دهند که براساس آن می‌توان رخدادها و وضعیت‌های مذکور را تبیین کرد و در مقابل آنها واکنش نشان داد.

چهارمین زمینه اصلی روابط مبتنی بر اعتماد در فرهنگ‌های پیش مدرن خود سنت است. سنت، برخلاف دین، به هیچ پیکره خاصی از عقاید و مناسک اطلاق نمی‌شود بلکه به معنای شیوه سازماندهی این عقاید و مناسک، به ویژه در نسبت با زمان است. سنت منعکس‌کننده شیوه متمایز ساخت دادن به زمان‌بندی است. گذشته وسیله سازماندهی آینده است. سنت روال‌مند است و همین روال‌مندی باعث می‌شود سنت ذاتاً پرمعنا و نه صرفاً عاداتی پوچ به دلیل نفس عادت، باشد. مناسک غالباً جنبه‌ای اجباری به سنت می‌دهند، اما عمیقاً آرامش بخش نیز هستند زیرا مجموعه اعمال معینی را آکنده از کیفیت آیینی می‌سازند. بنابراین تا زمانی که اعتماد به پیوستگی گذشته، حال و آینده را حفظ می‌کند و این اعتماد را به اعمال اجتماعی قاعده‌مند متصل می‌سازد، سنت به شیوه‌ای اساسی در امنیت وجودی سهمیم است.

از دیدگاه گیدنز، اعتماد در نظام‌های پیش از مدرن از نوع پایبندی چهره دار و مبتنی بر هم حضوری بوده است. در حالی که در مدرنیته وجهان مدرن



## اعتماد اجتماعی ❖ ۲۵

امروزی وضعیت این چنین نیست. اعتماد غیر شخصی به دیگران ناشناس ناشی از ماهیت رشد یابنده نظام‌های انتزاعی می‌باشد. وجه عمده اعتماد در دوران مدرنیته، پایبندی‌های بی‌چهره‌ای است که در نظام‌های تخصصی معنا می‌یابد (ریترز، ۱۳۷۷: ۷۶۸). از جهات معینی می‌توان گفت که سطوح ناامنی وجودی در جهان مدرن در مقایسه با اکثر وضعیت‌های زندگی اجتماعی پیش مدرن بالاتر است. همراه با رشد نهادهای اجتماعی مدرن، نوعی تعادل میان اعتماد و مخاطره و نیز امنیت و ترس برقرار شده است. اما عناصر عمده دخیل در این وضعیت با عناصر حاکم بر دوره پیش مدرن تفاوت بسیار دارند. در اوضاع و شرایط مدرنیته نیز، همانند محیط‌های فرهنگی دیگر، فعالیت‌های انسان همچنان دارای موقعیت و زمینه هستند. اما در شرایط مدرنیته، اثر سه نیروی عظیم و پویای مدرنیته یعنی جدایی زمان و مکان، مکانیسم‌های از جا برکندن و تأملی بودن نهادی موجب شده است که برخی از صور بنیادی روابط اعتماد از خواص محیط‌های محلی جدا شوند.

در شرایط مدرنیته، هیچ یک از چهار محور اصلی اعتماد و امنیت وجودی محیط‌های پیش مدرن، دیگر به همان اندازه اهمیت ندارند و روابط خویشاوندی به خصوص در قالب خانواده هسته‌ای، هنوز هم نزد اکثر مردم مهم است، اما این روابط دیگر حاصل پیوندهای اجتماعی کاملاً سازمان یافته در طول زمان و مکان نیست. این سخن که مدرنیته موجب زوال خانواده می‌شود بی‌چون و چرا درست است، هر چند که نباید جانب احتیاط را از دست داد چرا که در برخی از مناطق محلی همچنان کانون شبکه‌ها، حقوق و تعهدات خویشاوندی باقی مانده‌اند.

اولویت مکان در محیط‌های پیش مدرن در دوران مدرن به موجب فرایندهای کنده شدن و فاصله‌گیری زمانی- مکانی تا حد زیادی از بین رفته است و مکان صورت وهمی یافته است. این به خاطر آن است که ساخت جامعه دچار تغییر شده است. دیگر این دوام‌ها و قدمت‌ها باعث حس اطمینان و اعتماد

## ۲۶ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

نمی‌شود چرا که تغییر دوران و ساخت باعث شده پدیده‌های قدیمی هم خود را بصورت نو و جدید درآورند تا با شرایط منطبق شوند. احساس تعلق و وابستگی به اماکن یا احساس یکی بودن با اماکن هنوز پا برجاست اما مبنای این احساسات هم دستخوش تحول شده‌اند. برای مثال فروشگاه‌های محلی که به خاطر قدمتشان به آنها اطمینان و اعتماد داشتیم امروزه تغییر کرده‌اند. در آنها کالاها و اجناسی می‌توان دید که از سراسر جهان آمده‌اند. دیگر اجتماع محلی، محیطی آکنده از معانی آشنا و بدیهی نیست، بلکه تا حد زیادی جلوهای از روابط فاصله‌دار است که وضعیت محلی دارند. همه کسانی که در اماکن مختلف جوامع مدرن زندگی می‌کنند از این امر اطلاع دارند. هرگونه امنیتی که افراد در نتیجه آشنایی با مکان تجربه می‌کنند همان قدر که بر پایه صور پایدار روابط از جا کنده شده استوار است بر ویژگی‌های موقعیت محلی نیز مبتنی است (Meyrowitz, j. 1985).

به نظر گیدنز در دوره مدرن، اعتماد به اشخاص متکی بر پیوندهای شخصی در چارچوب اجتماع محلی و شبکه‌های خانوادگی نیست. اعتماد در یک سطح شخصی، تبدیل به طرحی می‌شود که طرفین باید روی آن کار کنند و مستلزم در دسترس بودن از سوی دیگران است. در اینجا اعتماد را نمی‌توان با اصول ثابت و هنجار بخش در اختیار داشت، باید آن را جلب کرد و وسیله این کار نشان دادن محبت و سعه صدر است. علاقه ما به داشتن روابط بیانگر همین پدیده است. این روابط همان پیوندهای مبتنی بر اعتماد هستند که باید روی آن کار کرد و این کار به معنای فراگرد متقابل خود واگشایی است (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۴۵-۱۴۴).

گیدنز ظهور نوعی ارتباط ناب<sup>۱</sup> را مسئله‌ای جدید برای عرصه‌های نوین زندگی شخصی می‌داند. ارتباط ناب، ارتباطی است که معیارهای برونی در آن

---

### 1. Pure Relationship

## اعتماد اجتماعی ❖ ۲۷

تحلیل رفاه باشد. ارتباط ناب تنها برای پاداشی بوجود می‌آید که از نفس ارتباط حاصل می‌شود. در چارچوب ارتباط ناب، اعتماد را می‌توان به وسیله نوعی خلوص بی‌ریایی متقابل بسیج و حفظ کرد. اعتماد در اینجا از قید هرگونه معیار و ضابطه‌ای خارج از نفس ارتباط مثل معیارهای خویشاوندی، وظیفه اجتماعی یا تکالیف سنتی آزاد می‌گردد. ارتباط ناب مستلزم تعهد پیشینی است که نوع ویژه‌ای از اعتماد محسوب می‌شود. ارتباط ناب دارای این ویژگی‌های زیر است:

۱- وابسته به عوامل بیرونی زندگی اجتماعی و اقتصادی نیست و در فضا شناور است. رابطه ناب فقط به خاطر آنچه نفس رابطه برای هر دو طرف به ارمغان می‌آورد مورد علاقه است. عنوان دوست در جامعه جدید به کسی اطلاق می‌شود که ارتباط با او هیچ امتیاز و انگیزه دیگری جز پاداشی که نفس همان ارتباط نصیب شخص می‌سازد ندارد.

۲- ارتباط ناب همچنین منوط به اعتماد متقابل است و اعتماد متقابل نیز به رابطه‌ای نزدیک با صمیمیت و خودمانی شدن دارد.

۳- اعتماد ناب منوط به رسمیت شناختن دیگری است و طرفین باید قادر باشند بطور منظم برخی پاسخ‌های مطلوب را از گفتار و رفتار یکدیگر استنباط کنند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۴۳-۱۳۱).

### ۳-۲- فرانسیس فوکویاما<sup>۱</sup> (سطح کلان)

فوکویاما با نوعی رویکرد اقتصادی به مسئله اعتماد می‌پردازد و مبنای نظری و کانون تمرکز او بر حفظ سرمایه اجتماعی به عنوان مجموعه معینی از هنجارها و ارزش‌های غیر رسمی است و اعضای گروهی که با یکدیگر همکاری و همیاری دارند، در آن سهیم هستند. از دید فوکویاما این ارزش‌ها و هنجارها

---

1. Francis Fukuyama

## ۲۸ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه باشد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۰)، به طوری که مشارکت در این ارزش‌ها و هنجارهای غیررسمی با چنین ویژگی‌هایی، توسط گروهی از افراد که با یکدیگر همکاری دارند اعتماد را بوجود می‌آورد. البته به نظر فوکویاما این همکاری و همیاری به منظور افزایش بهره‌وری اقتصادی صورت می‌گیرد و بنابر این وی اعتماد را بر مبنای سرمایه اجتماعی و در عرصه اقتصادی مطرح می‌سازد.

فوکویاما برای نشان دادن اهمیت اعتماد در ساختار کشورهای صنعتی معتقد است که تفاوت ساختاری میان کشورهای سرمایه داری ناشی از ویژگی‌ها و خصوصیات فرهنگی آنها و ناشی از سرمایه اجتماعی آنها است که موجب می‌شود اعضاء یک جامعه به هم اعتماد کنند و با تشکیل گروه‌ها و شرکت‌های جدید با یکدیگر همکاری نمایند. به اعتقاد وی میان سطح اعتماد با پیشرفت جوامع ارتباط وجود دارد. فوکویاما معتقد است که جوامع توسعه یافته در مقایسه با جوامع دیگر از سطح اعتماد اجتماعی بالاتری برخوردار هستند. وی می‌نویسد:

«خوشبختی یک ملت و همین‌طور توانایش برای رقابت منوط است به داشتن یک ویژگی فرهنگی واحد فراگیر<sup>۱</sup> که آن سطح اعتماد در جامعه است. (Francis Fukuyama, 1995, p24)

در این رابطه فوکویاما می‌گوید: جوامعی مانند چین، فرانسه و ایتالیا که روابط نزدیک بین مردم در سطح پایینی قرار دارد و این روابط از سطح خانواده فراتر نمی‌رود، شکل‌گیری و ایجاد نهادها و موسسات اجتماعی بزرگ مانند شرکت‌های چند ملیتی ضعیف است. در حالی که در کشورهای همچون ژاپن، آلمان و ایالات متحده آمریکا که اعتماد در سطح بالایی قرار دارد ایجاد این

## اعتماد اجتماعی ❖ ۲۹

شرکت‌ها بیشتر است. در حقیقت بهبود شرایط زندگی منجر به اقتصادی روشن و پویا می‌شود.

البته این نظر فوکویاما با انتقاد برخی دیگر از دانشمندان روبرو شد. آنان می‌گفتند: برخی از جوامعی که فوکویاما از آنها به‌عنوان جوامعی که اعتماد اجتماعی در آنها کم است نام برده است، دارای امکانات و توانمندی‌های بسیاری برای ایجاد چنین شرکت‌هایی هستند. مثلاً چین یکی از کشورهای است که از نظر فوکویاما دارای اعتماد اجتماعی پایینی است، اما با اینکه صاحب چنین شرکت‌های بزرگی نبوده، ولی رشد سریع اقتصادی بالایی داشته است. به‌علاوه فوکویاما در بسط تئوری اعتماد اجتماعی فراگیر خویش فراموش می‌کند که نقش کنترل و راهنمایی‌های دولتی را مشخص کند. به‌عنوان مثال در کره جنوبی و چین نقش دولت در شکل‌گیری سیاست‌های اجتماعی - اقتصادی نقش مهمی دارد، در چنین شرایطی توسعه ممکن است ایجاد شود اگرچه از لحاظ اعتماد آن کشور موقعیتی بالا یا پایین داشته باشد.

### ۳- نتیجه‌گیری

اعتماد از مهم‌ترین ویژگی‌های مورد نیاز در ایجاد ارتباط میان انسان‌ها است. با تغییر جوامع سنتی و تبدیل شدن آنها به جوامع مدرنی که دیگر روابط چهره‌به‌چهره، ویژگی غالب آن نیست، شکل‌گیری اعتماد نیز تغییر کرده است. در چنین شرایطی اعتماد با تعاریف متعددی همراه شده است. در این مقاله تلاش شد با کمک گرفتن از آراء اندیشمندان، جنبه‌های مختلف این مفهوم مورد بررسی قرار بگیرد. در این راستا «کلمن» مبنای شکل‌گیری و تداوم اعتماد را حفظ و ارضاء منافع می‌داند. از نظر گیدنز نیز اعتماد مخصوص روابط پیچیده و رسمی است و لازمه روابط در جوامع نوین، انتزاعی و مدرن امروزی است. وی در نظرات خود بحث زمان و مکان را مطرح می‌کند و معتقد است که

### ۳۰ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

این دو مفهوم (زمان و مکان) نقش مهمی در اعتماد دارند. در جوامع قدیم بعلت اینکه زمان و مکان محدود و بسته بود و روابط چهره به چهره بودند، اعتماد در همه روابط وجود داشت و مشکلی از لحاظ نبود اعتماد وجود نداشت. اما در جوامع جدید بخاطر گستردگی مکان‌ها و از بین رفتن سدهای زمانی و مکانی برای ارتباطات و روابط مردم با یکدیگر، اعتمادها کم رنگ‌تر و حضورشان برای برقراری روابط ضروری‌تر شده است. فوکویاما نیز با رویکردی اقتصادی به مسأله اعتماد پرداخته و آن را بخشی از سرمایه اجتماعی می‌داند. وی معتقد است اعتماد میان افراد یک جامعه باعث می‌شود آنها با تشکیل گروه‌ها و شرکت‌های جدید با یکدیگر همکاری کنند و از این راه به منافع اقتصادی دست پیدا کنند. بنابراین میان سطح اعتماد با پیشرفت جوامع ارتباط مستقیمی وجود دارد.

### فهرست منابع

۱. امیرکافی، مهدی (۱۳۸۰)، اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن، *نمایه پژوهش*، شماره ۳.
۲. امیری، مجتبی (۱۳۷۴)، پایان تاریخ و بحران اجتماعی، بازشناسی اندیشه‌های فوکویاما، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۹۷-۹۸.
۳. انعام، راحله (۱۳۸۰)، بررسی اعتماد بین شخصی در میان روستاییان شهریار، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه الزهراء.
۴. چلبی، مسعود، *جامعه‌شناسی نظم: تحلیل و تشریح نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی، ۱۳۷۵.
۵. چلبی، مسعود، تحلیل شبکه در جامعه‌شناسی، *فصل‌نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳، ۱۳۷۳.
۶. ریشه، گی، *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: موسسه فرهنگی تیان، ۱۳۷۶.
۷. ریتزر، جرج، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۳.
۸. عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، چاپ سوم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۹.
۹. فوکویاما، فرانسیس، *پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: جامعه ایرانیان، ۱۳۷۹.
۱۰. کلمن، جیمز، *بنیاد نظریه‌های اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، ۱۳۷۷.

## ۳۲ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

۱۱. کمالی، افسانه، مطالعه تطبیقی اعتماد اجتماعی در دو حوزه فرهنگ و سیاست با تاکید بر سازمان‌های تخصصی، *پایان نامه دکترای جامعه‌شناسی*، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
۱۲. گیدنز، آنتونی، *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشرمرکز، ۱۳۷۷.
۱۳. گیدنز، آنتونی، *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.
۱۴. ورسلی، پیتر، *نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی*، ترجمه سعید معیدفر، تهران: تیان، ۱۳۷۸.
15. Coleman, J., « Foundation of Social Theory»; Cambridge, MA: Harvard press, 1990.
16. Jhonson, David, "Reaching Out: Interpersonal effectiveness and Self- actualization", Boston, Allyn and Bacon, 1993.
17. Miztal, Barbara A, "Trust in Modern Societies". Polity press, 1996.
18. Erikson. Erik H. "Childhood and Society". (Harmomndsworth: Penguin. 1965).
19. Simmel. Georg. "The Philosophy of Money (London: Routledge. 1978)
20. Fopx. Alan. "Beyond Contract". (London: Febr. 1974).
21. Myrowitz. Joshua. "No Sense of Place", Oxford: Oxford University Press. 1985.
22. Francis Fukuyama, Trust: The Social Virtues and Creation of Prosperity (New York: Free Press, 1995) ; Hamish Hamilton, as quoted in "Cultural Explanations; The Man in the Baghdad Cape". The Economist (Nov. 9th, 1996).



## بررسی وضعیت اعتماد در جامعه ایران و راه‌های بازسازی آن

مرتضی زین آبادی

### چکیده

اعتماد و اعتماد داشتن به دیگری از مفاهیم و عناصر مهم اجتماعی در جامعه محسوب می‌شود. در این مقاله مفهوم اعتماد در سه سطح خرد، اعتماد در روابط شخصی و خصوصی، سطح میانی؛ اعتماد عام و تعمیم یافته به عموم مردم و اعتماد به گروه‌های واسطه و سازمان‌ها و موسسات کوچک و سطح کلان؛ اعتماد به دولت و نهادها و سازمان‌های دولتی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس این ابعاد در جامعه ایران مورد توجه و کنکاش قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که اعتماد مردم در سطح خرد از وضعیت نسبتاً خوبی برخوردار بوده و آنها اعتماد خوبی به اعضاء خانواده، اعضاء فامیل و دوستان خود دارند. اعتماد به دولت هم در وضعیت نسبتاً معمولی قرار دارد. اما وضعیت اعتماد در سطح میانی (اعتماد عام و تعمیم یافته به عموم مردم) در وضعیت مطلوب و مناسبی قرار ندارد.

### واژگان کلیدی

اعتماد، اعتماد عاطفی، اعتماد ارتباطی با دوستان<sup>۱</sup>، اعتماد در روابط شخصی و خصوصی، اعتماد عام و تعمیم یافته به عموم مردم، اعتماد به دولت و نهادها و سازمان‌های دولتی.

## مقدمه

اعتماد در جامعه امروزی معانی متفاوتی دارد. گاهی منعکس‌کننده جنبه‌هایی از زندگی اجتماعی و گاهی نشان‌دهنده بخشی از شخصیت افراد است. اعتماد به‌عنوان یک اسم اطمینان به ویژگی و یا توانایی یک شخص یا چیزی است و به‌عنوان فعل عبارت است از مجوزی که به یک فرد داده می‌شود تا بدون ترس و اضطراب در جایی بماند، کاری را انجام بدهد و یا به جایی برود. مقوله اعتماد و اعتماد داشتن به دیگری از مفاهیم و عناصر مهم اجتماعی یک جامعه محسوب می‌شود. شرط و لازمه داشتن جامعه و نظامی پیشرفته، قانون‌مند، منسجم، توسعه یافته و جهت دار داشتن اعتماد به یکدیگر است. اعتماد را سطح اطمینان و عواطف مشترک و تعلق طرفین درگیر یک رابطه اجتماعی نسبت به یکدیگر تعریف می‌کنند.

بقاء و تداوم جوامع و گروه‌های انسانی وابسته به کنش‌ها و روابط اعضاء آنها است. سطح و عمق کنش‌های انسانی در یک گروه نشان‌دهنده پیوستگی، انسجام، همدلی و تعلق میان اعضاء است. صاحب‌نظران علوم انسانی معتقدند آنچه که سطح کنش‌های انسانی را شکل می‌دهد نیاز انسان‌ها است. هر مقدار نیازهای افراد بیشتر و پردامنه‌تر باشد سطح کنش‌های آنها گسترده‌تر و وسیع‌تر می‌شود. عمق کنش‌ها نیز بستگی به اعتماد و عواطف افراد نسبت به یکدیگر دارد. بنابر این در اعتماد باید به طرفین درگیر ارتباط اجتماعی توجه داشت.

## ۱- چارچوب تئوریک مطالعه

در مطالعات مربوط به اعتماد به دیدگاه‌های متفاوتی از جمله دیدگاه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، روان‌شناختی استفاده شده است که هر یک از منظر و سطح تحلیلی خاصی به اعتماد نگاه می‌کنند. در این مقاله برای رسیدن به تحلیلی جامع، اعتماد را در سه سطح مورد بررسی قرار می‌دهیم.

- ۱- سطح خرد به اعتماد در روابط شخصی و خصوصی می‌پردازد.
- ۲- در سطح میانی اعتماد عام و تعمیم یافته به عموم مردم و به گروه‌های واسطه و سازمان‌ها و مؤسسات کوچک مورد بررسی قرار می‌گیرد.
- ۳- در سطح کلان: اعتماد به دولت، نهادها و سازمان‌های دولتی مورد توجه است.

### ۱-۱- سطح خرد

اعتماد در سطح خرد یعنی در روابط شخصی و فردی بسیار حائز اهمیت است. این ارتباط مربوط به سطح اطمینانی است که یک فرد نسبت به اعضای خانواده، دوستان و خویشان خود دارد. اصولاً اعتماد فرد در خانواده و داخل گروه‌های نزدیک و صمیمی به وی شکل می‌گیرد. بر اساس نظر اریکسون روانشناس مشهور، رشد اعتماد فرد در خانواده و بر اساس ارتباطات وی با اعضای خانواده و بر اساس رفع نیازهایش توسط اعضای خانواده ایجاد می‌شود و به سایر افراد و گروه‌های دیگر گسترش پیدا می‌کند. اعتماد در سطح خرد به سه سطح مربوط می‌شود.

## اعتماد اجتماعی ❖ ۳۷

### ۱-۱-۱- اعتماد عاطفی<sup>۱</sup>

این اعتماد به اطمینان و علائق مشترک با اعضای خانواده مربوط است. این اعتماد مبنا و شکل‌دهنده سایر روابط اعتمادی فرد با دیگران است.

### ۱-۱-۲- اعتماد ارتباطی با خویشان<sup>۲</sup>

این اعتماد به سطح اطمینانی اطلاق می‌گردد که فرد به اقوام و خویشان خود دارد.

### ۱-۱-۳- اعتماد ارتباطی با دوستان<sup>۳</sup>

این اعتماد به سطح اطمینانی اطلاق می‌گردد که فرد با دوستان خویش دارد.

### ۱-۲- سطح میانی<sup>۴</sup>

اعتماد در سطح عام و عمومی به سطح اطمینانی مربوط می‌شود که یک فرد نسبت به عموم مردم و آنهایی که نمی‌شناسد دارد، مثل اعتماد به سازمان‌ها و موسسات جامعه، مغازه داران، رانندگان، پلیس، رسانه‌ها، معلمین و غیره.

آنتونی گیدنز در مورد اعتماد به نظام‌های انتزاعی یا اعتماد تعمیم یافته می‌نویسد: «روابط مبتنی بر اعتماد در فاصله‌گیری گسترده زمانی - مکانی که ملازم مدرنیت است، نقشی بنیادی دارد. اعتماد به نظام‌ها، صورت پایبندی‌های بی‌چهره‌ای را به خود می‌گیرد که طی آن ایمان به کارآیی‌های دانشی که شخص عادی تقریباً از آن چیزی نمی‌داند، حفظ می‌شود. نقاط دسترسی همان

- 
1. Emotional Trust
  2. Related of Kinship Trust
  3. Related of Friend Trust
  4. Medium Level

## ۲۸ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

پیوندگانهایی هستند که در آنجا اعتماد را می‌توان حفظ یا بنا کرد» (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۰۵). گیدنز برای نشان دادن نقطه مقابل اعتماد از مفهوم و اصطلاح «بی‌اعتمادی» استفاده می‌کند که شامل اعتماد نسبت به اشخاص و نظامهای انتزاعی می‌گردد (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۱۹).

باید توجه داشت که این سطح از اعتماد تاثیر بسیار مهمی بر روابط و تعاملات اجتماعی داشته و توانایی تنظیم‌کنندگی ارتباطات و مناسبات اجتماعی را دارد. این اعتماد می‌تواند در صورت ضعف و ناتوانی در سطح سوم اعتماد، جایگزین آن شود. در کشور ما این نوع اعتماد دارای قدمت و اهمیت بسیار بالایی است: چرا که این گروه‌ها و موسسات هستند که با فعالیت خود نیازهای عمده مردم را رفع می‌کنند، تعهدات و پیوندهای اجتماعی را میان مردم برقرار می‌سازند و موجبات رضایت و آسودگی خاطر مردم را فراهم می‌آورند. رضایت مردم از این گروه‌ها و اصناف موجب رضایت و خشنودی آنها از نظام و دولت می‌گردد و مشروعیت عام را ایجاد می‌کند. در جوامعی هم که هنوز نهادها و سازمان‌های ارتباطی حائل میان دولت و ملت شکل نگرفته‌اند و یا فاقد توانایی و قدرت لازم هستند مانند نهادهای شهروندی، NGO، سازمان‌های مردم‌نهاد، سندیکاها و احزاب، اصناف رابط میان دولت و ملت برده و می‌توانند موجبات انسجام و تقویت تعهدات اجتماعی را فراهم کنند. متأسفانه امروزه وضعیت این نوع اعتماد در کشور ما وضعیت مطلوبی ندارد. صدور چک‌های بلامحل می‌تواند شاخصی برای کاهش پای‌بندی به تعهدات باشد، البته فقط بخش اندکی از چک‌های بلامحل به دادگستری ارجاع می‌شود، یعنی آن بخشی که واقعاً طرفین نخواستند یا نتوانسته‌اند به تعهدات خود عمل کنند. در سال ۱۳۷۳ به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت کشور، کمتر از هزار پرونده چک بلامحل در دادگستری رسیدگی شده است، این رقم در سال ۱۳۷۵ به بیش از ۵۵۰۰ پرونده چک و در سال ۱۳۸۰ به حدود ۹۴۰۰ پرونده رسیده است که این نشان‌دهنده نامناسب بودن وضعیت اعتماد در جامعه است.

### اعتماد اجتماعی ❖ ۳۹

در کشورهای استبداد زده و کشورهایی که حکومت‌های استبدادی قدرت را در دست دارند، مردم به دولت‌ها اعتماد کم و محدودی دارند. اصولاً این‌گونه دولت‌ها فاقد مشروعیت عمومی هستند، و مشروعیت خود را از راه زور و استفاده از قدرتی که در اختیارشان است بدست می‌آورند. ویژگی مشترک دولت‌های گذشته (قبل از انقلاب اسلامی) استبدادی بودن آنهاست. در این‌گونه موارد مردم تلاش می‌کنند ارتباط خود را با دولت و سازمان‌های دولتی به حداقل برسانند. اگر مشکل و یا اختلافی هم میان مردم ایجاد شود تلاش می‌کنند آنرا از طریق مصالحه با سازمان‌ها و اصناف حل کنند. برای مثال می‌توان به نقش بازار و معتمدین بازار در جامعه گذشته ایران نگاه کرد.

#### ۳-۱- سطح کلان

این اعتماد به سطح اطمینان و مقبولیت مردم از نظام و سیستم حکومتی و فعالیت‌ها و اقدامات دولت مربوط می‌گردد. عبارت دیگر این وضعیت مربوط به ارزیابی سیاسی ناشی از ارتباط مردم با نهاد دولت است.

باید توجه داشت که در همه جوامع و اجتماعات انسانی در هر زمان و دوره‌ای (سنتی یا مدرن، جوامع کشاورزی یا شکارچی، جنگجو یا قبیله‌ای) این سه سطح اعتماد وجود دارد. اما در هر یک شدت و ضعف این سه سطح با هم متفاوت است؛ چرا که هر یک از این جوامع نوع خاصی از این اعتماد را طلب می‌کنند. در جوامع سنتی اعتماد غالب اعتماد خرد است، یعنی اعتماد به اعضای خانواده، خویشان و دوستان نزدیک. مردم نیز متناسب با این نوع اعتماد، روابط و سازمان‌های اجتماعی خود را سازماندهی و شکل داده‌اند. ازدواج‌ها در این جوامع درون گروهی بوده و سازمان غالب اجتماعی، خانواده است.

اما جوامع مدرن بر روابط و معاملات گسترده اجتماعی بنا شده‌اند و بیشتر بر اعتماد عام و عمومی تأکید می‌شود. در این نوع از جوامع فرد بخاطر رفع نیازهای گسترده و دستیابی به اهداف خود ناچار است که به دیگران اعتماد

## ۴۰ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

داشته باشد، چرا که دستیابی به اهداف مستلزم وارد شدن در روابطی است که شرط شکل‌گیری آنها اعتماد داشتن به یکدیگر است. صاحب یک فروشگاه اگر می‌خواهد فروش موفقیت‌آمیزی داشته باشد ناچار است که اعتماد مشتریان (هم کمی و هم کیفی) خود را جلب کند تا در آینده هم مشتری او باشند، در غیر این صورت بزودی ورشکست شده و مجبور می‌شود کار و شغل خود را تغییر دهد.

از سوی دیگر نظم اجتماعی نیز باعث می‌شود نیازهای اجتماعی راحت و آسان انجام بگیرد، و نهادها و موسسات اجتماعی مانند بانک‌ها، دادگاه‌ها، شهرداری‌ها و غیره که برای این منظور ایجاد شده‌اند تعهدات خود را به درستی انجام دهند. این سازمان‌ها برای اینکه بتوانند در سازمان اجتماعی حضور خود را توجیه کنند نیاز به رضایت و اعتماد افراد دارند. این سازمان‌ها توجیه خود را در نظام اجتماعی براساس ارتباطات و روابطی به دست می‌آورند که مردم با آنها برقرار می‌کنند. در واقع این سازمان‌ها بر اساس ارتباط با مردم مشروعیت کسب می‌کنند، مشروعیتی که توجیه‌کننده آنها است. هابرماس یکی از بحران‌ها و مشکلات جوامع مدرن را بحران مشروعیت<sup>۱</sup> می‌داند. بحرانی که ناشی از عدم ارتباط مردم با سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است. وی علت این بحران را ناشی از ضعف در حوزه عمومی جامعه ذکر می‌کند.

## ۲- اعتماد در سطح خرد

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، اعتماد در سطح خرد ماحصل ارتباط فرد در سه حوزه اعتماد به اعضای خانواده یا اعتماد عاطفی، اعتماد به دوستان و اعتماد به اقوام و خویشاوندان است.

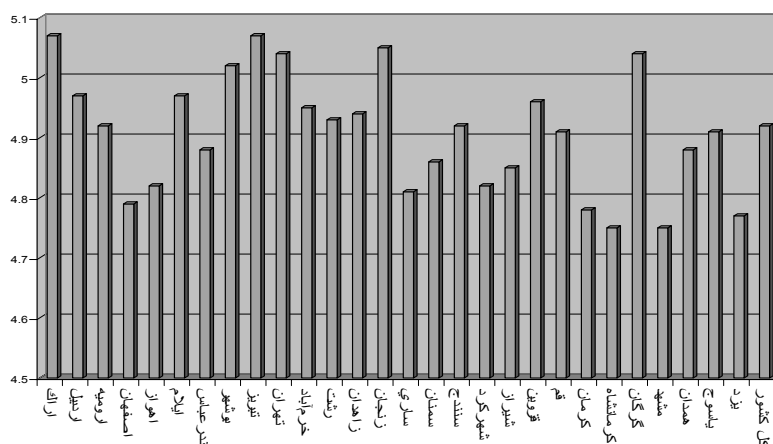


## ۴۱ ❖ اعتماد اجتماعی

### ۲-۱- وضعیت اعتماد عاطفی

در پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۷۹ از پاسخ‌گویان خواسته شده بود تا میزان اعتماد به اعضاء خانواده خود را بیان کنند. میانگین اعتماد عاطفی در کشور برابر ۴/۹۲ است که در یک دامنه عددی ۶-۰ نشان‌دهنده اعتماد عاطفی زیاد مردم به اعضای خانواده‌اشان است. این شاخص در کل کشور نشان‌دهنده این است که مردم اکثر شهرهای کشور دارای اعتماد زیادی به خانواده خود هستند.

نمودار شماره ۱: وضعیت اعتماد عاطفی در سال ۱۳۷۹



همان‌گونه که در نمودار مشخص است ساکنین شهرهای اراک، تبریز، تهران، بوشهر، زنجان و گرگان نسبت به شهرهای دیگر اعتماد بیشتری به اعضای خانواده خود داشتند.

#### ۲-۱-۱- رابطه اعتماد عاطفی با جنسیت

با توجه به نتایج بدست آمده میان جنسیت افراد با میزان اعتماد عاطفی آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۴۲ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

جدول شماره ۱: رابطه اعتماد عاطفی با جنسیت

جمع	زن		مرد		جنسیت نگرش
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۱۲	۲/۳	۱۹۶	۱/۴	۱۱۶	کم
۱۶۳۲	۱۰/۷	۹۱۱	۸/۷	۷۲۱	متوسط
۱۴۸۵۷	۸۷	۷۴۱۱	۹۰	۷۴۴۶	زیاد
۱۶۸۰۱	۱۰۰	۸۵۱۸	۱۰۰	۸۲۸۳	جمع

همان‌طور که در جدول مشخص است در هر دو گروه زنان و مردان اعتماد عاطفی زیاد است اما مردان نسبت به زنان اعتماد عاطفی بیشتری نسبت به خانواده خود دارند.

۲-۱-۲- رابطه اعتماد عاطفی با سن

با توجه به نتایج بدست آمده از پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها میان سن افراد و میزان اعتماد عاطفی آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. افراد مسن نسبت به نوجوانان و جوانان دارای اعتماد بیشتری به خانواده خود هستند.

جدول شماره ۲: رابطه اعتماد عاطفی با سن

جمع	۵۰ به بالا		۳۰-۴۹		۱۵-۲۹		سن نگرش
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۱۰	۲	۵۱	۱/۳	۷۸	۲/۲	۱۸۱	کم
۱۶۱۸	۷/۸	۱۹۸	۸/۸	۵۳۱	۱۰/۸	۸۸۹	متوسط
۱۴۸۷۳	۹۰/۲	۲۲۸۸	۸۹/۹	۵۴۲۳	۸۷	۷۱۶۲	زیاد
۱۶۸۰۱	۱۰۰	۲۵۳۷	۱۰۰	۶۰۳۲	۱۰۰	۸۲۳۲	جمع

Chi-square=. 034 sig=. 045

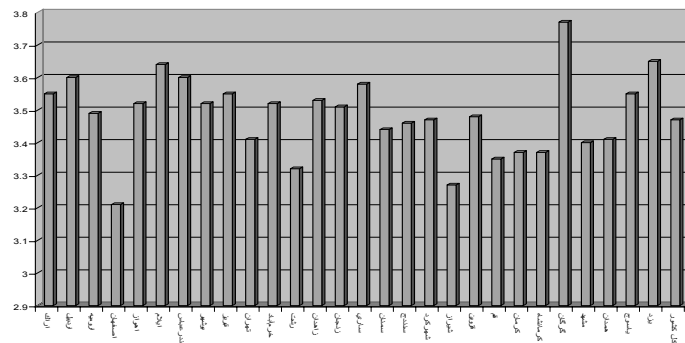
## اعتماد اجتماعی ❖ ۴۳

همان‌گونه که از جدول بالا مشخص است میزان اعتماد به خانواده در همه رده‌های سنی بالا است ولی نسبت اعتماد افراد مسن به خانواده نسبت به جوانان و نوجوانان بالاتر است که این امر می‌تواند ناشی از وابستگی این گروه سنی به خانواده باشد.

### ۲-۲- اعتماد به بستگان

در پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۷۹ از پاسخ‌گویان خواسته شده بود تا میزان اعتماد به بستگان خود را بیان کنند. میانگین اعتماد به اقوام و خویشان در کشور برابر ۳/۴۷ است که در یک دامنه عددی ۰-۶ نشان‌دهنده اعتماد معمولی و متوسط مردم به اقوام و بستگان‌شان است. مقادیر این شاخص در کل کشور نشان‌دهنده این است که مردم اکثر شهرهای کشور دارای اعتماد متوسط به اقوام و خویشان خود هستند.

#### نمودار شماره ۲: اعتماد به بستگان در سال ۱۳۷۹



همان‌طور که از نمودار مشخص است در اکثر شهرهای کشور وضعیت همگون و یکسانی از لحاظ اعتماد به اقوام و خویشان وجود دارد. وضعیت اعتماد به اقوام و خویشان در گرگان نسبت به شهرهای دیگر بیشتر است.

#### ۴۴ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

##### ۱-۲-۲- رابطه اعتماد به اقوام و خویشان با جنسیت

بر اساس نتایج بدست آمده میان جنسیت با سطح اعتماد به اقوام و بستگان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول شماره ۳: اعتماد به اقوام و خویشان با جنسیت

جمع	زن		مرد		جنسیت نگرش
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۹۳۰	۱۸/۳	۱۵۵۲	۱۶/۷	۱۳۷۸	کم
۵۶۰۵	۳۳/۳	۲۸۲۵	۳۳/۷	۲۷۸۰	متوسط
۸۱۹۷	۴۸/۴	۴۱۰۶	۴۹/۶	۴۰۹۱	زیاد
۱۶۷۳۲	۱۰۰	۸۴۸۳	۱۰۰	۸۲۴۹	جمع

همان‌طور که در جدول مشخص است در هر دو گروه زنان و مردان، میزان اعتماد بالا است، اما مردان نسبت به زنان اعتماد بیشتری به اقوام و خویشان خود دارند.

##### ۲-۲-۲- رابطه اعتماد به اقوام با سطح تحصیلات

بر اساس نتایج بدست آمده میان سطح تحصیلات افراد با سطح اعتماد به اقوام و خویشان رابطه منفی وجود دارد.

جدول شماره ۴: اعتماد به اقوام و خویشان با تحصیلات

جمع	بی‌سواد		ابتدایی		متوسطه		دیپلم		عالی		نگرش
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۲۹۶۹	۲۸۱	۱۳/۵	۴۱۱	۱۴/۳	۱۱۰۰	۲۰/۵	۷۲۶	۱۹/۴	۴۵۱	۱۷/۶	کم
۵۵۳۵	۵۷۸	۲۷/۸	۹۲۹	۳۲/۱	۱۷۳۴	۳۲/۳	۱۳۳۹	۳۵/۸	۹۵۵	۳۷/۳	متوسط
۸۱۱۸	۱۲۱۹	۵۸/۷	۱۵۳۶	۵۳/۶	۲۵۳۴	۴۷/۲	۱۶۷۵	۴۴/۸	۱۱۵۴	۴۵/۱	زیاد
۱۶۶۲۲	۲۰۷۸	۱۰۰	۲۸۷۶	۱۰۰	۵۳۶۸	۱۰۰	۳۷۴۰	۱۰۰	۲۵۶۰	۱۰۰	جمع

## اعتماد اجتماعی ❖ ۴۵

براساس نتایج جدول بالا با افزایش سطح تحصیلات، سطح اعتماد به اقوام و خویشان کمتر شده است. در حالی که ۱۳/۵ درصد از افراد بی سواد اعتماد کمی به اقوام و خویشان خود داشته‌اند، این میزان در میان افرادی با تحصیلات عالی به ۱۷/۶ درصد رسیده است.

### ۳-۲-۲- رابطه اعتماد به اقوام با سن

با توجه به نتایج بدست آمده از پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها میان سن افراد و میزان اعتماد به اقوام و خویشان رابطه معنی‌داری وجود دارد. افراد مسن نسبت به نوجوانان و جوانان دارای اعتماد بیشتری به اقوام و خویشان خود هستند.

جدول شماره ۵: رابطه اعتماد به اقوام و خویشان با سن

جمع	۵۰ به بالا		۳۰-۴۹		۱۵-۲۹		سن نگرش
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۶۵۸	۱۲/۸	۳۲۳	۱۴/۳	۸۵۹	۲۱/۳	۱۴۷۶	کم
۵۶۱۲	۳۲/۸	۸۲۹	۳۳/۵	۲۰۱۲	۳۳/۸	۲۷۷۱	متوسط
۸۴۶۲	۵۴/۴	۱۳۷۴	۵۲/۲	۳۱۳۶	۴۴/۹	۳۹۵۲	زیاد
۱۶۷۳۲	۱۰۰	۲۵۲۶	۱۰۰	۶۰۰۷	۱۰۰	۸۱۹۹	جمع

همان‌گونه که در جدول بالا مشخص است میزان اعتماد به اقوام و خویشان در همه رده‌های سنی بالا است ولی نسبت اعتماد افراد مسن به بستگان نسبت به جوانان و نوجوانان بالاتر است.

### ۳-۲-۲- وضعیت اعتماد به دوستان

وضعیت اعتماد به دوستان در پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها در سال ۱۳۷۹ در حد معمولی است. میانگین اعتماد به دوستان در این پیمایش در



## اعتماد اجتماعی ❖ ۴۷

جدول شماره ۶: رابطه اعتماد به دوستان با جنسیت

جمع	زن		مرد		جنسیت نگرش
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۵۲۶	۲۲/۱	۱۸۷۱	۲۰/۱	۱۶۵۵	کم
۵۷۸۷	۳۴/۳	۲۹۰۵	۳۵	۲۸۸۲	متوسط
۷۳۹۰	۴۳/۶	۳۶۹۲	۴۴/۹	۳۶۹۸	زیاد
۱۶۷۰۳	۱۰۰	۸۴۶۸	۱۰۰	۸۲۳۵	جمع

### ۲-۳-۲- رابطه اعتماد به دوستان با سطح تحصیلات

بر اساس نتایج بدست آمده میان سطح تحصیلات افراد با سطح اعتماد به دوستان رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول شماره ۷: اعتماد به دوستان و سطح تحصیلات

جمع	عالی		دیپلم		متوسطه		ابتدایی		بی سواد		سواد نگرش
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۳۴۹۷	۱۵/۳	۳۹۱	۱۹/۸	۷۳۹	۲۳/۵	۱۲۵۸	۲۳/۳	۶۶۹	۲۱/۲	۴۴۰	کم
۵۴۵۹	۳۷/۲	۹۵۰	۳۵/۶	۱۳۲۹	۳۴	۱۸۲۲	۲۵	۷۱۷	۳۰/۹	۶۴۱	متوسط
۷۶۳۵	۴۷/۵	۱۲۱۴	۴۴/۶	۱۶۶۵	۴۲/۵	۲۲۷۹	۴۱/۷	۱۴۸۴	۴۷/۹	۹۹۳	زیاد
۱۶۵۹۱	۱۰۰	۲۵۵۵	۱۰۰	۳۷۳۳	۱۰۰	۵۳۵۹	۱۰۰	۲۸۷۰	۱۰۰	۲۰۷۴	جمع

براساس نتایج جدول بالا، با افزایش سطح تحصیلات سطح اعتماد به دوستان بیشتر می شود. در حالی که ۲۱/۲ درصد از افراد بی سواد، اعتماد کمی به دوستان خود داشته اند، این میزان در میان افراد تحصیل کرده ۱۵/۳ درصد بوده است. بعبارت دیگر افراد کم سواد نسبت به افرادی با تحصیلات عالی به دوستان خود اعتماد کمتری دارند.

## ۴۸ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

### ۳-۳-۲- رابطه اعتماد به دوستان با سن

با توجه به نتایج بدست آمده از پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها، میان سن افراد و میزان اعتماد به دوستان رابطه معنی‌داری وجود دارد. افراد مسن نسبت به نوجوانان و جوانان دارای اعتماد بیشتری نسبت به دوستان خود هستند.

جدول شماره ۸: رابطه اعتماد به دوستان با سن

جمع	۵۰ به بالا		۳۰-۴۹		۱۵-۲۹		سن نگرش
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۵۲۳	۱۸/۹	۴۷۷	۲۱/۲	۱۲۷۱	۲۱/۷	۱۷۷۶	کم
۵۷۹۲	۳۴/۶	۸۷۳	۳۶/۳	۲۱۷۷	۳۳/۵	۲۷۴۲	متوسط
۷۳۸۲	۴۶/۵	۱۱۷۳	۴۲/۵	۲۵۴۸	۴۴/۸	۳۶۶۶	زیاد
۱۶۷۰۳	۱۰۰	۲۵۲۳	۱۰۰	۵۹۹۶	۱۰۰	۸۱۸۴	جمع

براساس نتایج جدول بالا، میزان اعتماد به دوستان در همه رده‌های سنی بالا است اما در حالی که ۲۱/۷ درصد نوجوانان و جوانان نسبت به دوستان خود کم اعتماد هستند این میزان در افراد مسن ۱۸/۹ درصد است. همان‌طور که از نمودار مقایسه‌ای اجزاء اعتماد رابطه‌ای مشخص است، در کل کشور اعتماد عاطفی بیش از دیگر اجزا در ایجاد اعتماد رابطه‌ای سهیم است. پس از اعتماد عاطفی، اعتماد به اقوام و خویشان در برقراری روابط نقش بیشتری دارد و در آخر ارتباط با دوستان قرار دارد. بعبارت دیگر نوع ارتباطات در جامعه ما بیشتر درون گروهی و بسته است و مردم در کشور ما بیشتر مایل هستند اول با اعضای خانواده خود مراوده و ارتباط داشته باشند، سپس با اعضای فامیل و بعد با دوستان و افراد دیگر. زمانی که اعتماد در میان سایر سطوح روابطی، معمولی یا پایین باشد، نشان‌دهنده آن است که سطح فعالیت‌های مردم چندان گسترده و پیچیده نیست؛ چرا که سطح گسترده و



#### اعتماد اجتماعی ❖ ۴۹

پیچیده فعالیت‌ها نیاز به داشتن اعتماد به دوستان و اقوام و خویشان دارد. در چنین شرایطی مردم در روابط و کارها سعی می‌کنند بیشتر در سطح گروه‌های کوچک فعالیت کنند.

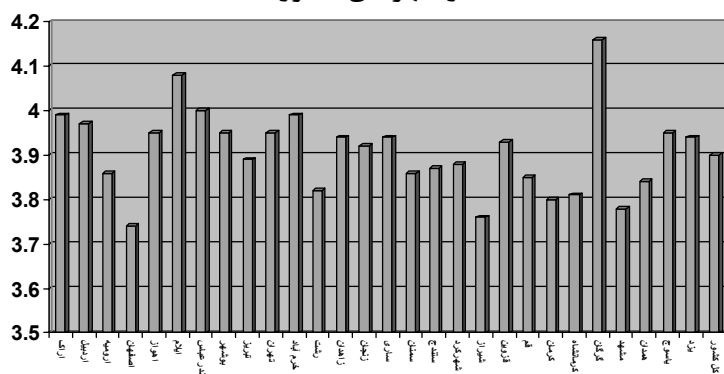
#### نمودار مقایسه‌ای شماره ۴: اعتماد به دوستان، اقوام و خویشان و نزدیکان در میان شهرها



#### ۴-۲- وضعیت اعتماد خرد

در کل وضعیت اعتماد رابطه‌ای در کشور ما در سال ۱۳۷۹ در سطح نسبتاً خوبی قرار داشته است. میانگین اعتماد رابطه‌ای در کشور ۳/۹ است که در یک دامنه عددی ۰-۶ بیانگر اعتماد نسبتاً بالایی است. نمودار ذیل وضعیت اعتماد را در شهرهای مختلف کشور نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۵: وضعیت اعتماد رابطه‌ای در سال ۱۳۷۹  
در شهرهای کشور



بر اساس نتایج نمودار بالا، گرگان و ایلام نسبت به شهرهای دیگر از وضعیت اعتماد رابطه‌ای بهتری برخوردار هستند.

### ۳- اعتماد عام و تعمیم یافته (سطح میانی)

در پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ جهت سنجش اعتماد عام و تعمیم یافته، میزان اعتماد مردم به اصناف و گروه‌های شغلی متفاوت مثل کارگران، بنگاه‌دارها، معلمان، پلیس راهنمایی و رانندگی، رانندگان تاکسی، پزشکان، قضات، دانشجویان، اساتید، روزنامه نگاران، ورزشکاران، روحانیون، هنرمندان، تجار و بازاریان، ارتشی‌ها، نیروی انتظامی و کسبه مورد ارزیابی قرار گرفته است. درجداول ذیل میزان اعتماد مردم به هریک از این مشاغل نشان داده شده است.

## اعتماد اجتماعی ❖ ۵۱

جدول شماره ۹: اعتماد عام و تعمیم یافته در سال ۱۳۷۹

ردیف	گروه	کم		متوسط		زیاد		میانگین <sup>۱</sup>	تعداد
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۱	معلمان	۷۲۰	۴/۳۰	۲۶۲۸	۱۵/۷۰	۱۳۳۹۳	۸۰/۰۰	۴/۲۹	۱۶۷۴۱
۲	اساتید دانشگاه	۱۱۰۰	۷/۳۰	۳۱۰۵	۲۰/۶۰	۱۰۸۵۷	۷۲/۱۰	۴/۱۱	۱۵۰۷۲
۳	پزشکان	۱۸۹۲	۱۱/۳۰	۴۰۸۶	۲۴/۴۰	۱۰۷۶۸	۶۴/۳۰	۳/۸۵	۱۶۷۴۶
۴	ورزشکاران	۱۵۲۱	۹/۵۰	۴۵۴۷	۲۸/۴۰	۹۹۴۲	۶۲/۱۰	۳/۸۵	۱۶۰۱۰
۵	ارتشی ها	۲۱۸۳	۱۳/۴۰	۵۱۳۱	۳۱/۵۰	۸۹۷۶	۵۵/۱۰	۳/۶۷	۱۶۲۹۰
۶	پلیس راهنمایی	۲۵۱۲	۱۵/۲۰	۴۸۰۹	۲۹/۱۰	۹۲۰۶	۵۵/۷۰	۳/۶۲	۱۶۵۲۷
۷	هنرمندان	۲۵۲۳	۱۵/۹۰	۵۳۳۱	۳۳/۶۰	۸۰۱۲	۵۰/۵۰	۳/۵۳	۱۵۸۶۵
۸	کارگران	۲۶۷۱	۱۶/۱۰	۵۴۵۸	۳۲/۹۰	۸۴۶۰	۵۱/۰۰	۳/۵۱	۱۶۵۸۹
۹	نیروی انتظامی	۳۴۹۷	۲۱/۱۰	۴۵۰۸	۲۷/۲۰	۸۵۶۹	۵۱/۷۰	۳/۴۶	۱۶۵۷۵
۱۰	روحانیون	۴۵۳۱	۲۷/۴۰	۴۲۶۷	۲۵/۸۰	۷۷۳۹	۴۶/۸۰	۳/۲۸	۱۶۵۳۷
۱۱	قضات	۴۰۰۶	۲۵/۸۰	۴۵۸۰	۲۹/۵۰	۶۹۴۰	۴۴/۷۰	۳/۲۷	۱۵۵۲۶
۱۲	روزنامه نگاران	۴۴۳۷	۲۸/۹۰	۶۱۸۷	۴۰/۳۰	۴۷۲۸	۳۰/۸۰	۲/۹۹	۱۵۳۵۲
۱۳	رانندگان تاکسی	۵۹۲۳	۳۵/۵۰	۶۵۹۰	۳۹/۵۰	۴۱۷۱	۲۵/۰۰	۲/۷۷	۱۶۶۸۴
۱۴	کسبه	۷۲۷۲	۴۳/۶۰	۶۵۳۹	۳۹/۲۰	۲۸۶۹	۱۷/۲۰	۲/۵۲	۱۶۶۸۰
۱۵	تجار و بازاریان	۹۵۰۴	۵۸/۲۰	۴۹۶۴	۳۰/۴۰	۱۸۶۲	۱۱/۴۰	۲/۱۴	۱۶۳۳۰
۱۶	بنگاه دارها	۱۲۱۴۰	۷۴/۵۰	۳۰۹۶	۱۹/۰۰	۱۰۵۹	۶/۵۰	۱/۵۷	۱۶۲۹۵

همان گونه که در جدول بالا مشخص است معلمان، اساتید دانشگاه، پزشکان، ورزشکاران، ارتشی ها، ماموران پلیس راهنمایی و رانندگی از جمله مشاغلی هستند که اعتماد نسبتاً زیادی به آنها وجود دارد. گروه های شغلی

۱. مقادیر این ستون در دامنه عددی ۵-۱ قرار دارد و عدد ۳ نشان دهنده میانه این دامنه است. هرچقدر از ۳ عدد بیشتر باشد نشان دهنده اعتماد بالاتر است و هرچقدر که از ۳ کمتر باشد نشان دهنده اعتماد کمتر است.

## ۵۲ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

مانند هنرمندان، کارگران، مامورین نیروی انتظامی، روحانیون، قضات و روزنامه‌نگاران، اعتماد متوسط و معمولی مردم را به همراه دارند. اعتماد مردم به افرادی مانند رانندگان تاکسی، کسبه و تجار و بازاریان نسبتاً کم و پایین و درمورد بنگاه‌دارها بسیار پایین است.

براساس نتایج این جدول، اعتماد مردم به هیچ‌یک از مشاغل خیلی بالا نیست که این مسأله نیاز به بررسی بیشتری دارد. بخصوص اعتماد نسبتاً کمی که نسبت به مشاغلی همچون رانندگان تاکسی، کسبه محل، تجار و بازاریان وجود دارد. این مشاغل در دوران نه چندان دور معتمدترین افراد جامعه بودند. اگر ارتباطات و تعاملات افراد را مانند یک دایره در نظر بگیریم اولین گروهی که فرد با آن در ارتباط است اعضای خانواده خود است. در مرحله بعد که ارتباطات گسترش یابد مردم باید با اصناف و مشاغل ارتباط برقرار کنند، اما در این مرحله براساس آمار موجود اعتماد نسبتاً پایینی وجود دارد. در نتیجه تداوم این امر می‌توان گفت هیچ‌گاه روابط پایدار و مستمری میان افراد جامعه شکل نخواهد گرفت.

جدول شماره ۱۰: اعتماد عام و تعمیم یافته در سال ۱۳۸۲

ردیف	گروه	کم		متوسط		زیاد		میانگین	تعداد
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۱	معلمان	۲۲۷	۵/۰۰	۸۰۴	۷۰.۱۷	۳۵۱۳	۳۰.۷۷	۰.۸	۴۵۴۴
۲	اساتید دانشگاه	۲۶۸	۶/۴۰	۹۶۷	۱۰.۲۳	۲۹۵۰	۵۰.۷۰	۹۶.۳	۴۱۸۴
۳	ورزشکاران	۳۵۳	۸/۲۰	۱۲۷۹	۷۰.۲۹	۲۶۷۳	۱۰.۶۲	۸۱.۳	۴۳۰۵
۴	پزشکان	۵۲۷	۱۱/۶۰	۱۴۷۱	۴۰.۳۲	۲۵۴۲	۰۰.۵۶	۶۷.۳	۴۵۴۰
۵	ارتشی‌ها	۵۸۰	۱۳/۳۰	۱۳۳۹	۷۰.۳۰	۲۴۴۳	۰۰.۵۶	۶۴.۳	۴۳۶۲
۶	پلیس راهنمایی	۷۷۲	۱۷/۲۰	۱۲۴۳	۷۰.۲۷	۲۴۷۳	۱۰.۵۵	۵۷.۳	۴۴۸۸
۷	هنرمندان	۵۶۴	۱۳/۱۰	۱۶۸۶	۲۰.۳۹	۲۰۵۲	۷۰.۴۷	۵۲.۳	۴۳۰۲

### اعتماد اجتماعی ❖ ۵۳

ردیف	گروه	کم		متوسط		زیاد		میانگین	تعداد
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۸	کارگران	۶۷۳	۱۵/۲۰	۱۵۷۲	۵۰.۳۵	۲۱۸۳	۳۰.۴۹	۵۱.۳	۴۴۲۸
۹	نیروی انتظامی	۸۸۸	۱۹/۸۰	۱۲۲۰	۲۰.۲۷	۲۳۷۷	۰۰.۵۳	۵۰.۳	۴۴۸۴
۱۰	روحانیون	۱۲۴۲	۲۸/۳۰	۱۳۵۱	۸۰.۳۰	۱۷۹۰	۸۰.۴۰	۱۹.۳	۴۳۸۳
۱۱	روزنامه نگاران	۹۹۲	۲۴/۲۰	۱۷۶۳	۰۰.۴۳	۱۳۴۵	۸۰.۳۲	۱۳.۳	۴۱۰۰
۱۲	قضات	۱۲۱۲	۲۸/۷۰	۱۵۲۱	۰۰.۳۶	۱۴۹۱	۳۰.۳۵	۱۰.۳	۴۲۲۴
۱۳	رانندگان تاکسی	۱۵۰۱	۳۳/۲۰	۲۰۷۶	۹۰.۴۵	۹۴۵	۹۰.۲۰	۸۲.۲	۴۵۲۲
۱۴	کسبه	۱۷۶۶	۳۹/۳۰	۱۹۷۲	۹۰.۴۳	۷۵۵	۸۰.۱۶	۶۶.۲	۴۴۹۳
۱۵	تجار و بازاریان	۲۳۱۰	۵۲/۵۰	۱۶۲۸	۰۰.۳۷	۴۶۲	۵۰.۱۰	۳۷.۲	۴۴۰۰
۱۶	بنگاه داران	۳۳۱۶	۷۴/۲۰	۹۶۵	۶۰.۲۱	۱۸۸	۲۰.۴	۹۵.۱	۴۴۶۹

همان‌گونه که از نتایج جدول بالا مشخص است در سال ۱۳۸۲ نیز معتمدترین افراد در نزد مردم معلمان، اساتید دانشگاه، پزشکان، ورزشکاران، ارتشی‌ها و ماموران پلیس راهنمایی و رانندگی بوده‌اند و هنرمندان، کارگران، مامورین نیروی انتظامی، روحانیون، قضات و روزنامه نگاران از اعتماد متوسط و معمولی برخوردار بوده و رانندگان تاکسی، کسبه و تجار و بازاریان گروه‌های شغلی بوده‌اند که اعتماد نسبت به آنان نسبتاً کم و پایین بوده است. این وضعیت برای بنگاه دارها همانند سال ۱۳۷۹ بسیار نامناسب است.

#### ۱-۳- مقایسه اعتماد به مشاغل و اصناف در این دو پیمایش

در مقایسه وضعیت اعتماد به مشاغل و اصناف در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ مشخص می‌شود که:

- ۱- میانگین اعتماد در سال ۱۳۸۲ به مشاغل و اصناف نسبت به سال ۱۳۷۹ کمی کاهش یافته است.

## ۵۴ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

- ۲- در نحوه سلسله مراتب و جایگاه‌های مشاغل تغییر عمده‌ای ایجاد نشده است. این بدان معنا است که در هردو سال احساس ارزیابی مردم از مشاغل و اصناف یکسان بوده است.
- ۳- این وضعیت نشانگر آن است که در هردو سال وضعیت اعتماد میان گروه‌های واسطه‌ای جامعه نامناسب بوده است.

### جدول شماره ۱۱: مقایسه اعتماد عام و تعمیم یافته در دو پیمایش

پیمایش دوم ۱۳۸۲			پیمایش اول ۱۳۷۹		
میانگین	گروه	ردیف	میانگین	گروه	ردیف
۴/۰۸	معلمان	۱	۴/۲۹	معلمان	۱
۳/۹۶	اساتید دانشگاه	۲	۴/۱۱	اساتید دانشگاه	۲
۳/۸۱	ورزشکاران	۳	۳/۸۵	پزشکان	۳
۳/۶۷	پزشکان	۴	۳/۸۵	ورزشکاران	۴
۳/۶۴	ارتشی‌ها	۵	۳/۶۷	ارتشی‌ها	۵
۳/۵۷	پلیس راهنمایی	۶	۳/۶۲	پلیس راهنمایی و رانندگی	۶
۳/۵۲	هنرمندان	۷	۳/۵۳	هنرمندان	۷
۳/۵۱	کارگران	۸	۳/۵۱	کارگران	۸
۳/۵۰	نیروی انتظامی	۹	۳/۴۶	نیروی انتظامی	۹
۳/۱۹	روحانیون	۱۰	۳/۲۸	روحانیون	۱۰
۳/۱۳	روزنامه‌نگاران	۱۱	۳/۲۷	قضات	۱۱
۳/۱۰	قضات	۱۲	۲/۹۹	روزنامه‌نگاران	۱۲
۲/۸۲	رانندگان تاکسی	۱۳	۲/۷۷	رانندگان تاکسی	۱۳
۲/۶۶	کسبه	۱۴	۲/۵۲	کسبه	۱۴
۲/۳۷	تجار و بازاریان	۱۵	۲/۱۴	تجار و بازاریان	۱۵
۱/۹۵	بنگاه داران	۱۶	۱/۵۷	بنگاه دارها	۱۶

نتایج پیمایش سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ حاکی از کم‌ترین میزان اعتماد پاسخ‌گویان به افراد شاغل در بنگاه‌های معاملات ملکی و خودرو، کسبه خرده‌پا،

## اعتماد اجتماعی ❖ ۵۵

تجار و رانندگان تاکسی است. به نظر می‌رسد که وجه مشترک همه این مشاغل منفعت‌طلبی شخصی و عدم وجود استاندارد رفتاری قانونی و یا اخلاقی حاکم بر افراد شاغل در این حرفه‌هاست. در مقایسه با این افراد، معلمان و استادان دانشگاه از اعتماد بالایی در میان پاسخ‌گویان برخوردار بوده‌اند. دلیل این اعتماد بالا را شاید بتوان در این واقعیت جستجو کرد که این گروه‌های شغلی، برخلاف گروه‌های دسته نخست، لزوماً در پی منافع شخصی خود نبوده، وظایف شغلی خود را در چارچوب مجموعه سنگینی از قوانین و اصول اخلاقی انجام می‌دهند. علاوه بر این، محصول نهایی کار آنها، یعنی پرورش نسل جوان نیز تنها به سود آینده و نه لزوماً نفع شخصی این افراد است.

در فاصله میان دو گروه فوق، گروه‌های دیگری نیز وجود دارند که عمدتاً از سطح اعتماد متوسطی برخوردار هستند، اما به نظر می‌رسد که این اعتماد در فاصله سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ رو به کاهش بوده است. این گروه‌ها عبارتند از پزشکان، قضات، روحانیون، و بالاخره، کارگران، میزان کاهش اعتماد به هر یک از اینها به ترتیب ۸/۷ درصد، ۸.۷ درصد، ۶.۶ درصد و ۲/۵ درصد بوده است.

### ۴- اعتماد در سطح کلان

#### ۴-۱- اعتماد به سیستم حکومت

اعتماد و اطمینان مردم به نهاد دولت و نظام حکومتی را می‌توان از ارزیابی آنان نسبت به اقدامات و فعالیت‌های دولت بدست آورد. در پیمایش اول و دوم ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، با سوالات و شیوه‌های متفاوتی رضایت و اعتماد مردم به دولت و سیستم حکومتی مورد سنجش قرار گرفته است. در اینجا مخالفت یا موافقت مردم با این عبارت که «حکومت برای رای و نظر مردم اهمیت زیادی قائل است» به‌عنوان شاخصی برای سطح اعتماد ارائه می‌شود.

## ۵۶ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

میانگین اعتماد به حکومت در کشور در سال ۱۳۷۹ برابر ۲/۴۳ بوده و سال ۱۳۸۲ برابر ۳/۱۸ بوده است که در یک دامنه عددی ۵-۱ نشان‌دهنده اعتماد معمولی و متوسط مردم به نظام حکومتی است. جدول ذیل این موضوع را بهتر نشان می‌دهد.

**جدول شماره ۱۲: اعتماد به حکومت**

حکومت برای رأی و نظر مردم اهمیت زیادی قائل است				
۱۳۸۲		۱۳۷۹		سال
درصد	تعداد	درصد	تعداد	نگرش
۴۶/۸	۱۹۹۲	۵۵/۱	۹۱۵۲	موافق
۱۸/۵	۷۹۰	۲۱/۸	۳۶۲۰	مردد
۳۴/۷	۱۴۸۰	۲۳/۱	۳۸۳۶	مخالف
۱۰۰	۴۲۶۲	۱۰۰	۱۶۶۰۸	جمع

براساس نتایج جدول شماره ۱۲، در مورد دیدگاه افراد نسبت به کارکردهای حکومت، نتایج دو پیمایش سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ نشان می‌دهد تعداد افرادی که معتقدند حکومت به نظر شهروندان احترام می‌گذارد، از حدود ۵۵ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۴۷ درصد در سال ۱۳۸۲ کاهش یافته است. براساس نتایج پیمایش سال ۱۳۸۲، کمتر از ۲۰ درصد جامعه دارای اعتماد زیاد نسبت به مدیران و کارگزاران دولتی بوده و در مقابل بخش بزرگ‌تری از پاسخ‌گویان، یعنی در حدود ۳۰ درصد آنها اعتماد چندانی نسبت به مدیران دولتی نداشته‌اند. در مورد اعتماد به حاکمیت قانون نیز پاسخ‌ها حاکی از آن است که درصد کوچکی از شهروندان (کمتر از ۳۰ درصد) به این امر باور دارند، البته این میزان در سال ۱۳۸۲ به حدود ۱۰ درصد کاهش یافته است، که کاهش چشمگیری برای یک فاصله کوتاه سه ساله محسوب می‌شود. در مورد این سؤال که «به نظر شما حکومت همه مردم را به یک چشم نگاه می‌کند؟» نیز در سال



## اعتماد اجتماعی ❖ ۵۷

۱۳۷۹ نیمی از پاسخ‌گویان بر این باور بودند که حکومت همه را به یک چشم نگاه می‌کند، اما در سال ۱۳۸۲ این میزان به کمتر از ۲۲ درصد کاهش یافته است. روشن است که به موازات کاهش اعتماد مردم به کارگزاران حکومتی و نیز کارایی قوانین و عدالت سیاسی، میزان مشارکت آنها در سیاست‌گذاری‌ها و اداره امور، کاهش می‌یابد و نهادهای حکومتی به سیطره افراد دارای نفوذهای سیاسی و اقتصادی در می‌آید. در ایران همین روند باعث شده میزان افرادی که در سال ۱۳۷۹ باور داشتند قانون به یکسان در مورد افراد عادی و متنفذین حکومتی اجرا می‌شود، در سال ۱۳۸۲ کاهش یافته و حدود ۱۰ درصد برسد که این کاهش نشان‌دهنده ریزش اعتماد مردم به دولت در طی این دو سال است.

### ۵- راه‌های ایجاد اعتماد اجتماعی

با توجه به نتایج دو پیمایش ملی، وضعیت اعتماد در جامعه، مناسب و مطلوب نیست. بنابراین باید به دنبال اصلاح وضعیت موجود بود و وضعیت افراد، دستگاه‌ها و عاملان ایجادکننده اعتماد در جامعه را در روند اصلاح وضع موجود مورد بررسی قرار داد.

همان‌طور که در تئوری‌ها و نظریات جامعه‌شناختی و روان‌شناسی اجتماعی مطرح شده است اعتماد در خانواده شکل می‌گیرد و در ارتباط فرد با سایر گروه‌ها، موسسات و نهادهای اجتماعی تقویت و گسترش می‌یابد. در قبل نشان دادیم که مردم اعتماد بالا و خوبی نسبت به خانواده خود دارند که براساس آن در جامعه مشکلی از لحاظ ایجاد و شکل‌گیری اعتماد وجود ندارد. آنچه که مشکل است راه‌های گسترش و تقویت اعتماد به دستگاه‌ها و گروه‌ها و موسسات اجتماعی است. براساس تحقیقات و مطالعات انجام شده و استفاده از شاخص‌های چند کشور جهان در این مورد، محققان به این نتیجه رسیده‌اند که جایگاه دین در جامعه، میزان فساد در دستگاه دولت و

## ۵۸ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

ارزیابی مردم از آن، وضعیت رسانه‌ها، عدالت اجتماعی، عدالت توزیعی و قضایی، توسعه اقتصادی و تکثر قومی و فرهنگی در همه کشورهای جهان با افزایش حس اعتماد اجتماعی، رابطه مستقیم دارند (اینگلهارت، ۱۳۷۴).

### ۱-۵- دولت و اعتماد

اعتماد اجتماعی زمانی ایجاد می‌شود که دولت و مردم به یکدیگر اعتماد کنند. اگر دولت به مردم اعتماد نداشته باشد و یا مردم از دولت سلب اعتماد کنند این کالا قابلیت تولید را ندارد. اگر کارکنان دولت فاسد باشند این فساد باعث بی‌اعتمادی و دل‌سردی مردم از دولت می‌شود. عدم فساد مالی در بین مسئولین، عدم رشوه دادن برای انجام کارها، نشان‌دهنده سلامت بودن دولت و اعتماد مردم به سازمان‌ها و ادارات دولتی است.

### ۲-۵- عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی بیانگر احساس و ارزیابی مردم از برخورد دولت و دستگاه‌های دولتی با مردم و استفاده یکسان مردم از امکانات و خدمات اجتماعی است. در پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲، با سوالات متعددی این ارزیابی مورد سنجش قرار گرفته است. در اینجا فقط موافقت یا مخالفت مردم با عبارت «در شرایط فعلی هر کس پول و پارتی نداشته باشد، حقش پایمال می‌شود» و «افراد عادی هر چقدر هم تجربه و تخصص داشته باشند به مقامات بالا نمی‌رسند؟» جهت ارزیابی دیدگاه مردم در مورد عدالت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول شماره ۱۳: عدالت اجتماعی

نگرش		در شرایط فعلی هر کس پول و پارتی نداشته باشد، حقتش پایمال می‌شود				افراد عادی هرچقدر هم تجربه و تخصص داشته باشند به مقامات بالا نمی‌رسند			
سال		۱۳۷۹		۱۳۸۲		۱۳۷۹		۱۳۸۲	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
موافق (زیاد)	۱۳۷۹۱	۳.۸۲	۳۶۱۶	۸۰/۶	۳۶۱۶	۴۸/۶	۷۹۹۹	۱۹۸۱	۴۵/۷
مردد (تاحدودی)	۱۱۷۳	۷	۳۱۸	۷/۱	۳۱۸	۱۶/۶	۲۷۳۲	۶۳۸	۱۴/۷
مخالف (کم)	۱۷۹۳	۷.۱۰	۵۵۳	۱۲/۳	۵۵۳	۳۴/۸	۵۷۲۸	۱۷۱۶	۳۹/۶
جمع	۱۶۷۵۷	۱۰۰	۴۴۸۷	۱۰۰	۴۴۸۷	۱۰۰	۱۶۴۵۹	۴۳۳۵	۱۰۰

براساس نتایج جدول بالا بیش از ۸۰ درصد مردم در هر دو پیمایش معتقد بودند که بدون داشتن آشنا و پارتی نمی‌توان به حق خود دست یافت. این امر نشانگر بی‌اعتمادی آنها به سازمان و ساختار اجتماعی جامعه در برآورده کردن نیازها و تنظیم روابط است.

در مورد سوال دوم نیز بیش از ۴۵ درصد مردم معتقد بودند با توجه به توانایی‌ها و استعدادهای خود نمی‌توانند به مقامات بالا برسند. این در حالی است که یکی از وظایف دولت تهیه مکانیسم و سازمانی است که مردم بتوانند از طریق آن استعدادهای خود را تحقق ببخشند، و امید به کسب موقعیت‌های بهتر و برتر در جامعه از جمله این مکانیسم‌ها است. اما براساس نتایج به دست آمده در ایران، افراد تصور نمی‌کنند سازمان جامعه امکان دستیابی آنها به موقعیت‌های برتر را فراهم کند. نتیجه این ارزیابی تخریب هر نوع اطمینان و اعتماد نسبت به دولت و کارگزاران آن است.

### ۳-۵- عدالت اقتصادی

یکی دیگر از عوامل اعتماد ساز، ارزیابی مردم از توزیع درآمدها و فاصله طبقاتی جامعه است. نوع ارزیابی مردم از توزیع امکانات در جامعه و فاصله طبقاتی (که بیشتر ماحصل رفتارها و درآمدهای اقتصادی است) موجود میان مردم، در پیمایش ملی ارزش هاونگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ با سوالات متعددی مورد ارزیابی قرار گرفته است. در اینجا فقط موافقت و مخالفت مردم با دو عبارت «در جامعه ما، ثروتمندان هر سال ثروتمندتر و فقرا فقیرتر می‌شوند» و پاسخ آنها به سوال «به طور کلی از اوضاع اقتصادی کشور چقدر رضایت دارید؟» نشان داده می‌شود.

جدول شماره ۱۴: عدالت اقتصادی

به طور کلی از اوضاع اقتصادی کشور چقدر رضایت دارید ۱۳۸۲		ثروتمندان هر سال ثروتمندتر و فقرا فقیرتر می‌شوند ۱۳۷۹		سال	
				نگرش	
درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۷۰/۵	۳۱۹۳	۷۷/۲	۱۲۸۷۹	موافق	
۲۵	۱۱۳۰	۸/۵	۱۴۱۸	مردد	
۱۰	۲۰۴	۱۴/۳	۲۳۸۵	مخالف	
۱۰۰	۴۵۲۷	۱۰۰	۱۶۶۸۲	جمع	

همان‌طور که از نتایج جدول مشخص است، مردم ارزیابی مناسبی از وضعیت اقتصادی جامعه نداشته‌اند که این امر نشان‌دهنده بی‌اعتمادی مردم نسبت به وضعیت اقتصادی در جامعه است، در پیمایش سال ۱۳۸۲ مردم اعتماد کمی به بهتر شدن وضعیت اقتصادی داشته‌اند. در دو سوال دیگر از مردم خواسته شده بود دیدگاه خود را در مورد اینکه «فکر می‌کنید فاصله ثروتمندان

## اعتماد اجتماعی ❖ ۶۱

و فقیران در جامعه مانسبت به ۵ سال قبل بیشتر شده یا کمتر؟» و «فکر می‌کنید فاصله ثروتمندان و فقیران در جامعه مانسبت به ۵ سال آینده بیشتر است یا کمتر؟» عنوان کنند. نحوه پاسخ‌گویی مردم به این سوالات در جدول شماره ۱۵ آورده شده است.

### جدول شماره ۱۵: عدالت اقتصادی

فکر می‌کنید فاصله ثروتمندان و فقیران در جامعه مانسبت به ۵ سال قبل بیشتر شده یا کمتر؟				
۱۳۸۲		۱۳۷۹		سال
درصد	تعداد	درصد	تعداد	نگرش
۸۶/۸	۳۵۰۳	۸۷/۹	۳۸۵۳	زیادتر
۸/۱	۳۲۵	۷/۴	۳۲۳	فرقی نکرده
۵/۱	۲۰۶	۴/۷	۲۰۶	کم‌تر
۱۰۰	۴۰۳۴	۱۰۰	۴۳۸۲	جمع

همان‌گونه که در جدول مشخص است بیش از ۸۵ درصد مردم نسبت به وضعیت اقتصادی کشور بدبین بوده و اعتقاد داشته‌اند که وضعیت اقتصادی در آینده بدتر خواهد شد.

### ۴-۵- عدالت قضایی

عدالت قضایی بیان‌کننده این است که مردم تا چه حد به سیستم حقوقی کشور اطمینان داشته و معتقدند در صورت هرگونه تعرضی نسبت به حقوق خود، با مراجعه به دستگاه قضایی می‌توانند نسبت به احقاق حقوق خود امیدوار باشند. در پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲، با دو سوال ارزیابی مردم از وضعیت قضایی مورد سنجش قرار گرفته است. در اینجا پاسخ مردم به دو سوال «در اوضاع فعلی اگر حقی از کسی ضایع شود از

## ۶۲ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

طریق قانونی می‌تواند به حق خود برسد» و «در جامعه ما، قانون در مورد مسئولین و مردم یکسان اجرا می‌شود» نشان داده شده است.

### جدول شماره ۱۶: عدالت قضایی

در جامعه ما، قانون در مورد مسئولین و مردم یکسان اجرا می‌شود		در اوضاع فعلی اگر حقی از کسی ضایع شود از طریق قانونی می‌تواند به حق خود برسد		سال			
۱۳۸۲		۱۳۷۹		۱۳۸۲		۱۳۷۹	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
۶۰/۴	۲۵۸۳	۵۵/۵	۹۱۸۲	۴۴/۱	۱۹۵۷	۳۱/۱	۵۱۹۰
۳۱/۳	۱۳۳۵	۱۶/۲	۲۶۸۰	۴۰/۸	۱۸۱۲	۱۹/۷	۳۲۸۸
۸/۳	۲۵۶	۲۸/۳	۴۶۸۲	۱۵/۱	۶۶۹	۴۹/۲	۸۲۱۱
۱۰۰	۴۱۷۴	۱۰۰	۱۶۵۴۴	۱۰۰	۴۴۳۸	۹۹/۹	۱۶۶۸۹

همان‌گونه که از نتایج پیدا است در هر دو سال مردم ارزیابی خوبی از وضعیت قضایی کشور نداشته‌اند. به ویژه آنکه این ارزیابی در سال ۱۳۸۲ نسبتاً بدتر از سال ۱۳۷۹ بوده است. این ارقام بیانگر آن است که مردم نسبت به وضعیت قضایی کشور اطمینان و اعتماد کمی دارند.

### ۵-۵- نقش دین در ایجاد اعتماد اجتماعی

هر چه ارزش‌های دینی، فرهنگی و اخلاقی تقویت شده باشد رفتار افراد پیش‌بینی پذیرتر است؛ چرا که افراد در چارچوب قواعد خاصی رفتار می‌کنند. بنابر این قابلیت اعتماد افراد بیشتر است و مناسبات اجتماعی روان‌تر و کم‌هزینه‌تر صورت می‌گیرد. اما نکته اصلی این است که با تضعیف اعتماد اجتماعی، ارزش‌های اخلاقی دینی هم به طور همزمان تنزل پیدا می‌کنند و وقتی برخی از ارزش‌های اساسی تنزل یافت به طور طبیعی سایر ارزش‌ها نیز

## اعتماد اجتماعی ❖ ۶۳

سقوط می‌کنند. یکی از کارکردهای مهم دین در طول تاریخ، ایجاد اعتماد و اطمینان اجتماعی است که در دوران گذار تضعیف می‌شود. اما این تضعیف پیش از اینکه ارزش‌های مدرن جایگزین بشود صورت می‌گیرد. پس در دوران گذار ارزش‌های دینی و سنتی کاهش پیدا می‌کنند در حالی که هنوز ارزش‌های دنیای مدرن جایگزین آن نشده است که این امر زمینه ساز تضعیف اعتماد اجتماعی می‌شود. در پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲، وضعیت دین‌داری مردم مورد سنجش قرار گرفته است. در یک سوال از پاسخ‌دهندگان خواسته شده بود که وضعیت دین‌داری مردم را در پنجم سال آینده پیش بینی کنند. نحوه پاسخ‌گویی مردم به این سوال بیانگر این است که در جامعه دین تا چه میزان قدرتمند و حاکم است. در اینجا پاسخ مردم به این دو سوال «به نظر شما مردم در پنج سال آینده مذهبی‌تر می‌شوند یا غیر مذهبی‌تر» و سوال «به نظر شما مردم نسبت به ۵ سال قبل مذهبی‌تر شده‌اند یا غیر مذهبی‌تر» نشان داده می‌شود.

جدول شماره ۱۷: وضعیت اعتقادات دینی مردم

سال		۱۳۷۹		۱۳۸۲	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
مذهبی‌تر	تعداد	۲۶۲۳	۱۶/۱	۴۷۲	۱۲/۸
	درصد	۱۶/۵	۷۱۱	۱۶/۵	۷۱۱
غیرمذهبی‌تر	تعداد	۸۸۴۹	۵۴/۳	۲۷۲۷	۷۳/۷
	درصد	۶۹/۹	۳۰۰۷	۶۹/۹	۳۰۰۷
فرقی نخواهد کرد	تعداد	۴۸۲۳	۲۹/۶	۴۹۹	۱۳/۵
	درصد	۱۳/۶	۵۸۴	۱۳/۶	۵۸۴
جمع		۱۶۲۹۵	۱۰۰	۳۶۹۸	۱۰۰

## ۶۴ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

همان‌گونه که از نتایج جدول مشخص است، در سال ۱۳۷۹ پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که مردم در ۵ سال آینده کمتر مذهبی خواهند بود و در سال ۱۳۸۲ نزدیک به ۷۰ درصد معتقد بودند که مردم جامعه نسبت به گذشته کمتر مذهبی هستند که این نشان‌دهنده ارزیابی درست مردم از گذشته و نامناسب بودن وضعیت مذهبی جامعه در حال حاضر است. در سال ۱۳۸۲ یک بار دیگر از مردم سوال شد که به نظر شما در آینده وضعیت مذهبی مردم چگونه خواهد بود که نزدیک به ۷۴ درصد از پاسخ‌دهندگان اعلام کردند وضعیت بدتر خواهد شد. این ارزیابی‌ها نشان‌دهنده تضعیف نقش دین و عقاید مذهبی در تقویت اعتماد در سال‌های آینده است.

### ۶- نتیجه‌گیری

در این گفتار تلاش نمودیم وضعیت سطح اعتماد و وضعیت نهادها و عوامل اعتماد ساز در کشور را نشان دهیم. در این مقاله اعتماد را در سه سطح مورد توجه قرار دادیم. ۱- روابط شخصی فرد (سطح خرد) ۲- روابط عام و تعمیم یافته فرد (سطح میانی) و ۳- سطح کلان. اعتماد مردم در سطح خرد از وضعیت نسبتاً خوبی برخوردار بود، مردم اعتماد خوبی به اعضای خانواده، اعضاء فامیل و دوستان خود داشتند، وضعیت اعتماد به دولت هم نسبتاً متوسط است اما وضعیت اعتماد در سطح میانی وضعیت مطلوب و مناسبی قرار نبود. در بیان وضعیت عوامل اعتماد ساز در کشور هم نشان دادیم که وضعیت عوامل اجتماعی، قضایی و فرهنگی و سیاسی جهت ایجاد این بازسازی چندان مناسب و مطلوب نیست. از این رو لازم است در اقداماتی بنیادی و کاربردی راه‌های تقویت اعتماد در سطوح خرد و میانی مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که اعتماد از این سطوح شکل گرفته و به سطوح بالاتر گسترش می‌یابد.



### فهرست منابع

۱. پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج اول و دوم، سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲.
۲. گیدنز، آنتونی، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشرمرکز، ۱۳۷۷.
۳. گیدنز، آنتونی، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشرنی، ۱۳۷۸.
۴. اینگلهارت، رونالد، ترجمه وتر، مریم، «تحول فرهنگی در جوامع بشری»، ۱۳۷۴.
۵. فرج‌پور، مجید، فقر، فساد و تبعیض موانع توسعه در ایران، تهران: انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.



## اعتماد و نهادهای مدنی به مثابه کارگزاران سرمایه اجتماعی

ایوب زارعی\*

### چکیده

نوشتار حاضر بر اساس این استدلال تدوین شده که اعتماد و سازمان‌های داوطلبانه در روابطی ماتریسی و متقابل همچون کارگزاران سرمایه اجتماعی عمل می‌کنند. اعتماد در معنی عام باعث ایجاد تعامل افراد با یکدیگر شده و روابط اجتماعی را پایه‌گذاری می‌کند و چون این اعتماد پای خود را فراتر از مرزهای افراد آشنا مانند خانواده و خویشاوندان و دوستان می‌گذارد منجر به توسعه شبکه اعتماد و شعاع اعتماد می‌شود. گسترش شعاع اعتماد به خارج از مرزهای گروهی که فرد به آن تعلق دارد به این معنی است که او به افراد ناآشنا و غریبه اعتماد کرده و روابطی متقابل را با یکدیگر آغاز کرده‌اند. به نظر می‌رسد که افزایش اعتماد به غریبه‌ها امکان عضویت افراد در گروه‌های داوطلبانه که خارج از حوزه دولت و بازار شکل می‌گیرد را افزایش می‌دهد. بدین معنی، گروه‌های داوطلبانه را می‌توان محصول اعتماد افراد به یکدیگر و تعداد فراوان گروه‌های داوطلبانه متشکل از افراد غریبه و فراتر از دایره افراد صرفاً آشنا را، نشان‌دهنده گسترده‌تر شدن شعاع اعتماد میان افراد یک جامعه دانست. از

---

\* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

## ۶۸ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

منظری دیگر، گروه‌های داوطلبانه در ایجاد و گسترش اعتماد در میان آحاد یک جامعه و البته در سلب اعتماد و فروپاشیدن آن نقش موثری ایفا می‌کنند. از این‌رو همواره روابطی متقابل و اثرگذار و اثرپذیر میان اعتماد و گروه‌های داوطلبانه وجود دارد. این دو مفهوم در ماهیت خود به روابط میان افراد با یکدیگر اشاره دارند از این‌رو از ارکان اساسی سرمایه اجتماعی در جوامع گوناگون هستند و کاهش یا ضعف و افزایش یا قدرت سرمایه اجتماعی تا حدود زیادی متأثر از وضعیت اعتماد و مشارکت مردم در گروه‌های داوطلبانه است.

### **واژگان کلیدی**

انجمن‌های داوطلبانه، شبکه اجتماعی، شبکه اعتماد، نظم اجتماعی و شعاع اعتماد.

## مقدمه

اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است. اعتماد، بنیان بسیاری از تعاملات و کنش‌های روزمره در جوامع انسانی چه در ارتباط میان فردی و چه در ارتباطات اجتماعی بین گروه‌ها را تشکیل می‌دهد. از این رو اعتماد در ارتباطی ماتریسی با بسیاری از موضوعات هم‌چون هم‌یاری و کنش جمعی، مشارکت در گروه‌ها و سازمان‌ها، بهره‌وری، کارآیی، قانون‌مندی و قانون‌پذیری و نظایر آن قرار گرفته و در ارتباطی دو یا چند جانبه تاثیرگذار و تاثیرپذیر است. تاکید بر اعتماد، در مقایسه با دیگر انواع ارتباط در نوشته‌های مربوط به موضوع، نقش برجسته‌ای دارد. بخش عمده نظریه مربوط به سرمایه اجتماعی مبتنی بر بحث اعتماد است و اعتماد، ارتباط تنگاتنگی با رابطه متقابل تعمیم یافته دارد و به طور کلی شاخص مناسبی برای پیوندهای مثبت و متقابل محسوب می‌شود.

اعتماد عبارت است از تمایل فرد به قبول ریسک در یک موقعیت اجتماعی که این تمایل مبتنی بر حس اطمینان به این نکته است که دیگران به گونه‌ای که انتظار می‌رود عمل نموده و شیوه‌ای حمایت‌کننده در پیش خواهند گرفت. به تعبیر فوکویاما: «اعتماد انتظاری است که در یک اجتماع منظم، صادق و دارای رفتار تعاونی خود را نشان می‌دهد».

## ۱- مفهوم اعتماد

به نظر می‌رسد اعتماد نیز مانند بسیاری از مفاهیم در علوم انسانی و اجتماعی تعریف روشن و جامعی که به اجماع نظریه‌پردازان و اندیشمندان رسیده باشد ندارد. در مورد اعتماد نیز هر یک از متفکران از دریچه و رویکرد خاص خود به موضوع نگریسته‌اند. زیمل اعتماد را معادل کلمه ایمان به کار می‌برد و معتقد است که اعتماد نوعی ایمان و باور به دیگران است. گیدنز اعتماد را به عنوان اطمینان یا اتکا به نوعی کیفیت یا صفت و یا اطمینان به حقیقت عبارت و گفته‌ای توصیف می‌کند و بین دو نوع اعتماد تمایز قائل می‌شود: اعتماد به افراد خاص و اعتماد به افراد یا نظام‌های انتزاعی. اعتماد انتزاعی در برگیرنده آگاهی از مخاطره و فرد مورد اعتماد است. لذا در حالی که کنش‌گر می‌تواند به راحتی در مورد میزان ارزش اعتماد به افراد خاص قضاوت کند ( بر اساس اطلاعات مربوط به تاریخچه آن فرد، انگیزه‌ها و شایستگی‌هایش)، می‌تواند درباره میزان ارزش اعتماد نسبت به دیگران تعمیم یافته نیز دارای ایده‌ها و باورهایی باشد. افراد همچنین می‌توانند درباره میزان ارزش اعتماد نسبت به نظام‌های انتزاعی نظیر نهادها نیز دارای باورهایی باشند. از این فرایند می‌توان با سطح نهادی اعتماد نام برد. این همان چیزی است که گیدنز آن را ایده اعتماد به «نظام‌های تخصصی» می‌نامد. ممکن است کنش‌گر از فردی که اتومبیل یا خانه وی را ساخته شناخته نداشته باشد، ولی نسبت به نظام استاندارد، تنظیم قواعد و قوانین، نظارت و کنترل کیفیت دارای میزانی از اعتماد باشد. با توجه به این تعاریف اعتماد دارای ویژگی‌ها و خصوصیات زیر است:

۱- اعتماد در روابط اجتماعی شکل می‌گیرد و تقویت می‌شود و یکی از جنبه‌های آن است.

## اعتماد اجتماعی ❖ ۷۱

۲- در اعتماد، مفهوم تأخر زمانی و وابستگی امور به آینده وجود دارد و

این تأخر زمانی مبین انتظارات فرد و اعمال سایر افراد می‌باشد.

۳- اعتماد با خطر کردن و مخاطره همراه می‌باشد. مفهوم عدم تعیین

اجتماعی<sup>۱</sup>، یعنی عدم پیش بینی رفتارها و امور نیز با مفهوم اعتماد

توأم می‌باشد. وقتی فردی عملی را انجام می‌دهد، نمی‌تواند مطمئن

باشد که فرد دیگر از آن عمل علیه او استفاده نخواهد کرد.

۴- حسن ظن نیز مهم‌ترین عنصر و هسته مرکزی اعتماد محسوب

می‌شود؛ چرا که با وجود عدم قطعیت‌ها و وجود خطر در روابط، افراد

به خاطر حسن ظن و احساس مثبتی که به یکدیگر دارند به هم

اعتماد می‌کنند.

۵- اعتماد اکتسابی است و در طی جریان جامعه‌پذیری و از همان

سال‌های اولیه زندگی پدید می‌آید و طی تجارب اجتماعی تقویت

شده و به نسل‌های بعدی انتقال می‌یابد.

با توجه به این تعاریف اعتماد را می‌توان وجود این باور در فرد تعریف کرد

که دیگران در بدترین شرایط، آگاهانه و عامدانه آسیبی به او نمی‌رسانند و در

بهترین شرایط به نفع او عمل می‌کنند.

## ۲- انجمن‌های داوطلبانه

تشکلات داوطلبانه نوع ویژه‌ای از نهادهای اجتماعی هستند، که با خانواده،

کار و دولت فرق دارند، ما در خانواده‌ها متولد می‌شویم، از دولت گریزی نداریم

و اغلب ما باید کار کنیم. اما تشکلات داوطلبانه، کلپ‌ها، انجمن‌های واسطه و

گروه‌های اجتماعی فعالیت‌های داوطلبانه و همکاری‌هایی هستند که ما در آنها

## ۷۲ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

شرکت می‌کنیم. عضویت در آنها کاملاً به اختیار افرادی است که در فعالیت‌های گروهی شرکت می‌کنند تا به اهداف مشترکی دست یابند.

به همین دلیل انجمن‌های داوطلبانه نقش مهمی در جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و نظریه‌های سیاسی متفکران، از توکوویل، دورکیم، زیمل و جی. اس. میل گرفته تا کورنهاوزر، آلموند و وربا، گرتز و پاتنام ایفا کرده‌اند. در سطح فردی، انجمن‌های داوطلبانه درک اجتماعی و اعتماد را به مردم آموزش می‌دهند؛ زیرا در آنها به افراد مختلف، غالباً با پس‌زمینه‌ها و نظام‌های ارزشی گوناگون، اجازه فعالیت مشترک داده می‌شود. این انجمن‌ها، با گرد آوردن تیپ‌های اجتماعی گوناگون، به افراد کمک می‌کنند که دیگران را درک و با آنها همدلی کنند. این انجمن‌ها هنر سازش، تحمل و همکاری و توانایی رابطه با تیپ‌های اجتماعی گوناگون و مشارکت را می‌آموزند. در سطح اجتماعی، تشکلات داوطلبانه پیوندهای مشترک و شبکه‌های اجتماعی تولید می‌کنند که کل جامعه را به هم پیوند می‌زند. این انجمن‌ها میان افراد هم‌فکر، پیوندهای اجتماعی برقرار می‌کنند و به منزله پل‌هایی میان گروه‌های اجتماعی گوناگون هستند. آنها پایه‌های تشکیل‌دهنده گروه‌های فشاری هستند که اندیشه‌ها در آنها گرد می‌آیند و بیان می‌شوند، انجمن‌ها واسطه‌ای میان شهروندان و روشنفکران هستند. آنها در شهروندان احساس امنیتی که حاصل تعلق داشتن به یک گروه است، ایجاد می‌کنند. آنها پایه‌های نهادینه فرهنگ دموکراتیک و شبکه اجتماعی روابط آن هستند. خلاصه اینکه، تشکلات داوطلبانه تولیدکننده پیوندهای یکپارچگی اجتماعی و پایه‌های جامعه مدنی و دموکراسی هستند.

## ۳- اعتماد، نهادهای مدنی و سرمایه اجتماعی

هنگامی که از اعتماد در سطح اجتماع سخن می‌گوییم یا همان اعتماد تعمیم یافته یا انتزاعی - به تعبیر گیدنز - سروکار ما با افراد و گروه‌های خارج از



## اعتماد اجتماعی ❖ ۷۳

دایره بستگان و دوستان است. در جوامع سنتی که شعاع ارتباط روزمره انسان‌ها محدود به خانواده گسترده و اجتماع محلی خود بود، اعتماد در حیطه کوچکی جست‌وجو می‌شد. در این گونه جوامع که ساده و کوچک بودند گروه‌های موجود غالباً خویشاوندی بودند و ساختار جامعه هم چیزی جز آن طلب نمی‌کرد اما با پیچیده‌تر شدن زندگی انسانی، گسترش شهرنشینی و فروپاشی خانواده سنتی گسترده و تقسیم شدن انسان‌ها در گروه‌های مختلفی که هر یک به فراخور پاسخ به نیازی شکل گرفته بودند، به تدریج موضوع اعتماد و اهمیت و نقشی که در زندگی انسان بازی می‌کند بیش از پیش آشکار شد. این موضوع زمانی اهمیت بیشتری یافت که اندیشه‌ورزان حوزه توسعه علل و عوامل توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی در جوامع مختلف را مورد توجه قرار دادند. پرسشی که ذهن بسیاری از متفکران را درگیر خود کرده بود، یافتن کلید رشد و توسعه بود. تا پیش از قرن بیستم رشد اقتصادی را در گرو زمین و نیروی کار می‌دانستند، در اوائل قرن بیستم عامل سرمایه هم به دو عامل قبلی اضافه شد، اما از نیمه دوم قرن بیستم کم کم این اندیشه ایجاد شد که گرچه توسعه نیازمند سرمایه اقتصادی و مالی است اما عنصری مهم‌تر از آن نیز وجود دارد که اگر نباشد همان سرمایه مالی هم از بین می‌رود. آن عنصر را سرمایه انسانی نام نهادند. اما در اوائل دهه ۱۹۹۰ شواهدی از توسعه و رشد اقتصادی در تعدادی از کشورها پیدا شد که قابل تبیین با هیچ‌یک از نظریه‌های توسعه و عوامل شناخته شده آن نبود. کشورهایی که نه سرمایه مالی هنگفت و چشم‌گیری داشتند و نه سرمایه انسانی درخور توجه. از این به بعد سرمایه‌ای در برابر دیدگاه کارشناسان هویدا شد که پیش‌تر پنهان بود و آن را سرمایه اجتماعی نام نهادند.

شالوده سرمایه اجتماعی را می‌توان در دو کلمه «موضوع و روابط» خلاصه کرد. مردم از طریق برقراری روابط با یکدیگر و حفظ آن در طول زمان، قادر به

## ۷۴ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

همکاری با یکدیگر می‌شوند تا به انجام اموری بپردازند که یا به تنهایی قادر به اجرای آن نیستند یا اجرای آن با دشواری‌های زیادی همراه است.

اگر روابط بنیان سرمایه اجتماعی است چه چیزی شالوده روابط اجتماعی و قوام‌دهنده و حافظ آن است؟ به عبارت دیگر چه عنصری باعث می‌شود که روابط اجتماعی به شکل سرمایه‌ای موثر درآید؟ چه عاملی باعث رونق روابط بین افراد و گروه‌ها می‌شود؟ و مهم‌تر از همه جوهره روابط در گروه‌ها چگونه ایجاد می‌شود؟

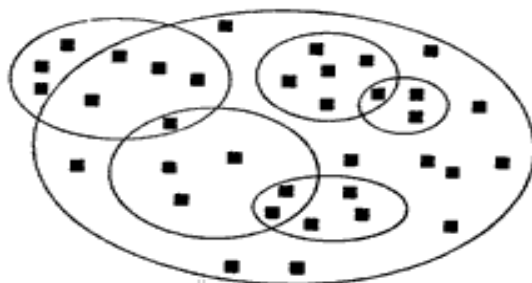
متفکران حوزه سرمایه اجتماعی علی‌رغم داشتن دیدگاه‌های متفاوت درباره شاخص‌ها و متغیرهای سازنده سرمایه اجتماعی، بر روی سه مولفه یا شاخص تعیین‌کننده اتفاق نظر دارند: عضویت در گروه‌های اجتماعی، اعتماد و همیاری. ملاحظه می‌شود که دو مولفه اصلی سرمایه اجتماعی، اعتماد و مشارکت در گروه‌های داوطلبانه و شبکه‌های اجتماعی است. حتی هم‌یاری و کنش جمعی گرچه همانند مشارکت در گروه‌های اجتماعی نظیر سازمان‌های غیردولتی و حرفه‌ای و احزاب، سازمان‌یافته و نظام‌مند نیست اما روح حاکم بر همیاری نیز مشارکت جویی و اعتماد مردم به یکدیگر است. بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که اعتماد عنصر کلیدی شکل‌گیری روابط اجتماعی در قالب گروه‌ها و قوام‌دهنده آن‌هاست.

بسیاری از فیلسوفان اجتماعی نظیر هابز و توکویل معتقدند که اعتماد، پایه اساسی نظم اجتماعی می‌باشد و اعتماد تنش‌ها را کاهش داده و انسجام را افزایش می‌دهد. آن چه که باعث اعتماد مردم به یکدیگر می‌شود احساس امنیت است. به هر صورت، مردم نیاز دارند تا به یکدیگر اعتماد بیشتری داشته باشند تا بتوانند با چالش‌های جهانی شدن و عصر اطلاعات مقابله کنند. آدام اسمیت به اعتماد اجتماعی به عنوان روان‌کننده حرکت اقتصاد بازار نگاه می‌کرد. نکته مهم این است که اعتماد را نمی‌توان به طور مصنوعی ایجاد کرد.

## اعتماد اجتماعی ❖ ۷۵

اعتماد محصول اتوماتیک شرایط اجتماعی و اقتصادی خاصی در جامعه است که در طول زمان از طریق تکرار سلسله‌ای از تعامل‌ها شکل می‌گیرد. اعتماد دارای سه نوع است:

- ۱- اعتماد بین فردی یا اعتماد به افراد آشنا.
  - ۲- اعتماد اجتماعی یا اعتماد تعمیم یافته یا اعتماد به بیگانگان.
  - ۳- اعتماد مدنی یا اعتماد به سازمان‌ها و نهادها.
- یکی از مفاهیم مفید در تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی، «شبکه اعتماد»<sup>۱</sup> است. شبکه اعتماد عبارت از گروهی است که براساس اعتماد متقابل به یکدیگر، از اطلاعات، هنجارها و ارزش‌های یکسانی در تبادلات میان یکدیگر استفاده می‌کنند. از این‌رو، اعتماد نقش زیادی در تسهیل فرایندها و کاهش هزینه‌های مربوط به این‌گونه تبادلات دارد. شبکه اعتماد می‌تواند بین افراد یک گروه و یا بین گروه‌ها و سازمان‌های مختلف به وجود آید. مفهوم ذکر شده را می‌توان در قالب شکل زیر مشاهده کرد.



شبکه‌های اعتماد

فوکویاما (۱۹۹۷) معتقد است که قبل از ورود به هر سیستم تجاری یا اجتماعی، باید اطلاعات کافی درباره شبکه‌های اعتماد موجود در آن سیستم و

---

1. Network of trust

## ۷۶ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

ویژگی‌های آن به دست آورد؛ زیرا اعتماد را پایه هرگونه مبادلات اقتصادی و اجتماعی می‌داند. مفهوم مفید بعدی «شعاع اعتماد»<sup>۱</sup> است. تمامی گروه‌های اجتماعی دارای میزان خاصی از شعاع اعتماد هستند که به مفهوم میزان گسترده‌ی دایره همکاری و اعتماد متقابل اعضای یک گروه است. در یک نتیجه‌گیری می‌توان گفت که هرچه یک گروه اجتماعی دارای شعاع اعتماد بالاتری باشد، سرمایه اجتماعی بیش‌تری نیز خواهد داشت. چنانچه یک گروه اجتماعی برون‌گرایی مثبتی نسبت به اعضای گروه‌های دیگر نیز داشته باشد، شعاع اعتماد این گروه از حد داخلی آن نیز فراتر می‌رود.

شعاع اعتماد در فرهنگ‌های مختلف به گونه‌های متفاوتی مشاهده می‌شود. به طور مثال در فرهنگ مردم چین و بیشتر ساکنان آمریکای لاتین، سرمایه اجتماعی زیادی در بین خانواده‌ها و گروه‌های دوستانه شخصی وجود دارد، اما این گروه‌ها به شدت دارای اعتماد کمی نسبت به افراد خارج از گروه خود هستند. برای این گروه‌ها اعتماد به افراد خارج گروه بسیار مشکل و حتی غیرممکن است. در چنین فرهنگ‌هایی هرکس خود را فقط متعلق به یک خانواده و یا گروه می‌داند. بنابراین در این فرهنگ‌ها، شرکت‌ها عمدتاً ماهیت خانوادگی داشته و به ندرت از محدوده اولیه خود بزرگ‌تر می‌شوند. این امر باعث می‌شود که فعالیت این شرکت‌ها محدود شده و به احتمال زیاد عمر آنها نیز کوتاه گردد و درنسل‌های بعدی این خانواده‌ها، از بین بروند. نقش اصلی در اقتصاد این کشورها به عهده سرمایه اجتماعی و شعاع اعتماد موجود در روابط تجاری و تبادلات بین شبکه‌های اعتماد خانوادگی است. بین اعتماد و مشارکت در گروه‌ها و تشکل‌های داوطلبانه و مدنی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. از یک دیدگاه، چنان که گفته شد، اعتماد سبب ساز شکل‌گیری گروه‌ها و ترغیب‌کننده افراد به همکاری سازمان‌دهی شده با یکدیگر در قالب انجمن‌ها

---

1. Radius of trust

## اعتماد اجتماعی ❖ ۷۷

است و از دیدگاهی دیگر فعالیت‌های داوطلبانه افراد در تشکلهای باعث رشد و تقویت اعتماد میان آنان می‌شود.

وقتی اعتماد بین گروه‌ها اندک ولی اعتماد درون گروهی زیاد باشد، انتظار می‌رود که سرمایه اجتماعی در جامعه پایین بوده و این امر تأثیر منفی بر سطح کل اجتماع داشته باشد. سرمایه اجتماعی در سطح جامعه زمانی بالا خواهد بود که بین افراد در گروه‌های مختلف پیوندهای مثبت و مبتنی بر اعتماد وجود داشته باشد. با توجه به این سطوح مختلف می‌توان حالت‌های گوناگون را در قالب جدول شماره پنج نشان داد.

**جدول شماره ۵: رابطه اعتماد و سرمایه اجتماعی**

اعتماد و پیوندهای درون گروهی			
زیاد	کم		
سرمایه اجتماعی در سطح جامعه کاهش می‌یابد و به طور بالقوه نتایج منفی برای کل جامعه دارد	پایین بودن سطح سرمایه اجتماعی در کل	کم	اعتماد و پیوندهای بین گروهی
سرمایه اجتماعی در سطح جامعه افزایش می‌یابد و می‌توان انتظار داشت که نتایج مثبتی برای کل جامعه داشته باشد	به ندرت می‌توان نمونه‌ای از این وضعیت یافت	زیاد	

سرمایه اجتماعی همیشه برای تمام اعضای جامعه حاوی تأثیرات مثبت نیست. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی در درون یک گروه خالص الزاماً رابطه مثبتی با سرمایه اجتماعی در سطح کل جامعه ندارد. در حالی که می‌توان انتظار داشت که سرمایه اجتماعی در درون یک گروه خاص نتایج مثبتی برای اعضای آن گروه داشته باشد، این مطلب الزاماً به معنی امتیازی برای کل آن

## ۷۸ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

اجتماع نیست. به عنوان نمونه، یک گروه قومی جدایی طلب ممکن است در میان اعضای گروه خود دارای سرمایه اجتماعی زیادی باشد، ولی به واسطه فقدان ارتباط با افراد سایر گروه‌ها یا پایین بودن میزان اعتماد به سایر افراد سرمایه اجتماعی در کل جامعه را کاهش دهد. لذا پیوند بین گروه‌ها برای افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه ضروری است.

گفته شد که با گسترش شهرنشینی و فروپاشی خانواده‌های گسترده، افزایش مهاجرت و به طور کلی پیچیده‌تر شدن جوامع دیگر ابزار و سازوکارهای قدیمی اعتماد نمی‌توانست پاسخ‌گوی نیازهای انسان مدرن باشد. اگر پیش از این در جامعه سنتی گروه‌های قومی و خویشاوندی به سبب حاکمیت اشکال خانواده گسترده به راحتی می‌توانستند مطالبات افراد را شناسایی و پاسخ‌گو باشند و اعتماد درون گروهی به قدرت و توان آن‌ها بیش از پیش می‌افزود و از آن‌ها در مقابل دیگر گروه‌های هم‌تا پاسداری می‌کرد، در جامعه مدرن گروه‌های خویشاوندی به علل ذکر شده از هم پاشیده شده و شهرنشینی نیازهای جدیدی را بر انسان تحمیل کرده بود که سازوکارهای نوینی را برای ارضاء آن‌ها می‌طلبد. جامعه نوین از افراد غریبه و خانواده‌های گوناگونی تشکیل شده بود که پیش از این هیچ ارتباط و تعاملی با یکدیگر نداشتند و انسان امروزی باید اعتماد، شبکه اعتماد و شعاع اعتماد خود را به گونه‌ای دیگر تعریف و بازآفرینی می‌کرد. به تدریج و به طور روزافزونی ضرورت وجود و گسترش نهادهایی برای سازمان‌دهی، سامان‌دهی و پاسخ‌گویی به نیازهایی که از شکل جدید زندگی بشر سر بر آورده بودند احساس می‌شد. از این‌جا بود که اشکال جدید اعتماد زاده شدند و در کنار اعتماد درون گروهی (اعتماد بین فردی یا اعتماد به افراد آشنا) اعتماد انتزاعی یا تعمیم یافته (اعتماد به بیگانگان و اعتماد به سازمان‌ها و نهادها) به ضرورت زندگی اجتماعی تبدیل شد.

اما پرسش اساسی این است که چگونه افراد به این باور می‌رسند که نهادها و انجمن‌های داوطلبانه قابل اعتماد هستند و می‌توانند برطرف‌کننده نیازهای

## اعتماد اجتماعی ❖ ۷۹

آنان باشند؟ کلاوس اوفه<sup>۱</sup> در مقاله «چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟» پاسخ این سؤال را در کیفیت نهادها می‌داند. به نظر وی:

«اگر نهادها به خوبی طراحی شوند می‌توانند زمینه ساز اعتماد به افرادی باشند که هرگز با آنها تماسی نداشته‌ایم و هیچ پیوند مشترکی با هم نداریم. معلوم نیست که این مساله چگونه رخ می‌دهد، چون نهادها برخلاف افراد نمی‌توانند موضوع اعتماد باشند. به عبارت دقیق‌تر تنها به افراد می‌توان اعتماد کرد چون آنها تنها واحدهایی هستند که توانایی اعتماد متقابل را دارند. نهادها بیش از هر چیز مجموعه‌ای از قوانین هستند. اما علاوه بر این، نقاط مرجع و ارزش‌های هنجارآفرینی را فراهم می‌کنند که می‌توان برای توجیه و معنا دار کردن آن قوانین به آنها تکیه کرد. به عبارت دیگر، نهادها از روح، شخصیت، نظریه اخلاقی تلویحی، اصل راهنما یا نوعی شیوه برتر اداره زندگی جامعه برخوردار هستند. به نظر من، معنای هنجارآفرینی نهادها و مقبولیت اخلاقی آنها برای دیگران است که به من اجازه می‌دهد به دست‌اندرکاران آنها (اگرچه غریبه‌اند) اعتماد کنم. از دیدگاه من نوعی این معنای درونی نهادها و قدرت اقناع مشهود و اقناعی آنهاست که آنها نوعی را تشویق می‌کند هم‌چون من به هنجارها و ارزش‌هایی که این نهادها نمایند آن هستند پای‌بند باشم و بدین ترتیب این شهروندان را به هم‌میهنان سزاوار اعتماد تبدیل می‌کند. در این‌جا لازم به ذکر است که همه نهادها از این کارکرد پل زدن در میان غریبه‌ها و ایجاد اعتماد برخوردار نیستند. تنها نهادهایی که به نظر من نوعی برای دیگران به اندازه کافی معنادار، معقول و قانع‌کننده هستند می‌توانند گرایش‌ها و پای‌بندی‌های هم‌گرایی را ایجاد کنند. نهادهایی که از این ویژگی پذیرش اخلاقی برخوردار هستند و معنای آنها برای من غیرشفاف است، یا به نظر من ادعاهای هنجارآفرینی آنها با نتایجی که دیده‌ام هم‌خوانی

---

1. Claus Offe

## ۸۰ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

ندارد یا تردید برانگیز است و قابل شناسایی نیست اعتماد مرا به غریبه‌ها جلب نخواهد کرد. اجازه بدهید این نکته را مطرح کنم که توانایی اعتمادآفرینی نهادها به توانایی معنادار بودن آن‌ها (برای من و دیگران) بستگی دارد. نهادهایی که بتوانند نشان دهند شایسته اطاعت هستند چنین توانایی را دارا می‌باشند. بنابراین اعتماد به نهادها کاملاً با اعتماد به همسایه‌ها متفاوت است: این اعتماد به معنای شناختن و معتبر دانستن ارزش‌ها و شکل زندگی موجود در یک نهاد و استنتاج این فرض است که این اندیشه برای تعداد کافی از مردم آن‌قدر معنادار هست تا آن‌ها را به حمایت مستمر از آن نهاد وادارد. کارکرد سازنده یک نهاد در صورتی تحقق می‌یابد که مردمی که در این نهادها یا تحت کنترل آن‌ها زندگی می‌کنند با اندیشه‌های هنجار آفرینی که در آن‌ها تجسم یافته از نظر شناختی آشنا شوند و از آن‌ها اشباع شوند. بدین ترتیب پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توانیم به همشهری‌های ناشناس خود اعتماد کنیم یا قبل از چنین اعتمادی چه فرضیاتی باید داشته باشیم این است که ما به این دلیل به همشهریان خود اعتماد می‌کنیم که در فضای نهادی قدرتمندی شریک هستیم و دارای معنای قدرتمندی است که اکثر شهروندان ناآشنای مرا شایسته اعتماد می‌کند؛ چون انتظار دارم که آن‌ها نیز این معنا را ارزشمند بشمارند. دست‌کم این معنای نهادهاست که خطر اعتماد نابه‌جا را تا حد قابل تحملی کاهش می‌دهد».

بدین ترتیب می‌توان گفت که در جوامع امروزی اعتماد و نهادها دوام و قوام‌دهنده یکدیگر هستند. نهادهای مدنی زمانی می‌توانند ایجاد شوند، فعال و اثرگذار باشند که پشتوانه‌ای از اعتماد را در پی خود داشته باشند. اعتماد نیز به خودی خود حاصل نمی‌شود مگر این‌که نهادها ارزش‌ها و هنجارهایی بیافرینند که برای افراد معنادار باشد و بتوانند چارچوبی از رویه‌ها و قواعد ایجاد کنند که نیازهای گوناگون را برطرف کنند. اگر ارتباط متقابل و پیوسته‌ای میان اعتماد و



## اعتماد اجتماعی ❖ ۸۱

نهادهای مدنی برقرار باشد سرمایه‌ای را ایجاد خواهند کرد که بر همکاری و مشارکت روزافزون میان مردم منجر خواهد شد.

براساس نظریه‌های دانشمندی چون توکوویل، دورکیم، زیمل و کورنهایوزر بسیاری از منافع اجتماعی از عضویت در تشکلات داوطلبانه حاصل می‌شود. براساس این نظریه‌ها، در سطح فردی، مشارکت شهروندان در جامعه محلی و انجام فعالیت‌های داوطلبانه رفتارهای اجتماعی همراه با عاطفه را به مردم می‌آموزد، رفتارهایی مانند اعتماد، رابطه متقابل، یکپارچگی و همکاری. اعتماد در این میان نقش محوری و شاید مهم‌ترین نقش را دارد. ریشه‌های اعتماد در شبکه بزرگ، فشرده، و ژرف ارتباط داوطلبانه و تشکلات واسطه‌ای است که جامعه مدنی را تشکیل می‌دهند. اعتماد، مهم‌ترین سازه سرمایه اجتماعی است و سرمایه اجتماعی مهم‌ترین شرط لازم یکپارچگی اجتماعی، کارآمدی اقتصادی و ثبات دموکراتیک محسوب می‌شود. با اعتماد، روابط اجتماعی محکم و صلح‌آمیز حفظ می‌شود، که اینها به نوبه خود، پایه و اساس رفتارهای جمعی و همکاری‌های سازنده است.

در فرایند توسعه اجتماعی، میزان عضویت اعضای جامعه در گروه‌ها، سازمان‌ها و انجمن‌های مختلف افزایش می‌یابد و آمادگی فرد برای برقراری ارتباط بیشتر می‌شود و بدین ترتیب اعتماد اجتماعی متقابل تعمیم می‌پذیرد. به همین جهت، آیزنشتات به درستی متذکر می‌شود که مهم‌ترین مسئله نظم اجتماعی برای بنیانگذاران جامعه‌شناسی اعتماد و همبستگی اجتماعی است، یعنی بدون انسجام و نوعی اعتماد پایداری نظم اجتماعی غیر ممکن است.

مطابق نظر صاحب نظران، سرمایه اجتماعی مستلزم اعتماد بین غریبه‌هاست و گستره آن می‌تواند از دوستان تا سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های مذهبی را در بر گیرد. از این دیدگاه همبستگی درون گروهی از قابلیت اعضاء برای همکاری با افراد بیرون از گروه می‌کاهد و اغلب، آثار خارجی منفی را بر افراد بیرونی تحمیل می‌کند. سرمایه اجتماعی نهفته در هنجارها و

## ۸۲ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

شبکه‌های مشارکت مدنی پیش شرط توسعه اقتصادی و حکومت کارآمد هستند. آن‌ها همکاری و ارتباط را تسهیل می‌کنند و اطلاعات موجود درباره اعتمادپذیری افراد دیگر را تقویت می‌کنند. اگر می‌خواهیم نظام سیاسی خود را به گونه‌ای سامان دهیم که نیازهای افرادی که فاقد ارتباطات در سطوح بالا هستند را بهتر پاسخگو باشد، باید سازمان‌های مردمی را تقویت کنیم.

برای ارزیابی سرمایه اجتماعی در سطح ملی، سنجش اعتماد به نهادهای مختلف اجتماعی ضرورت دارد. در حالی که اعتماد به افراد خاص می‌تواند در سطح خرد سرمایه اجتماعی مهمی باشد، اعتماد انتزاعی برای سرمایه اجتماعی در سطح ملی ویژگی مهم‌تری محسوب می‌شود، اعتمادی که نتیجه آن مشارکت روزافزون مردم در قالب نهادهایی با سازوکارهای متناسب با خواست‌های آنان است.

### ۴- وضعیت اعتماد و مشارکت در گروه‌های داوطلبانه در ایران

هم‌چنان که در سطور پیشین گفته شد اعتماد را می‌توان در سه حوزه اعتماد درون گروهی یا اعتماد به خانواده، بستگان و دوستان، اعتماد برون گروهی یا اعتماد به غریبه‌ها و اعتماد به نهادها و سازمان‌ها جست و جو و بررسی کرد. به نظر می‌رسد که می‌توان این دسته‌بندی را در دو گروه عمده، به ویژه در چارچوبی که مورد نظر ماست، جای داد: اعتماد به آشنایان و اعتماد به غریبه‌ها؛ چرا که به نظر می‌رسد در سایه اعتماد به غریبه‌ها است که اعتماد به سازمان‌هایی که توسط دیگران یا همان غریبه‌ها تاسیس می‌شود شکل می‌گیرد.

پیمایش «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» یکی از مطالعاتی است که به سنجش اعتماد در سطح کشور پرداخته و ابعاد مختلف آن را مورد بررسی قرار داده است. بر اساس نتایج به دست آمده میانگین اعتماد درون گروهی یا اعتماد

## اعتماد اجتماعی ❖ ۸۳

به خانواده، بستگان و دوستان ۳/۹ در دامنه‌ای بین ۰ تا ۶ است که نشان‌دهنده اعتماد زیاد است. اعتماد برون‌گروهی یا تعمیم یافته یا اعتماد به غریبه‌ها در مطالعه مذکور در قالب اعتماد به اصناف و گروه‌های شغلی سنجیده شده و نتایج گواه آن است که میانگین این نوع اعتماد ۳/۲۸ و در حد متوسط به بالا است.

در زمینه مشارکت مردم در گروه‌های داوطلبانه، طبق سرشماری مرکز آمار ایران از سازمان‌های غیردولتی که در اواخر سال ۱۳۸۲ انجام شده، در مجموع ۷۹۵۳ سازمان در سراسر کشور شناسایی شده (جدول شماره ۶) است. از طرف دیگر طبق اطلاعات مندرج در سایت وزارت کشور ([www.moi.ir](http://www.moi.ir)) مجموعاً ۲۲۳ سازمان صنفی، حزب و تشکل سیاسی، سازمان حقوق بشری، انجمن اسلامی و انجمن اقلیت‌ها در کشور تاسیس شده که همگی به استناد ماده ۱۰ قانون فعالیت احزاب و جمعیت‌ها تشکیل شده‌اند و فعالیت می‌کنند اما ضرورتاً موضوع فعالیت همه آن‌ها مشمول تعریف حزب، که وجه عمده آن قبضه قدرت است، نمی‌شود.

به جرأت می‌توان ادعا کرد که رقم سازمان‌های داوطلبانه در ایران بیش از ارقامی است که در بالا ذکر شد. ضمن آن که بسیاری از سازمان‌های محلی یا اجتماع محور مانند هیات‌های مذهبی و صندوق‌های اعتباری خرد محلی و نظائر آن‌ها وجود دارد که به علل دائمی و پایدار نبودن، نداشتن اساسنامه و ثبت نشدن در شمار سازمان‌های داوطلبانه نیامده‌اند.

متأسفانه تحقیقات جامعی در مورد ابعاد اعتماد در سطح کشور صورت نگرفته تا به ارزیابی ارتباط بین میزان و نوع اعتماد و تشکل‌های داوطلبانه بپردازد. با این همه به نظر می‌رسد ارتباط معنادار و قابل توجهی میان اعتماد و تعداد و نوع تشکل‌های داوطلبانه وجود دارد.

۸۴ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

جدول شماره ۱: تعداد سازمان‌های غیردولتی و شعبه‌های آن‌ها برحسب نوع فعالیت عمده سازمان و استان<sup>۱</sup>

استان	آسیب‌دیدگان اجتماعی	آموزشی	اجتماعی	ادبی	بهداشت و درمان	بازی - تفریح و تفریح‌انگیز	تولیدی	حمایتی	علمی و پژوهشی	عمران و آبادانی	فرهنگی	گردشگری	محیط زیست	مذهبی	نیوکاری خیریه و نیکوکارانه	ورزشی	هنری	سایر	مجموع
آذربایجان شرقی	۴	۱۴	۸	۵	۵	۲۸	۱۱	۲۲	۱۳	۱۸	۲۳	۰	۴۰	۳	۱۹	۸	۱۵	۱۱	۲۵۷
آذربایجان غربی	۵	۱۸	۱۱	۲	۳	۲۸	۶	۸۱	۱۰	۳	۱۴	۳	۱۴	۲	۱۱	۲	۴	۹	۲۲۶
اردبیل	۷	۲۱	۶	۰	۶	۲۴	۵	۱۶	۷	۲	۱۲	۲	۲	۸	۱۳	۰	۱	۱	۱۳۳
اصفهان	۷	۶۴	۱۴	۱۴	۲۲	۳۹۷	۱۱	۲۶	۳۰	۴	۸۲	۱۳	۲۰	۴۷	۳۳۳	۱۰	۱۳	۱۵	۱۱۲۳
ایلام	۸	۳	۵	۲	۸	۹	۱۴	۸	۳	۶	۱۱	۲	۲۵	۴	۱۲	۳	۲	۲۵	۱۵۰
بوشهر	۰	۷	۹	۰	۱	۲	۴	۴	۷	۲	۵۲	۱	۹	۱۴	۱۵	۹	۱۶	۶	۱۵۸
تهران	۱۵	۱۱۰	۵۱	۶	۱۴۴	۱۰۶	۵	۱۴	۱۱	۷	۱۵۷	۵	۳۶	۳۰	۱۵۲	۲۲	۲۲	۱۰۱	۱۳۲۵
چهارمحال و بختیاری	۰	۲۳	۲	۱	۰	۱	۵	۱۴	۱۱	۱	۳۱	۰	۱۳	۱۸	۳۸	۲	۱۳	۱۸	۱۹۱
خراسان	۳۱	۳۰	۱۰	۶	۵۷	۸	۲۴	۶۴	۱۷	۸	۶۵	۲	۱۱	۱۸	۱۳۱	۶	۱۲	۱۱	۵۱۱
خوزستان	۶	۹	۹	۰	۱۱	۳۵	۱۹	۲۹	۱۱	۵	۲۹	۱	۱۲	۵	۴۶	۰	۸	۵	۲۴۰
زنجان	۲	۱۴	۴	۰	۵	۴	۳	۱۷	۱۰	۰	۲۰	۰	۵	۳	۶	۱	۲	۲	۱۰۴
سمنان	۴	۱۵	۶	۰	۲	۵۹	۵	۱۱	۵	۲	۲۷	۰	۴	۳	۱۸	۱	۰	۱	۱۶۳
سیستان و بلوچستان	۲	۵	۱	۰	۰	۴	۹	۵	۹	۱	۱۵	۶	۲۱	۱۰	۱۹	۱	۰	۱۱	۱۱۹
فارس	۲۷	۶۵	۲۱	۵	۲۶	۸۱	۳۳	۲۸	۱۷	۳	۷۲	۲	۳۰	۴۸	۷۶	۱۱	۷	۳۰	۵۸۲
قزوین	۰	۱۳	۸	۱	۴	۰	۴	۲۳	۱۲	۳	۱۶	۰	۵	۲	۶	۶	۹	۸	۱۲۰
قم	۱۳	۱۲	۳	۳	۱۷	۱۱	۲	۵	۱۰	۰	۲۳	۰	۱	۶	۲۰	۴	۴	۳	۱۳۷
کردستان	۷	۱۷	۹	۰	۲	۴	۶	۲۲	۳	۱	۳۶	۱	۱۰	۰	۱۰	۱	۵	۲	۱۳۸
کرمان	۱۵	۱۹	۶	۰	۲۲	۱	۵	۱۲	۵	۵	۷	۰	۷	۳	۱۹	۲	۴	۱۱	۱۴۳
کرمانشاه	۱۳	۲۰	۹	۰	۶	۱۶	۰	۱۵	۱۵	۲	۲۶	۲	۴	۳	۱۹	۶	۱۲	۶	۱۷۹
کهگیلویه و بویراحمد	۱	۱	۶	۰	۰	۷	۱	۴	۷	۱	۱۱	۳	۵	۱	۹	۲	۶	۰	۶۵
گلستان	۲	۳۶	۱۴	۱	۷	۲	۷	۱۴	۱۷	۲	۸۱	۵	۴۲	۱۳	۱۳	۲۱	۷	۶	۲۹۰
گیلان	۱۷	۱۸	۵	۲	۹	۲۱	۷	۱۵	۳	۰	۱۶	۰	۱۶	۹	۱۲	۱	۰	۳	۱۵۴
لرستان	۷	۷	۱۶	۰	۵	۶	۲۰	۱۳	۳	۱	۱۶	۰	۱۶	۹	۱۶	۱	۱۵	۰	۱۳۱
مازندران	۱۶	۲۰	۳	۳	۴	۳۵۳	۱۹	۷۳	۱۵	۵	۱۸	۱	۳۰	۵	۱۵	۱	۱	۰	۶۴۵
مرکزی	۱۰	۱۶	۳	۲	۶	۲۵	۷	۱۴	۹	۳	۲۶	۵	۱	۲۶	۷	۷	۴	۱۶	۱۷۳
هرمزگان	۳	۱۳	۶	۰	۲	۱۱	۲	۲	۹	۲	۵۷	۰	۵	۲	۱۴	۳	۳	۳	۱۳۷
همدان	۰	۸	۷	۵	۱۲	۲۱	۱۰	۲۲	۱۰	۲	۳۰	۲	۴	۵	۸	۳	۶	۱۰	۱۶۵
یزد	۸	۴۰	۱۲	۳	۷	۸	۱۲	۱۱	۱۴	۱	۵۳	۳	۱۳	۲۷	۶۳	۶	۵	۳	۲۹۵
کل کشور	۲۳۰	۶۳۸	۲۶۴	۴۰۳	۱۲۷۲	۳۰۱	۳۹۳	۶۸۰	۳۰۱	۹۰	۱۰۲۶	۶۳	۴۰۹	۳۰۹	۱۱۴۲	۱۶۱	۱۸۴	۳۳۰	۷۹۵۳
درصد کل	٪۳	٪۸	٪۳	٪۵	٪۱۶	٪۴	٪۹	٪۱۱	٪۱۵	٪۱	٪۱۳	٪۱	٪۵	٪۴	٪۱۴	٪۲	٪۴	٪۴	٪۱۰۰

۱. نتایج آمارگیری از سازمان‌های غیردولتی - مرکز آمار ایران ۱۳۸۳

## اعتماد اجتماعی ❖ ۸۵

در جدول شماره ۲ سازمان‌های غیردولتی بر حسب مرجع تصمیم‌گیری دسته‌بندی شده‌اند. این جدول و داده‌های آن شاهدهی است در راستای مطالبی که در مورد ابعاد اعتماد و روی‌کرد به تشکیل گروه‌های داوطلبانه گفته شد. لازم است پیش از پرداختن به اطلاعات جدول توضیحی درباره مراجع تصمیم‌گیری سازمان‌های غیردولتی و تفاوت‌های آن دو داده شود.

سازمان‌های غیردولتی از نظر اداره سازمان به سازمان‌های غیردولتی مبتنی بر مجمع عمومی و سازمان‌های غیردولتی مبتنی بر هیات امناء تقسیم می‌شوند.

### ۴-۱- سازمان‌های غیردولتی مبتنی بر مجمع عمومی

در این دسته از سازمان‌ها اعضای داوطلب در اداره سازمان (سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی) نقش اساسی ایفا می‌کنند. عالی‌ترین رکن این سازمان‌ها مجمع عمومی است که متشکل از کلیه اعضای سازمان است. در این نوع از سازمان‌ها - که از آن‌ها با عنوان سازمان‌های باز نیز یاد می‌شود - عضویت افراد در چارچوب اساسنامه آزاد است.

### ۴-۲- سازمان‌های غیردولتی مبتنی بر هیات امناء

عالی‌ترین رکن این سازمان‌ها، هیات مدیره و یا هیات امناء است. این قبیل از سازمان‌ها - که از آن‌ها با عنوان سازمان‌های بسته نیز یاد می‌شود - یا به‌طور محدود اقدام به پذیرش اعضای در هیات امناء می‌کنند، یا اقدام به پذیرش عضو نمی‌کنند و یا در صورت پذیرش اعضای داوطلب، آنان نقشی در اداره سازمان (سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی) ندارند.

۸۶ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

جدول شماره ۲: تعداد سازمان‌های غیردولتی برحسب بالاترین مرجع تصمیم‌گیری و استان<sup>۱</sup>

استان	کل	مجمع عمومی هیئت امنا	مجمع عمومی اعضا
کل کشور	۶۹۱۴	۴۱۴۷	۲۷۶۷
آذربایجان شرقی	۲۴۰	۱۲۶	۱۱۴
آذربایجان غربی	۱۷۷	۶۵	۱۱۲
اردبیل	۱۰۹	۶۳	۴۶
اصفهان	۹۴۸	۷۷۶	۱۷۲
ایلام	۱۲۴	۴۳	۸۱
بوشهر	۱۵۴	۶۸	۸۶
تهران	۱۱۱۴	۶۹۶	۴۱۸
چهارمحال و بختیاری	۱۶۶	۶۸	۹۸
خراسان	۴۶۰	۳۲۰	۱۴۰
خوزستان	۲۲۰	۱۴۳	۷۷
زنجان	۹۰	۲۵	۶۵
سمنان	۱۴۹	۱۰۶	۴۳
سیستان و بلوچستان	۱۰۶	۵۳	۵۳
فارس	۴۹۶	۳۱۸	۱۷۸
قزوین	۱۰۳	۲۶	۷۷
قم	۱۲۹	۹۲	۳۷
کردستان	۱۲۴	۲۱	۱۰۳
کرمان	۸۷	۵۵	۳۲
کرمانشاه	۱۵۳	۴۴	۱۰۹
کهگیلویه و بویراحمد	۵۹	۱۳	۴۶

۱. نتایج آمارگیری از سازمان‌های غیردولتی - مرکز آمار ایران ۱۳۸۳

## اعتماد اجتماعی ❖ ۸۷

استان	کل	مجمع عمومی هیئت امنا	مجمع عمومی اعضا
گلستان	۲۶۱	۶۶	۱۹۵
گیلان	۱۱۸	۵۶	۶۲
لرستان	۱۲۰	۹۸	۲۲
مازندران	۴۹۴	۴۱۴	۸۰
مرکزی	۱۶۹	۱۳۳	۳۶
هرمزگان	۱۲۹	۴۵	۸۴
همدان	۱۳۸	۵۹	۷۹
یزد	۲۷۷	۱۵۵	۱۲۲

با نگاهی به جدول شماره ۲ درمی‌یابیم که ۶۰ درصد از سازمان‌های غیردولتی به شیوه هیات امنایی اداره می‌شوند و این موضوع به این معنی است که غالب سازمان‌های غیردولتی کشور از نظر پذیرش عضو بسته هستند و غالباً توسط افرادی تشکیل شده است که بستگی خویشاوندی و دوستی با یکدیگر داشته‌اند. در مقایسه نسبت کمتری از سازمان‌های غیر دولتی توسط افرادی تشکیل شده است که نسبت خویشاوندی و دوستی با یکدیگر نداشته‌اند. به عبارت بهتر اعتماد به آشنایان باعث شده است که درصد قابل توجهی از تشکل‌های داوطلبانه متشکل از خویشاوندان و یا دوستان باشد. افراد ترجیح می‌دهند سازمانی را تشکیل دهند و یا در سازمانی عضو شوند که توسط خویشاوندان و یا دوستان‌شان تشکیل شده است؛ چرا که اعتماد بیش‌تری به آنان دارند. سازمان‌های غیردولتی مبتنی بر هیات امنا معمولاً در موضوع‌های خیریه‌ای و بشردوستانه، پولی و مالی و حمایتی فعالیت می‌کنند. بنابراین هنگامی که به نحوی امور پولی و مالی موضوع اصلی فعالیت یک سازمان داوطلبانه می‌شود عضویت پذیری سخت‌تر و محدود به افرادی می‌شود که کاملاً قابل اطمینان هستند، این افراد شامل اعضای خانواده، بستگان و دوستان است.

## ۸۸ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

در جمع‌بندی مطالب گفته شده می‌توان ادعا کرد که سازمان‌های داوطلبانه در ایران و به طور خاص سازمان‌های غیردولتی - با توجه به اسناد موجود - غالباً درون گروهی هستند تا برون‌گروهی. در این گونه سازمان‌ها افراد به یکدیگر اعتماد زیادی دارند اما اعتماد کمتری به سازمان‌های دیگر و افراد خارج از سازمان و گروه خود دارند. نیک می‌دانیم که سرمایه اجتماعی زمانی می‌تواند معنادار و سازنده باشد که در ارتباط بین گروه‌ها جاری باشد و نه صرفاً در میان اعضای یکایک گروه‌ها بدون تعمیم آن به سایر گروه‌ها.

### ۵- نتیجه‌گیری

اعتماد نقشی نادر در تعامل روزمره انسان‌ها در سطح فردی و اجتماعی بازی می‌کند. زندگی اجتماعی انسان‌ها آنان را وامی‌دارد تا برای گذراندن امور در سطوح مختلف با یکدیگر همکاری کنند. حتی نازل‌ترین سطوح تعامل افراد با یکدیگر سازوکاری از اعتماد را در خود دارد که ضرورتاً بازیگران به آن آگاه نیستند. اما زمانی می‌توانیم از اعتماد در سطح جامعه و میان مردم صحبت کنیم که به آثار ناشی از اعتماد در جامعه توجه کنیم. گفته می‌شود که اعتماد تسریع‌کننده حرکت اجتماعی است و در پرتو اعتماد است که توسعه در ابعاد گوناگون آن پدیدار می‌شود، چنین اعتمادی ضرورتاً باید از سطح بین فردی و درون گروهی به سطح بین گروهی و تعمیم‌یافته ارتقاء یافته باشد. اگر در جوامعی با ویژگی‌های مشترک سطوح مختلفی از توسعه وجود دارد باید به سطح اعتماد جاری در میان مردم و سازمان‌های مدنی، میان مردم و سازمان‌های دولتی و میان سازمان‌ها با یکدیگر و تعداد سازمان‌های مردمی برون‌گروهی و گستره فعالیت‌های آنان و آثاری که بر تولید سرمایه اجتماعی به مثابه موتور توسعه اقتصادی و اجتماعی دارند توجه کرد.



### فهرست منابع

۱. تاجبخش، کیان و همکاران، *اعتماد، دموکراسی و توسعه*، تهران: نشر شیرازه، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۲. رنای، محسن، کاهش سرمایه اجتماعی و ناکامی سیاست‌های اقتصادی در ایران، *ماهنامه آیین*، شماره ۶، اسفند ۱۳۸۵.
۳. شارع پور، محمود، ابعاد و کارکردهای سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن، *مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران*، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۸۳.
۴. فوکویاما، فرانسیس، *پایان نظم (پایان سرمایه اجتماعی و حفظ آن)*، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان چاپ اول، ۱۳۷۹.
۵. *مجموعه خلاصه مقالات همایش سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران*، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، اردیبهشت ۱۳۸۶.
۶. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:  
<http://www.moi.ir/Portal/File/ShowFile.aspx?ID=729faeac-9ff4-48e3-95ec-7fa595415029>
7. Grootaert, C. et al, (2004) Measuring Social Capital: An Integrated Questionnaire, WORLD BANK WORKING PAPER NO. 18, Washington DC: World Bank.



## اعتماد اجتماعی و خانواده

زهرة سمیعی\*

### چکیده

تأملی بر نظریه پردازی‌های اخیر در جامعه‌شناسی و همین‌طور سایر علوم اجتماعی نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی به مفهومی کلیدی در تحلیل‌های جامعه‌شناختی دو دهه اخیر تبدیل شده است (زتومکا، ۱۹۹۷). در حالی که برخی از جامعه‌شناسان آن را بخشی از مفهوم سرمایه اجتماعی و بدنه دانش آن تلقی می‌کنند (کلمن، ۱۳۷۷)، برخی دیگر موجودیت مستقلی برای آن قائل شده و تلاش می‌کنند مناسبات آن را با دیگر نهادها، مفاهیم و هستارهای اجتماعی تبیین کنند. این مقاله ضمن مرور کلی بر مفهوم پردازی اجتماعی درباره اعتماد اجتماعی به مثابه مفهومی جامعه‌شناختی، مناسبات آن را با مفهوم چند وجهی و نهاد اجتماعی مهمی مانند خانواده مورد بررسی قرار می‌دهد. برای نیل به اهداف مورد نظر، این مقاله در چهار بخش سازماندهی شده است. مقاله با جایگاه مفهوم اعتماد اجتماعی در بدنه دانش و ادبیات جامعه‌شناسی شروع می‌شود. بعد از آن، نگاهی اجمالی بر مفهوم خانواده در تحلیل‌های جامعه‌شناسی دارد. سپس وضعیت اعتماد و سطوح اعتماد در داخل

---

\* فارغ التحصیل کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

## ۹۲ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

خانواده مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت، مقاله با مباحث و نتیجه‌گیری‌هایی مربوط به مناسبات این دو مفهوم جامعه شناختی به پایان می‌رسد.

### **واژگان کلیدی**

اعتماد اجتماعی، گروه‌های نخستین، اعتماد فردی، خانواده، اجتماعی شدن، جهت‌گیری‌های فرهنگی، اعتماد بین شخصی و اعتماد به نهادها.

## مقدمه

در عمومی ترین تعریف، اعتماد به معنی مطمئن بودن درباره کنش‌های احتمالی دیگران در آینده است. در این رابطه، وقتی ما اعتماد می‌کنیم چنان است که گویی درمورد آینده آگاهی داریم. نشان دادن اعتماد، نوعی پیش بینی آینده است یعنی به نوعی رفتار می‌کنیم که گویی آینده، تعیین شده است (لوهمان، ۱۹۷۹: ۱۰).

مدتهاست که اهمیت اعتماد اجتماعی توسط نظریه پردازان اجتماعی و سیاسی، از جان لاک و توکوویل گرفته تا پاتنام و نظریه پردازان جامعه مدنی، مورد تأکید قرار گرفته است. برخی از متفکران همچون فوکو یاما، گیدنز معتقدند که اعتماد، بازتاب ارزیابی مردم از جهان بیرونی شان است، و از طریق تجربه‌های دست اول و ارتباط مستقیم فرد با دیگران برقرار می‌شود. دانشمندانی همچون توکوویل، دورکیم، زیمل و کولی معتقدند که بسیاری از منافع و آگاهی‌های اجتماعی از عضویت و مشارکت در گروه‌ها و بخصوص خانواده حاصل می‌شود، از این رو خانواده، مدرسه و محیط‌های شغلی احتمالاً فضاهای مهم‌تری برای ایجاد اعتماد هستند.

این محیط‌ها در سطح فردی، هنر سازش، تحمل و فداکاری و در سطح جمعی توانایی رابطه و همکاری با تیپ‌های اجتماعی گوناگون و مشارکت را

## ۹۴ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

می‌آموزند. چارلز کولی معتقد است که در گروه‌های نخستین<sup>۱</sup> بستر رشد احساسات و عواطف انسانی وجود دارد. در این گروه‌ها که، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین آنها خانواده است، شخص نابالغ و خود محور به تدریج با نیازها و آرزوهای دیگران همداستان می‌شود و خود را با مبادلات اجتماعی تطبیق می‌دهد. در این تبادلات است که فرد توانایی به جای دیگران گذاشتن خود را یاد می‌گیرد و آن را تقویت می‌کند (کوزر. لیویس، ۱۳۷۰: ۴۱۴).

اعتماد اجتماعی در سه عرصه خرد، کلان و میانه اتفاق می‌افتد. دکتر لهسای زاده می‌گوید: «در عرصه‌های خرد شکل‌گیری اعتماد اجتماعی، اول اعتماد فردی در روابط گروه‌های کوچک بین دو یا سه نفر به صورت انفرادی ایجاد می‌شود به طوری که وقتی دو نفر یا چند نفر با یکدیگر کنش متقابل دارند یا گروهی را تشکیل می‌دهند، افراد تک تک به یکدیگر اعتماد می‌کنند. در عرصه‌های میانه، اعتماد اجتماعی در سطح نهادهای محلی و ملی از طریق تلفن و به صورت غیر رسمی شکل می‌گیرد، در عرصه‌های کلان نیز، اعتماد اجتماعی در سطح بین‌المللی ایجاد می‌شود».

وی معتقد است: اعتماد در سطح خرد قابلیت گسترش و سرایت به سطوح بالاتر را دارد. انجام آموزش در سطح خانواده، از طریق وسایل ارتباط جمعی و نیز احترام به اقوام، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای آنان می‌تواند اعتماد اجتماعی را در بین افراد جامعه درونی کند. از طریق خانواده، بسیاری از مسائل و مفاهیم مرتبط با اعتماد اجتماعی به کودکان منتقل می‌شود. از طریق وسایل ارتباط جمعی به صورت مدرن امروزی افراد در جریان اجتماعی شدن قرار می‌گیرند که باید در این رابطه، یک نوع فرهنگ سازی انجام شود تا روند تقویت اعتماد اجتماعی بهبود یابد. در صورت احترام به اقوام، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای آنان نیز زمینه‌های ایجاد اعتماد اجتماعی گسترش پیدا می‌کند.

## اعتماد اجتماعی ❖ ۹۵

وی همچنین به عوامل تخریب کننده اعتماد اجتماعی در سطوح مختلف خرد، میانه و کلان اشاره می کند و می گوید در سطح خرد منفعت طلبی افراطی، اختلافات و کشمکش ها، مخرب اعتماد اجتماعی افراد را تضعیف می کند. از آنجا که انسان ها به طور ذاتی، منفعت طلب هستند، وقتی این منفعت طلبی حالت افراطی به خود بگیرد، افراد سعی می کنند با استفاده از روش های کاذب، سهم بیشتری از امکانات و منفعت را برای خود طلب کنند. در سطح میانه، موضوع رقابت های کاذب بین نهادها و مؤسسات مطرح می شود. در سطح کلان نیز، جاه طلبی کشورها عامل اصلی تخریب اعتماد اجتماعی محسوب می شود. به طوری که هر چه کشورها جاه طلبی بیشتری داشته باشند، دیگر کشورها نمی توانند به آنها اعتماد کنند.

### ۱- خانواده یکی از منابع اعتماد اجتماعی

خانواده به عنوان نهادی اجتماعی، هسته نخستین پیوند اجتماعی انسان را بنیان می نهد و با تأمین مجموعه ای از نیازهای انسانی، عهده دار نقش ها و کارکردهای ویژه ای است. مشارکت پذیری اعضای خانواده به عنوان نیاز اجتناب ناپذیر عصر ما، همه ابعاد انسانی را در سطوح مختلف فکری، عاطفی و رفتاری تحت پوشش قرار می دهد و در به ثمر رساندن اهداف خانواده حائز اهمیت است.

خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی نقش پایدار و تعیین کننده ای در شکل گیری رفتار و افکار و شخصیت افراد ایفا می کند. نحوه و ساختار تعامل فرد با دیگران و محیط اجتماعی تحت تأثیر تجاربی است که از محیط خانواده کسب شده است. بنابراین خانواده یکی از ساخت های قدرتمند جامعه است (خسروی، ۱۳۸۰).

## ۹۶ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

در همه فرهنگ‌ها، خانواده عامل اصلی اجتماعی شدن<sup>۱</sup> کودک در دوران طفولیت است. اجتماعی شدن فرایندی است که بوسیله آن از طریق تماس با انسان‌های دیگر، کودک ناتوان بتدریج به انسانی آگاه، دانا و ماهر در شیوه‌های رفتار به ویژه فرهنگ و محیط معینی تبدیل می‌شود. در جوامع امروزی، اجتماعی شدن پیش از همه در یک زمینه کوچک خانوادگی رخ می‌دهد. بعضی از کودکان در خانواده‌هایی پرورش می‌یابند که تنها یکی از والدین در آن حضور دارد. بعضی توسط دو مادر و یا دو پدر (پدر و مادر از هم جدا شده، ناپدری و نامادری) مراقبت می‌شوند. بخش اعظم زنانی که تشکیل خانواده داده‌اند اکنون در خارج از خانه به کار اشتغال دارند و به فاصله نسبتاً کمی بعد از تولد فرزندان‌شان به کار خود باز می‌گردند. با وجود این تفاوت‌ها، خانواده معمولاً یکی از عوامل عمده اجتماعی شدن از دوران کودکی تا نوجوانی و پس از آن است که بصورت یک سلسله مراحل پی در پی رشد و تکامل، نسل‌ها را به یکدیگر مربوط می‌سازد (گیدنز، ۱۳۷۶). منطقه و طبقه اجتماعی خانواده‌ای که فرد در آن متولد می‌شود بر الگوهای اجتماعی شدن به شدت تأثیر می‌گذارد. کودکان شیوه‌های رفتار ویژه پدر و مادرشان یا دیگران را در همسایگی یا اجتماع محلی شان فرا می‌گیرند. اهمیت خانواده در اجتماعی شدن کاملاً آشکار است؛ زیرا تجربه کودک و طفل بسیار خردسال کم و بیش منحصرأ در درون آن شکل می‌گیرد.

به عقیده «بورديو» جهت‌گیری‌های فرهنگی<sup>۲</sup> و یا عادات که در مراحل اولیه زندگی بطور ناخودآگاه آموخته می‌شود به سختی تغییر می‌کند و در شکل‌گیری پاسخ‌ها در تجربیات بعدی زندگی بسیار فعال عمل می‌نماید. کودکان عادات فرهنگی طبقاتی را از والدین خود آموخته و مسیر زندگی آنان را تعیین می‌نمایند. کودکان طبقه بالا، طبیعتاً همانند والدین خود، جامعه‌پذیر

---

1. socialization  
2. cultural orientation



## اعتماد اجتماعی ❖ ۹۷

شده و فرهنگ پایگاه بالاتر را که توسط سیستم آموزشی تجربی<sup>۱</sup> پاداش داده می‌شود به نمایش می‌گذارند و در طی مراحل مختلف مسئولیت‌های تحصیلی خود نمایان می‌سازند و همین مسأله سبب تراکم سرمایه فرهنگی آنان می‌شود. کسانی که مجهز به فرهنگ و تربیت پایگاه‌های اجتماعی بالاتری می‌باشند در کسب مشاغل موفق‌تر عمل می‌کنند (آزاده، ۱۳۷۸).

### ۲- اعتماد اجتماعی و خانواده: یک پیوند مبتنی بر ساخت و تکامل مشترک

یکی از جنبه‌های روابط اجتماعی، شرکت دادن دیگران در حل مسائل خصوصی است. در این میان نهاد خانواده همواره نقش اساسی را در این زمینه داشته است. به رغم تغییراتی که شکل خانواده در طول تاریخ داشته (از گسترده به هسته ای) و به تبع آن پاره‌ای از وظایف خانواده به نهادها و مؤسسات خارج از آن منتقل شده، اما همانند گذشته کارکرد عاطفی خود را حفظ کرده است. خانواده کانون مهر و محبت و تأمین‌کننده احساس امنیت و آرامش خاطر اعضای خود است. پس از خانواده، گروه‌های خویشاوندی و دوستان هر کدام نقش مشابهی در این زمینه دارند. بدین جهت «چارلز هورتون کولی» جامعه‌شناس آمریکایی در سال ۱۹۰۹ اصطلاح گروه‌های نخستین<sup>۲</sup> را برای سه گروه یاد شده و گروه‌های مشابه آن به کار برده و برای این دسته از گروه‌ها صفات مشترکی نظیر وفاداری، پیوستگی عاطفی، همکاری نزدیک و روابط دوستانه قائل شد. کولی گروه‌های نخستین را در مقابل گروه‌های ثانوی<sup>۳</sup> قرار داده و به اعتقاد او این گروه‌ها (نظیر افرادی که در یک اداره کار می‌کنند) حالت رسمی داشته و ارائه‌کننده احساس صمیمیت و همبستگی زیادی به افراد نیستند.

---

1. Empirical education system  
2. primary group  
3. secondary group

## ۹۸ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

نظر به اهمیتی که جامعه‌شناسان برای گروه‌های نخستین به ویژه نهاد خانواده که کوچک‌ترین واحد اجتماعی است و اولین پایه‌های اجتماعی شدن افراد در آنجا پی‌ریزی می‌شود، در برقراری روابط متقابل انسانی با جامعه وسیع‌تر قائل هستند، شناخت میزان پیوستگی بین افراد این گروه‌ها اهمیت بسزایی دارد. یکی از شاخص‌های مهم برای پی بردن به این میزان، شناخت فرد مورد اعتماد (شخص مرجع) پاسخ‌گویان برای طرح مسائل خصوصی است (محسنی: ۱۳۸۲: ۴۳-۴).

طبق نتایج پژوهش مشارکت اجتماعی در ایران در سنین اولیه جوانی پدر و مادر اولین مرجعی هستند که جوانان مسائل خصوصی خود را با آنان در میان می‌گذارند و پس از آن به ترتیب دوستان، همسر، خواهر و برادر، سایر بستگان و در نهایت فرزند قرار دارند. با افزایش سن از نقش مشورتی والدین و دوستان به طور قابل توجهی کاسته شده و در بالاترین گروه سنی (۵۵ ساله و بیشتر) به حداقل خود می‌رسد. چنین کاهش در مورد خواهر و برادر نیز مشاهده می‌شود. در مقابل نقش مشورتی همسر و فرزندان افزایش یافته و در بالاترین گروه سنی به حداکثر خود می‌رسد.

نتایج پژوهش فوق نشانگر این واقعیت است که در مجموع، خانواده به عنوان کوچک‌ترین و اساسی‌ترین واحد اجتماعی هنوز مورد اعتماد اعضای خود است و افراد در مواقع ضروری شخص مرجع خود را از داخل آن برمی‌گزینند. عبارت دیگر خانواده هنوز نقش عاطفی خود را دارا می‌باشد.

همسر برای ازدواج کرده‌ها و پدر و مادر برای ازدواج نکرده‌ها اهمیت خاصی در مرجع بودن دارند. نقش نسبتاً ناچیز سایر بستگان و اهمیت کمتر خواهر و برادر در مقایسه با دوستان همه از نتایج اجتناب‌ناپذیر هسته‌ای شدن خانواده است.

تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که اعتماد اجتماعی تحت تاثیر عوامل متفاوتی چون رشد اقتصادی، اعمال قانون، ارزیابی دولت و دستگاه‌های دولتی،

## اعتماد اجتماعی ❖ ۹۹

رواج فساد در جامعه، تحصیلات و میزان جرائم و خشونت‌ها است (Knack, 2002, Uslaner, 2002).

صاحب‌نظران و متفکرین اجتماعی همچون گیدنز، فوکویاما و پاتنام معتقدند که اعتماد در جامعه و درون گروه‌ها شکل می‌گیرد. این صاحب‌نظران در ایجاد اعتماد نقش بالایی را برای خانواده قائل هستند، اما سوالی که در نزد صاحب‌نظران مطرح شده این است که آیا اعتماد قابلیت سرایت و انتقال را دارد یا اینکه بر اساس ارزیابی از شرایط ایجاد می‌شود. روان‌شناسان اجتماعی معتقدند نگرش‌ها، طرز تلقی‌ها و ارزیابی‌ها قابلیت انتقال و گسترش را دارند. در واقع بدبینی و خوشبینی والدین قابلیت انتقال به فرزندان را هم دارد. بر این اساس می‌توان گفت: اعتماد اجتماعی به‌عنوان نوعی از وجهه نگرش و شخصیت فرد می‌تواند بین نسل‌ها و افراد انتقال یابد. اثرات نابرابری اقتصادی روی اعتماد سابقه طولانی دارد.

اعتماد دو بعد دارد، یکی اعتماد بین شخصی<sup>۱</sup> و دیگری اعتماد به نهادها.<sup>۲</sup> اعتماد بین شخصی نشانگر روابط میان اشخاص در سطح خرد و روابط و زندگی روزمره و حاکی از اعتماد تعمیم یافته<sup>۳</sup> مردم است، در حالی که اعتماد به نهادها مربوط به اعتماد به سیاست‌ها، دولت و سازمان‌های دولتی است که وظیفه خدمات رسانی به مردم را بر عهده دارند.

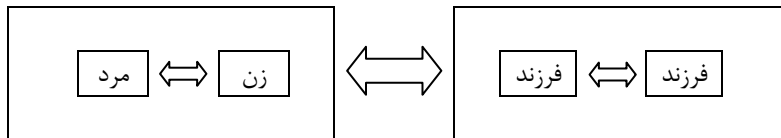
جیمز کلمن معتقد است در روابط اعتمادی حداقل دو طرف وجود دارد؛ یکی اعتمادکننده و دیگری امین یا اعتماد شونده (کلمن، جیمز، ۱۳۷۷: ۱۵۲)، لذا در تحلیل اعتماد در خانواده باید به این دو سطح توجه کرد. از این‌رو اعتماد در داخل خانواده‌ها را می‌توان در ابعاد مختلف تصور کرد. اعتماد زن و شوهر به

- 
1. Interpersonal Trust
  2. Trust in Institutions
  3. Generalized trust

## ۱۰۰ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

هم، اعتماد والدین به فرزندان، اعتماد فرزندان به والدین و اعتماد فرزندان به یکدیگر.

### روابط اعتمادی در خانواده



در پیمایش ملی که در سال ۱۳۷۹ در کشور صورت گرفت، رفتارها و روابط خانوادگی مردم مورد ارزیابی قرار گرفت. سؤالات مربوط به این ارزیابی عبارت بودند از:

- ۱- معمولاً هرچند وقت یک بار با اعضای خانواده خود مشورت و هم‌فکری می‌کنید؟
- ۲- معمولاً هرچند وقت یک بار با اعضای خانواده خود درد و دل می‌کنید؟
- ۳- معمولاً هرچند وقت یک بار با اعضای خانواده خود اختلاف و بگومگو پیدا می‌کنید؟

در ذیل به نحوه پاسخ‌گویی مردم به این سوالات پرداخته می‌شود.

### جدول شماره ۱: مشورت و هم‌فکری با اعضای خانواده

ردیف	مقدار	تعداد	درصد
۱	کم	۲۰۳۳	۱.۱۲
۲	متوسط	۵۲۵۹	۳.۳۱
۳	زیاد	۹۵۱۰	۶.۵۶
۴	جمع	۱۶۸۰۲	۱۰۰

## اعتماد اجتماعی ❖ ۱۰۱

همان‌گونه که در جدول مشخص است ۵۶/۶ درصد پاسخ‌گویان خیلی زیاد با اعضای خانواده خود مشورت می‌کنند. این شاخص نشان‌دهنده این است که اعضای خانواده همدیگر را به‌عنوان فردی مورد اعتماد و وثوق قبول دارند و از یکدیگر در مواقع بروز مشکلات کمک و همفکری می‌گیرند. اگر نحوه پاسخ‌گویی به این سوال را در میان گروه‌های سنی مورد توجه قرار بدهیم نکات بیشتری را متوجه می‌شویم.

### جدول شماره ۲: توزیع مشورت و هم‌فکری با اعضای خانواده در میان گروه‌های سنی

ردیف	سن	جوانان (۱۵-۲۹)		بزرگسال (۳۰-۴۹)		۵۰ به بالا	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	کم	۱۱۷۷	۱۴/۳	۵۳۱	۸/۸	۳۵۳	۱۲/۹
۲	متوسط	۲۷۰۰	۳۲/۸	۱۷۹۱	۲۹/۷	۸۳۵	۳۰/۵
۳	زیاد	۴۳۵۶	۵۲/۹	۳۷۱۰	۶۱/۵	۱۵۴۹	۵۶/۶
۴	جمع	۸۲۳۳	۱۰۰	۶۰۳۲	۱۰۰	۲۷۳۷	۱۰۰

براساس نتایج به دست آمده جوانان و افراد مسن نسبت به بزرگسالان کمتر مشورت می‌کنند. کلمن معتقد بود که در هر رابطه اعتمادی دو طرف وجود دارد، اعتمادکننده<sup>۱</sup> و اعتماد شونده<sup>۲</sup> و اگر جوانان کم مشورت می‌کنند شاید بخاطر این است که کمتر مورد مشورت قرار می‌گیرند، چون کم مورد مشورت قرار می‌گیرند کمتر هم از دیگران مشورت می‌گیرند. یک دلیل دیگر این است که در مورد جوانان شاید این ویژگی مقتضی سن آنها باشد، اما در

- 
1. Truster
  2. Trusted

## ۱۰۲ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

افراد بالای ۵۰ سال سن چه می‌توان گفت؟ اگر یک گروه سنی کمتر مورد مشورت قرار می‌گیرد گروه سنی دیگر کمتر مشورت می‌کند. مشورت و هم‌فکری کردن یک رفتار است که افراد باید آموزش آنرا در داخل خانواده و گروه‌های نزدیک و صمیمی خود ببینند. اگر این آموزش‌ها را در این سنین دریافت نکنند در بزرگسالی نیز کمتر به این رفتار اقدام می‌کنند.

جدول شماره ۳: درد و دل کردن با اعضای خانواده

ردیف	مقدار	تعداد	درصد
۱	کم	۱۹۴۷	۲۳/۵
۲	متوسط	۵۵۰۹	۳۲/۸
۳	زیاد	۹۳۴۱	۴۳/۷
۴	جمع	۱۶۷۹۷	۱۰۰

دردِ دل کردن یک رفتار خصوصی و فردی است که در میان افراد نزدیک و صمیمی، به ویژه اعضای خانواده انجام می‌شود و نشانه میزان صمیمیت و دوستی میان افراد است. هر فردی نیاز دارد که با فرد یا افرادی گفتگو کند. این گفتگو موجب کاهش اضطراب‌ها، دل‌نگرانی‌ها و تشویش‌های درونی افراد می‌گردد. عبارت دیگر هر فرد نیاز به یک سنگ صبور دارد تا با آن راز و نیاز کند. همان‌گونه که در جدول شماره ۳ مشخص است ۲۳/۵ درصد از مردم با خانواده خود کم و نزدیک به ۴۳ درصد زیاد درد دل می‌کنند. نزدیک به ۳۳ درصد هم تا حدی این رفتار را انجام می‌دهند.

اگر این رفتار را در میان گروه‌های سنی بررسی کنیم مطالب بیشتری را متوجه می‌شویم. جدول شماره ۴ این توزیع را نشان می‌دهد.

### اعتماد اجتماعی ❖ ۱۰۳

#### جدول شماره ۴: توزیع رفتار درد دل کردن با اعضای خانواده در

##### میان گروه‌های سنی

ردیف	سن / درد دل	جوانان (۱۵-۲۹)		بزرگسال (۳۰-۴۹)		۵۰ به بالا	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	کم	۲۳۹۵	۲۹/۱	۱۰۳۷	۱۷/۲	۵۴۸	۲۱/۶
۲	متوسط	۲۶۱۷	۳۱/۸	۲۰۱۴	۳۳/۴	۸۵۷	۳۳/۸
۳	زیاد	۳۲۱۹	۳۹/۱	۲۹۷۹	۴۹/۴	۱۱۳۱	۴۴/۶
۴	جمع	۸۲۳۱	۱۰۰	۶۰۳۰	۱۰۰	۲۵۳۶	۱۰۰

بر اساس نتایج به دست آمده نزدیک به ۶۱ درصد جوانان، ۸۳ درصد از بزرگسالان و ۷۸ درصد افراد مسن این رفتار را تا حد متوسط و زیادی انجام می‌دهند. اما نزدیک به ۲۰ درصد از هر یک از گروه‌های سنی این رفتار را کم انجام می‌دهند که این نسبت در میان گروه سنی جوانان بیش از سایر گروه‌ها است. از لحاظ آماری میان سن و میزان انجام این رفتار رابطه معنی‌داری وجود دارد. این حاکی از آن است که این نوع رفتار با سن افراد رابطه دارد. براساس آمار ارائه شده در جدول شماره ۴ این استنباط را می‌توان نمود که جوانان و افراد مسن در کشور ما (کسانی که باید بیشتر از همه این رفتار را انجام دهند) کمتر با اعضای خانواده خود درد و دل می‌کنند.

#### جدول شماره ۵: بگو مگو و اختلاف پیدا کردن با اعضای خانواده

ردیف	مقدار	تعداد	درصد
۱	هیچ و خیلی کم	۱۱۱۰۳	۶۶/۱
۲	متوسط	۴۲۵۰	۲۵/۳
۳	زیاد	۱۴۴۴	۸/۶
۴	جمع	۱۶۷۹۷	۱۰۰

#### ۱۰۴ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

قطب مخالف و متضاد اعتماد داشتن در داخل خانواده‌ها بی اعتمادی و رواج اختلاف و درگیری است. همان‌گونه که از نتایج جدول شماره ۵ مشخص است ۸/۶ درصد از مردم تا حد زیاد و ۲۵/۳ درصد در حد متوسطی با اعضای خانواده درگیری دارند. بعبارت دیگر برای نزدیک به ۳۰ درصد مردم زمینه بی اعتمادی و بدبینی نسبت به اعضاء خانواده وجود دارد.

برای اینکه بررسی کنیم این ۳۰ درصد در کدام گروه‌های سنی قرار دارند توزیع سنی افراد پاسخ‌گو داده به این سوال در جدول ۶ نشان داده شده است.

#### جدول شماره ۶: توزیع رفتار اختلاف داشتن با اعضای خانواده

##### در میان گروه‌های سنی

ردیف	سن	جوانان (۱۵-۲۹)		بزرگسال (۳۰-۴۹)		۵۰ به بالا	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	کم‌وهیج	۵۱۲۰	۶۲/۲	۴۱۱۲	۶۸/۲	۱۸۶۴	۷۳/۵
۲	متوسط	۲۲۵۵	۲۷/۴	۱۴۸۳	۲۴/۶	۳۱۳	۲۰/۴
۳	زیاد	۸۵۶	۱۰/۴	۴۳۵	۷/۲	۳۵۹	۶/۱
۴	جمع	۸۲۳۱	۱۰۰	۶۰۳۰	۱۰۰	۲۵۳۶	۱۰۰

براساس نتایج به دست آمده برای بیش از ۶۰ درصد مردم در این زمینه مشکلی وجود ندارد. فقط برای ۱۰/۴ درصد جوانان، ۷/۲ درصد بزرگسالان و ۶/۱ درصد افراد مسن این وضعیت بسیار شدید است. بعبارت دیگر زمینه بی اعتمادی در آنها زیاد است. از لحاظ آماری میان سن افراد و اختلاف و بگو مگو کردن با اعضای خانواده رابطه معنی‌داری وجود دارد. این رابطه، رابطه منفی است؛ به این معنی که با کاهش سن میزان اختلاف بیشتر می‌شود.

همان‌طور که در سه سوال بالا مشخص بود بیش از ۶۵ درصد مردم با خانواده خود در سطح بسیار کم و خیلی کم اختلاف داشته، ۵۶ درصد خیلی با



## اعتماد اجتماعی ❖ ۱۰۵

هم گفتگو کرده و ۴۴ درصد زیاد با هم درد و دل می‌کنند و ۸/۶ درصد مردم اختلاف زیادی با خانواده خود دارند، این آمار می‌تواند نشان‌دهنده تصور بی‌اعتمادی نسبت به اعضای خانواده باشد. در سوالی دیگر بطور مستقیم از افراد سوال می‌شود که اعضای خانواده خود را تا چه حد قابل اعتماد می‌دانید. پاسخ‌های ارائه شده به این سؤال نیز تأییدکننده نظرات ما است.

جدول شماره ۷: اعتماد داشتن به اعضای خانواده

ردیف	مقدار	تعداد	درصد
۱	کم	۳۰۲	۱/۸
۲	متوسط	۱۶۳۰	۹/۷
۳	زیاد	۱۴۸۶۹	۸۸/۵
۴	جمع	۱۶۸۰۱	۱۰۰

همان‌گونه که از نتایج مشخص است ۱۱/۵ درصد از مردم در حد کم و متوسطی به اعضای خانواده خود اعتماد دارند.

## ۳- نتیجه‌گیری

ما در خانواده بدنیا می‌آییم، رشد پیدا می‌کنیم و می‌میریم. در خانواده است که با دنیای اطراف خود آشنا می‌شویم، به شناختی از آن می‌رسیم و قدرت برخورد و تغییر در آن را می‌یابیم. در خانواده افکار و روحیات ما شکل می‌گیرد. بنا به گفته روانشناسان رشد بیش از ۶۰ درصد شخصیت کودک در پنج سال اول سن اوشکل می‌یابد؛ و شخصیت اساسی<sup>۱</sup> افراد در سنین نوجوانی ۱۸-۱۴ در داخل خانواده شکل می‌یابد. در خانواده است که اعتماد در میان افراد شکل می‌گیرد و به گروه‌ها و افراد دیگر توسعه پیدا می‌کند. با توجه به اهمیتی که

## ۱۰۶ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

خانواده در ایجاد و تداوم اعتماد دارد، وقتی ۱۰ درصد اعضاء خانواده به هم اعتماد کمی داشته باشند نسبت به مردم دیگر چگونه اعتماد پیدا می‌کنند. رابطه، زمانی برقرار می‌شود که اعتماد وجود داشته باشد، در صورت نبود اعتماد رابطه‌ای هم وجود نخواهد داشت. تداوم جامعه، پویایی و بالندگی آن در گرو رابط گسترده و وسیع میان مردم است. در صورتی که مردم به هم بی اعتماد باشند رابطه‌ای شکل نمی‌گیرد و جامعه در بلند مدت دچار بحران‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌شود.

در سال ۱۳۷۹، ۱۰ درصد مردم نسبت به خانواده خود کم اعتماد بودند. قبلاً هم گفته بودیم که اعتماد حالت انتقالی دارد و می‌تواند به دیگران و یا گروه‌های دیگر منتقل شود. در سال ۱۳۸۲ در موج دوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها از مردم سوال می‌شود بطور کلی فکر می‌کنید مردم تا چه حد قابل اعتماد هستند؟ پاسخ مردم به این سوال در جدول ذیل آمده است.

جدول شماره ۸: اعتماد داشتن به مردم

ردیف	مقدار	تعداد	درصد
۱	کم	۱۲۷۷	۲۸/۸
۲	متوسط	۲۵۲۷	۵۶/۹
۳	زیاد	۶۳۷	۱۴/۳
۴	جمع	۴۴۴۱	۱۰۰

همان‌طور که در جدول شماره ۸ آمده است ۲۸/۸ درصد مردم اعتماد کمی به یکدیگر دارند، ۵۶/۹ درصد اعتمادی در حد متوسط و فقط ۱۴/۳ درصد اعتماد بالایی نسبت به یکدیگر داشته‌اند. زمانی که نزدیک به ۲۹ درصد مردم یک جامعه نسبت به هم بی‌اعتماد باشند باید منتظر عواقب آن بر جامعه و مسئولین بود؛ چرا که این وضعیت باعث ایجاد بحران‌های سیاسی و اجتماعی همانند اعتراضات، بی‌توجهی به قوانین و زیر سوال بردن مشروعیت نظام

## اعتماد اجتماعی ❖ ۱۰۷

می‌شود. بنظر می‌رسد علت این وضعیت نوعی از بی‌اعتمادی است که اعضاء در داخل خانواده خود با آن روبرو بوده‌اند و یا آن را تجربه کرده‌اند. وقتی که فردی به نزدیک‌ترین فرد خویش بی‌اعتماد باشد چگونه می‌تواند به دیگران، دوست، آشنا و همکار اعتماد کند و با آنها روابط پایدار برقرار کند.

از این‌رو اگر می‌خواهیم جامعه‌ای با اعتماد داشته باشیم، باید به محیط‌های خانواده توجه بیشتری داشته باشیم و شرایط لازم برای کاهش اضطراب‌ها و دل‌نگرانی‌ها و افزایش ایجاد حس اطمینان و آرامش را میان اعضاء آن ایجاد کنیم.

### فهرست منابع

۱. آزاده، منصوره اعظم، ناسازگاری پایگاهی، *پایان نامه دکتری*، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸.
۲. اعزازی، شهلا، *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۰.
۳. چلبی، مسعود، *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نشر نی، ۱۳۸۴.
۴. خسروی، زهره، *نقش خانواده در ارتقاء فرهنگ کار*، دفتر امور فرهنگی و امور بین‌الملل وزارت کار و امور اجتماعی، ۱۳۸۰.
۵. زتومکا، پیوتر، *اعتماد یک نظریه جامعه‌شناختی*، ترجمه فاطمه گلابی، تهران: چاپ افست اتحاد، ۱۳۸۴.
۶. فوکویاما، فرانسیس، *پایان نظم*، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات حکایت قلم نوین، ۱۳۸۵.
۷. کوزر، لوییس، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۰.
۸. گیدنز، آنتونی، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
9. Humer, J. & G. Spitze(1988) Trends in Family Sociology, In: Smelser, N. (ed.) Handbook of Sociology, Newbury Park, CA: Sage Publications, Pp. 425-448.
10. [http:// www. porseman. net](http://www.porseman.net)
11. International political science review (2001) Vol 22, No 2, 201\_214
12. Knack, Stephen and Paul J. Zak. 2002. Building Trust: Public Policy, Interpersonal
13. Trust, and Economic Development. Supreme Court Economic Review, vol. 10, pp. 91-107.
14. Uslaner, Eric M. 2002. The Moral Foundations of Trust. Cambridge (UK): Cambridge University Press.

## اعتماد اجتماعی و آموزه‌های دینی

طاهر شریفی\*

### چکیده

هر چه ارزش‌های دینی، فرهنگی و اخلاقی تقویت شده باشد رفتار افراد پیش‌بینی پذیرتر است؛ چرا که افراد در چارچوب قواعد خاصی رفتار می‌کنند، بنابراین قابلیت اعتماد افراد بیشتر است و مناسبات اجتماعی روان‌تر و کم‌هزینه‌تر صورت می‌گیرد. اما نکته اصلی این جاست که در دوران تضعیف اعتماد اجتماعی، ارزش‌های اخلاقی - دینی هم به طور همزمان تنزل پیدا می‌کنند و وقتی برخی از ارزش‌های اساسی کاهش پیدا کرد به طور طبیعی سایر ارزش‌ها نیز کاهش و سقوط می‌کنند. یکی از کارکردهای مهم دین در طول تاریخ ایجاد اعتماد و اطمینان اجتماعی بوده است که در دوران گذار تضعیف می‌شود. اما این تضعیف پیش از اینکه ارزش‌های مدرن جایگزین بشود صورت می‌گیرد. پس در دوران گذار ارزش‌های دینی و سنتی کاهش پیدا می‌کنند در حالی که

---

\* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی.

## ❖ ۱۱۰ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

هنوز ارزش‌های دنیای مدرن جایگزین آن نشده است که این امر زمینه‌ساز تضعیف اعتماد اجتماعی می‌شود.

### **واژگان کلیدی**

اعتماد اجتماعی، آموزه‌های دینی، رذایل اخلاقی، اخلاق پروتستان، رویکرد درون دینی و رویکرد برون دینی.

## مقدمه

اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، خود تحت تأثیر و تابعی از متغیرهای متعدد و گوناگونی می‌باشد. تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی نسبت به گروه‌ها و اقشار مختلف دارای تفاوت‌های معناداری است، میزان اعتماد به اقشار و گروه‌ها در شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مختلف و حتی در زمان‌های مختلف نیز تغییرات معناداری را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup> از مجموعه بررسی‌های به عمل آمده می‌توان استنباط نمود:

- ۱- اعتماد اجتماعی تابعی است از مؤلفه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی.
- ۲- میزان اعتماد اجتماعی در شرایط و زمان‌های مختلف تفاوت معناداری را نشان می‌دهد.
- ۳- میزان اعتماد اجتماعی نسبت به اقشار و گروه‌های مختلف تفاوت معناداری را نشان می‌دهد.
- ۴- میزان اعتماد اجتماعی نسبت به اقشار و گروه‌های مختلف از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است.

---

۱. پژوهش‌های ارزش‌ها و نگرش‌ها - سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲.

## ۱۱۲ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

۵- میزان اعتماد اجتماعی نسبت به هر قشر و گروهی بستگی به وجهه، سابقه و کارکرد اجتماعی آن در شرایط و زمان‌های مختلف دارد.

۶- میزان اعتماد اجتماعی نسبت به هر قشر و گروهی بستگی به وجهه نظر و اعتقادات مردم و نوع نگرش آنها به اقشار و گروه‌های مختلف دارد.

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی نسبت به اقشار و گروه‌هایی که به نحوی به نهادهای فرهنگی، آموزشی و دینی ارتباط دارند در مقایسه با اقشار دیگر افزون‌تر است. ریشه این امر را باید در مؤلفه‌های اعتمادسازی جستجو کرد که از یک طرف با آموزه‌های دینی و از طرف دیگر با اعتقادات و باورهای عمومی در ارتباطی نزدیک هستند. از جمله این مؤلفه‌ها می‌توان به صداقت، امانت‌داری، وفای به عهد، سلامت روحی و روانی، خیرخواهی نسبت به دیگران، ثبات در نظر و رفتار، ترجیح امور معنوی به مادی، پرهیز از سودجویی و خیانت و دوری از سایر رذایل اخلاقی که تجمع تعدادی از این مؤلفه‌ها در هر فردی موجب شکل‌گیری منزلت و وجهه اجتماعی بالایی برای او خواهد شد، اشاره نمود.

همان‌گونه که اشاره شد این مؤلفه‌ها از نظر افراد جامعه موجب اعتماد به افراد واجد آنها می‌گردد. احراز این صفات نزد واجدین آنها به سه طریق صورت می‌گیرد:

- ۱- از طریق شناخت شخصی و تعامل نزدیک؛
- ۲- اشتهار اجتماعی که در اثر کثرت تعامل ایجاد می‌گردد؛
- ۳- قرار گرفتن در گروه، قشر یا نهاد اجتماعی خاص، مانند معلمان، و اساتید، روحانیون، اعضای گروه‌های خیریه، پزشکان، حسابداران، سازمان‌های غیردولتی و عام‌المنفعه، پلیس، مأموران راهنمایی و رانندگی و غیره.



## اعتماد اجتماعی ❖ ۱۱۳

در تحلیل جامعه‌شناختی موضوع، گفتنی است که نقش آموزه‌های دینی، نقشی دوجانبه است. کسانی که به طور شخصی یا اجتماعی با آموزه‌های دینی ارتباط دارند، هم مورد اعتماد هستند و هم اعتماد بیشتری به دیگران می‌کنند. با وجود وقایع تاریخی کاهش‌دهنده موقعیت اجتماعی نهاد دینی مسیحیت «کلیسا» و شکل‌گیری ادبیات جهت‌دار مخالف روحانیت مسیحی، هنوز هم نهاد دینی، نهادی مورد احترام و وابستگان به آن افرادی مورد اعتماد هستند. پیدایش جنبش پروتستانتیسم در این زمینه حائز اهمیت ویژه‌ای است. از نظر جامعه‌شناسان دین و دین‌شناسان معاصر اگرچه کاتولیسیسم در کوتاه‌مدت در چالش با پروتستانتیسم میزان قابل توجهی از اعتبار و وجهه خود را ازدست داده اما در بلندمدت از نتیجه مثبت ترمیم احساسات عمومی نسبت به دین توسط این جنبش به سهم خود بهره‌مند گردیده است.

ماکس وبر معتقد است اخلاق پروتستان در شکل‌گیری روحیه سرمایه‌داری از طریق افزایش اعتماد به جنبه اقتصادی آموزه‌های دینی پروتستانتیسم تأثیر بسزایی داشته است. آنجا که فعالیت برای کسب درآمد به هر شکل واجد ارزش دینی تلقی می‌گردد و حتی از آن به‌عنوان «تکلیف» یاد می‌شود، فعالان اقتصادی از این حیث که عاملان به تکلیف الهی هستند، قشر و گروه قابل اعتمادی محسوب می‌شوند. تأکید بر این مسئله آنقدر جدی و شدید است که فقط کسانی شایسته آموزش ابدی و خلاصی از عذاب اخروی هستند که در حال انجام تکلیف یعنی فعالیت شدید اقتصادی برای کسب و افزایش درآمد از دنیا باشند. این مولفه اخلاقی پروتستانتیسم با توصیه‌های خاص روحیه سرمایه‌داری ملازمه دارد. آنجا که گفته می‌شود کسی که صدای چکش کارگاهش به گوش می‌رسد نباید از طلبکاران واهمه‌ای داشته باشد و یا اینکه کسی که به شدت کار می‌کند می‌توان روی سرمایه و ثروت دیگران به‌عنوان سرمایه خودش حساب کند.

همان‌طور که از جملات اخیر استنباط می‌شود، اعتماد اجتماعی در جامعه پروتستان در زمینه اقتصادی ریشه در آموزه‌های دینی این مذهب مسیحی دارد.

### ۱- اعتماد اجتماعی در بستر آموزه‌های دینی اسلام

در بررسی آموزه‌های دینی اسلام، می‌توان از دو رویکرد درون‌دینی (دین‌شناسی) و رویکرد برون‌دینی (جامعه‌شناسی) استفاده کرد.

#### ۱-۱- رویکرد درون‌دینی (دین‌شناسی)

در این رویکرد آموزه‌های دینی منبعث از متون دینی از جمله:

۱- قرآن به‌عنوان اساسی‌ترین و معتبرترین متن دینی اسلام،  
۲- متون فقهی شامل منابع اصلی فقه و رساله‌ها و تألیفات فقیهان و صاحب‌نظران،

۳- متون اخلاقی شامل آثار و اقوال شخصیت‌های برجسته دینی همچون نهج‌البلاغه حضرت علی (ع)، نهج‌الفصاحه، صحیفه سجادیه، کتب دعا و مناجات، کتب خودسازی و مراقبات و غیره است.

در رویکرد درون‌دینی نقطه عزیمت، آموزه‌های دینی است. قرآن کتاب آسمانی مسلمانان مجموعه‌ای جامع و کامل از آموزه‌های اخلاقی است که بدون دخالت انسان بر پیامبر اسلام وحی شده است. این کتاب مؤید محتوای وحی خداوند به پیامبران پیشین است. امتیاز آشکار و تفاوت عمده و بارز این کتاب «نهایی بودن» آموزه‌های آن است که در متون قبلی چنین ویژگی وجود نداشته است. «نهایی بودن» مفهومی است که فقط از جانب خداوند خالق جهان و مالک همه کمال‌ها و دانش‌ها و توانمندی‌ها قابل طرح و پذیرفتنی است. در این مفهوم نکته بسیار عظیمی نهفته است و آن اینکه هیچ‌گاه دانش و تمدن بشری بجایی نخواهد رسید که بتواند حتی کوچک‌ترین بخشی از مدعیات این کتاب را

نقض نماید. پس نهایت همه فضیلت‌های انسانی در این کتاب آمده و کسب آنها به همه مؤمنان توصیه شده است. در این کتاب انسان کامل با صفت «تقوی» تعیین یافته و تعریف شده است. «تقوی» صفتی است که جوهر و اساس همه فضیلت‌ها را در خود گنجانده است. از نظر خداوند کامل‌ترین و کریم‌ترین انسان‌ها، با تقواترین آنهاست. «ان اکرمکم عندا. . . اتقیکم» این آموزه دینی ریشه و اصل همه صفاتی است که موجب اعتماد می‌شود. انسان باتقوا کسی است که از همه رذایل اخلاقی مبرا است، بنابراین مورد اعتماد همه است. او تنها مخاطب اصلی قرآن است، آنجا که هدایت هدف و مقصد باشد. «ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین» پس این کتاب برای متقین، کتاب هدایت است.

#### ۲-۱- متقین دارای سه صفت اصلی و عمده هستند:

- ۱- ایمان به غیب «الذین یؤمنون بالغیب»
  - ۲- برپادارنده نماز «الصلواه»
  - ۳- انفاق‌کننده از روزی خویش به دیگران «رزقناکم ینفقون»
- یعنی انسان‌هایی با ایمان، ایمان به آنچه که علم و آگاهی آنها نمی‌تواند راهی به آن داشته باشد. ایمان به جهانی برتر، کامل‌تر و دور از دسترس و توانایی بشری برای دخل و تصرف در آن. نتیجه این ایمان پذیرش ضعف و نقصان بشری و اعتقاد به قدرت و اراده‌ای برتر و جهانی دیگر است. بنابراین چنین انسان‌هایی هیچ‌گاه عصیان نمی‌کنند و خود را برتر از دیگران نمی‌دانند و به خود اجازه سلطه‌طلبی به دیگران نمی‌دهند. این انسان‌ها برای اینکه دچار وسوسه شیطانی نشوند و مرتکب گناه و اعمال زشت نگردند، نماز برپا می‌دارند که نماز آنها را از ارتکاب به اعمال زشت و گناهان باز می‌دارد. «ان الصلواه تنهی عن الفحشاء و المنکر». اما این انسان‌ها در این حد نمی‌مانند و برای اثبات ایمان و مقاومت در مقابل گناه باید آماده عمل سنگین دیگری باشند که به

منزله امتحان بزرگی است و قبولی در آن مهر تأییدی است بر آن مقدمات و آن همانا بخشیدن از مال و روزی است که خداوند به آنها داده است. چه بسیار مردمانی که در همین مرحله آخر متوقف می‌شوند و نمی‌توانند از اموال خود بگذرند. اینان در واقع کسانی هستند که دو قدم اول را نیز به درستی برنداشته‌اند. در نتیجه انسانی که سه ویژگی پیش‌گفته را داشته باشد، انسان قابل اعتمادی است و همه به او اعتماد می‌کنند. این نتیجه در سطح فردی است، اما در سطح اجتماعی نیز از معتقدین و مؤمنان به چنین دینی انتظار می‌رود این ویژگی‌ها را داشته باشند و صرف انتساب افراد به چنین دینی آنها را در نظر مردم قابل اعتماد جلوه‌گر می‌سازد. حداقل در میان انسان‌ها، کسانی که با صفت مسلمان شناخته می‌شوند قابل اعتمادتر می‌باشند.<sup>۱</sup>

در متون فقهی شیوه‌های عملی و جزئیات رفتاری مؤمنان و مسلمانان آمده است. آموزه‌های این متون برنامه عملی زندگی مسلمانان را تنظیم نموده و راه‌های رفع مشکلات و پاسخگویی به سؤالات و رسیدگی به اختلافات را به روشنی بیان می‌کنند.

این آموزه‌ها اعمال مشروع را از نامشروع تمیز داده و راهنمای عمل مؤمنان محسوب می‌گردد. مؤمنانی که ارتباط و تعامل خود با دیگران را بر اساس این آموزه‌ها تنظیم می‌نمایند «متشرع» نامیده می‌شوند و اعمال آنها «مشروع» و یا «شرعی» خوانده می‌شود. تعامل این افراد با یکدیگر و یا با سایر افراد جامعه به گونه‌ای است که همه می‌دانند این افراد هر کاری که می‌کنند باید در چارچوب ویژه‌ای باشد، از این روی تکلیف همه روشن است. هیچ‌گاه از این افراد انتظار نمی‌رود خارج از قاعده و اصول شرعی با دیگران تعامل نمایند، بنابراین بدیهی است که این افراد بیشتر از سایر اقشار جامعه مورد اعتماد باشند.

---

۱. در این مقال قصد آسیب‌شناسی ندارم و الا لازم بود که اشاره‌ای به موارد نقض این ذهنیت در اثر رفتارهای غیرمؤمنانه بظاهر مسلمان بشود.

## اعتماد اجتماعی ❖ ۱۱۷

تا اینجا ملاحظه می‌شود که مؤمنان به دین اسلام با دو صفت «تقوی» به‌عنوان ویژگی‌های اعتقادی، اخلاقی و «مشروع» به‌عنوان ویژگی‌های «رفتاری» شناخته می‌شوند. در یک جمله، مسلمان مؤمن یعنی انسانی باتقوی و متشرع. انتظاری که از چنین انسانی می‌رود پایبندی به کلیه آموزه‌های دینی اسلام است. مهم‌ترین نکته هم همین است؛ یعنی هر آنچه که در آموزه‌های دینی اسلام بطور نهی یا امر ذکر شده باشد، انتظار می‌رود انسان مؤمن مسلمان پرهیزکننده یا عامل به آنها باشد. بنابراین می‌توانیم فهرستی از این‌گونه امور تهیه کنیم تا همه کسانی که با چنین فردی روبرو می‌شوند تکلیف خود را بدانند. در ذیل بصورت نمونه به برخی از این امور اشاره می‌کنیم:

### الف) منہیات

۱. دروغ
۲. خیانت
۳. غیبت
۴. ربا
۵. زنا، لواط و سایر رذایل جنسی
۶. قتل نفس
۷. خلف وعده
۸. شرب خمر
۹. قمار
۱۰. دشنام و توهین
۱۱. بهتان
۱۲. افترا
۱۳. کم‌فروشی
۱۴. نیرنگ و حيله

❖ ۱۱۸ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

۱۵. ظلم و بی‌عدالتی
۱۶. کبر، غرور و خودخواهی
۱۷. تضییع حقوق دیگران
۱۸. تضییع حقوق یتیمان
۱۹. رشوه

**(ب) معروفات (امور توصیه شده)**

۱. فروع دین از قبیل نماز، جهاد و... .
۲. صداقت
۳. وفای به عهد
۴. پاکدامنی
۵. بندگی خداوند و لاغیر
۶. احسان به والدین
۷. بخشش و گذشت
۸. قرض‌الحسنه
۹. حمایت از مظلوم و ایستادگی در برابر ظالم
۱۰. دستگیری از فقرا
۱۱. انفاق
۱۲. تزکیه و محاسبه نفس
۱۳. پرهیز از سودجویی و حرص به مادیات
۱۴. کار و فعالیت و پرهیز از تنبلی و تن‌پروری
۱۵. کسب علم و دانش
۱۶. صبر و استقامت در برابر ناملایمات

## اعتماد اجتماعی ❖ ۱۱۹

برای ترسیم تصویری روشن و کامل از آموزه‌های دینی اسلام باید منابع سه‌گانه ذکر شده در رویکرد درون دینی بطور دقیق مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. نکته بسیار مهمی که در رویکرد درون دینی باید مورد توجه قرار گیرد، این است که شرط اولیه استنتاج معطوف به اعتماد اجتماعی نسبت به مؤمنان مسلمان، آشنایی آنان با منابع و متون دینی و ملتزم بودن به مفاد و مفاهیم آنها و پرهیز از منهیات و عامل به معروفات آن است، و الا انتساب صرف به اسلام و عدم پایبندی به دستورات و آموزه‌های آن نمی‌تواند جایگاهی در بحث اعتماد اجتماعی داشته باشد.

### ۲- رویکرد برون دینی (جامعه‌شناختی)

رویکرد برون دینی به دین اصطلاحاً «جامعه‌شناسی دین» نامیده می‌شود. در این رویکرد که بطور نظام‌مند و علمی اول بار توسط ماکس وبر - واضع علم جامعه‌شناسی دین - مطرح شده است بررسی رفتارهای اجتماعی منبعث از آموزه‌های دینی از یک سو و تعامل شالوده‌های اجتماعی با این رفتارها از سوی دیگر موردنظر بوده است. در این نوشتار تلاش ما این است که با در نظر گرفتن شرایط و استلزامات این گونه بررسی، اعتماد اجتماعی در بستر رفتارهای اجتماعی منبعث از آموزه‌های دینی اسلام را مورد واکاوی و تحلیل قرار دهیم. اصولاً مؤمنان به ادیان - اعم از الهی و غیر آن - بطور کلی و مسلمانان بطور خاص با مفهوم عامی تحت عنوان «گناه» در اعمال و رفتار خود سروکار دارند. کسانی که در دایره تعریف مؤمنان به ادیان قرار نمی‌گیرند و یا نمی‌خواهند قرار بگیرند، بجای دین، «اخلاق» و بجای گناه، «عمل خیراخلاقی» را قرار می‌دهند. البته محاجه و مناقشه دین کلیت دارد و اخلاق را نیز پوشش می‌دهد و یا بالعکس همیشه وجود داشته و مباحث بسیار عمیق، ارزش‌مند و پیچیده فلسفی و کلامی را دامن زده است.

## ۱۲۰ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

اعتقاد به اینکه رفتار و عمل خاصی «گناه» محسوب می‌شود، مقدمه‌ای برای مفهوم بسیار پراهمیتی تحت عنوان «عقوبت» و «مجازات» است. گناه عملی است که اگر بتوان آن را از دیدگان انسان‌ها پوشاند، نمی‌توان از ناظر ازلی و ابدی که شنوای بینا است مخفی داشت. بنابراین در بطن این اعتقاد بازدارندگی ویژه‌ای نهفته که چه بسا بسیار قوی‌تر از نیروهای رسمی بازدارنده مثل پلیس و غیره عمل می‌کند. مجازات و عقوبت گناهان بدست همین ناظر آگاه است، یعنی او هم شاهد اعمال است و هم عقوبت‌کننده و مجازات‌دهنده، هم پلیس است و هم قاضی، هم عقوبت‌کننده سریع است و هم انتقام‌گیرنده. نظارت او، قضاوت او و عقوبت دادن و انتقام‌گیرندگی او در هر لحظه هر جا جریان دارد. نه می‌خواهد، نه غافل می‌شود و نه اهل تزییع حق کسی به نفع دیگری است. او حتی از رذایل درونی هم آگاه است.

با وجود این هیچ‌گاه هیچ بنده‌ای کاملاً مبرای از گناه نبوده و کسی هم چنین ادعایی نداشته و نمی‌تواند داشته باشد. پس همه انسان‌ها گناهکارند اما گناهکار بودن لزوماً به مفهوم محکومیت و مجازات نیست، بلکه اولاً گناه در سه دسته طبقه‌بندی شده:

- ۱- گناه نسبت به خود، گناه نسبت به دیگران و گناه نسبت به خدا؛
- ۲- گناهان قابل بخشش از سوی خداوند و غیرقابل بخشش از سوی خداوند
- ۳- گناهان عادی و گناهان کبیره.

در تحلیل رفتار اجتماعی مؤمنان با دسته‌ای از اعمال و روابط اجتماعی مواجه می‌شویم که کاملاً با رفتار و روابط اجتماعی غیرمؤمنان متفاوت است. برخی از این رفتارها به شرح ذیل قابل توجه می‌باشد:

- ۱- انسان‌های مؤمن پس از ارتکاب گناه، دیر یا زود درصدد جبران آن بر می‌آیند.



## اعتماد اجتماعی ❖ ۱۲۱

- ۲- جبران گناهان معطوف به حقوق انسان‌ها با تغییر رفتار نسبت به آنها، تقاضای بخشش و یا بازگرداندن حقوق تضییع شده آنان توأم است. این نوع گناهان ابتدا به ساکن از سوی خداوند قابل بخشش نیست.
- ۳- جبران گناهان نسبت به خدا، با انجام اعمال عبادی، شرکت در مراسم و مناسک و توسل به دعا و انابه و ریاضت و غیره همراه است.
- ۴- جبران گناهان نسبت به خود «نفس» با قطع آن اعمال و انجام اعمال جبرانی و استغفار امکان‌پذیر است.
- ۵- تلاش برای رهایی از عواقب و مجازات گناه‌های کبیره نیز مجموعه رفتارها و اعمالی را در روابط اجتماعی و رفتارهای مؤمنان برمی‌انگیزد که جای تأمل و بررسی ویژه دارد.

در سطور پیشین اشاره شد که درآموزه‌های دینی پروتستانیسم، انسان با گناه به دنیا می‌آید و صرفاً با تلاش بسیار سخت و بی‌وقفه در جهت «تکلیف» که همانا کارکردن و کسب درآمد است، می‌تواند امیدوار باشد که گناهانش بخشیده خواهد شد و این اعتقاد را تحت عنوان «اخلاق پروتستانیسم» از قول ماکس وبر مورد توجه قرار دادیم. در این اخلاق نتیجه رفتار و روابط اجتماعی مؤمنان در قدم اول شامل حال خودشان می‌شود و با کسب درآمد و ثروت وضعیت اقتصادی آنها بهبود می‌یابد، اما با توجه به اینکه این‌گونه فعالیت‌ها به همان شدت و بلکه بیشتر باید ادامه یابد و هیچ‌گاه نباید به وضعیت اقتصادی بهتر رضایت داد و از ادامه فعالیت دست کشید، در قدم بعدی نتیجه این‌گونه مال‌اندوزی‌ها منجر به شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری و در نتیجه بهبود وضعیت اقتصادی جامعه و آحاد آن می‌شود.

این خلاصه‌ای است بر آموزه‌های پروتستانیسم و تأثیر آن بر وضعیت اجتماعی. اگر مقایسه‌ای بین این آموزه‌ها و آموزه‌های دینی اسلام به عمل آوریم بطور خلاصه نتایج ذیل بدست خواهد آمد.

## ۱۲۲ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

۱- در پروتستان‌تیسیم، مؤمنان مجاز به هر نوع فعالیت برای کسب درآمد بیشتر هستند و هیچ‌گونه وظیفه‌ای در قبال درماندگان و تهیدستان نداشته بلکه آنان را انسان‌هایی بی‌ایمان، و پوینده راهی می‌دانند که به ادای تکلیف و نهایتاً رستگاری منجر نخواهد شد. در صورتی که در آموزه‌های دین اسلام، علت بیچارگی و درماندگی انسان‌ها بیش از آنکه به سستی، تنبلی و مغضوب بودن آنها از سوی خداوند مربوط باشد، منبعت از ظلمی است که از سوی عده‌ای سودجو و مال‌اندوز که حقوق آنها را پایمال کرده‌اند، می‌باشد. از سوی دیگر طبق آموزه‌های اسلام، انسان در زمان تولد دارای فطرتی پاک بوده و بی‌گناه و معصوم است و اگر گناهی مرتکب شود در این دنیا بوده و رستگاری او در گرو بخشیده شدن گناهان از سوی کسانی است که به آنها ظلم شده است. نتیجه چنین اعتقادی این است که در فرآیند کار و تلاش برای کسب درآمد و ثروت مؤمنان مسلمان حق ندارند به هر طریق ممکن عمل بکنند، بلکه باید توجه داشته باشند که در مسیر این فعالیت‌ها مرتکب گناه نشوند. اما مسئله به همین جا ختم نمی‌شود بلکه هر درآمدی که کسب می‌شود درصدی از آن متعلق به دیگران است که اگر پرداخت نشود، فرد دچار تضییع حق دیگران شده است.

۲- در مکتب پروتستان‌تیسیم بخشیده شدن امری اخروی و آن جهانی است که صرفاً در گرو ادای تکلیف یعنی همان کار شدید و کسب حداکثر درآمد و ثروت است. بنابراین یک مؤمن پروتستان توجهی به این ندارد که حق کسی ضایع شده یا نه، به کسی ظلم شده یا نه. فلسفه این امر هم در این است که وقتی همه مثل هم باشند، طبیعتاً به کسی ظلم نمی‌شود، بلکه فقط عده‌ای برنده هستند و عده‌ای بازنده، عده‌ای موفق هستند و عده‌ای ناموفق. آنها که برنده‌اند و موفق‌تر، بیشتر مورد عنایت خداوند هستند و همین، نشان از درستی راه و حرکت در مسیر ادای تکلیف دارد. عدالت از جمله وظایف خداوند است نه بندگان و اوست که متناسب با زحمت و تلاش و کار و فعالیت بندگان به آنها

## اعتماد اجتماعی ❖ ۱۲۳

توجه دارد. نتیجه نهایی این رویکرد این است که خداوند ثروتمندان را دوست دارد و آنها در آخرت رستگار خواهند شد.

اما در مکتب اسلام مقدمه و زمینه بخشش مربوط به همین جهان می‌شود. اگر حقی از کسی ضایع شود، بخشش در آخرت منتفی خواهد بود. کسب مال و افزایش ثروت مشروط بر اینکه حقی از کسی ضایع نشده باشد، جایز است. کسی که ثروتمندتر است بیش از دیگران مقرون به رستگاری نیست، بلکه حساب و کتاب او مشکل‌تر خواهد بود. کار و تلاش امری بسیار ارزشمند و بزرگ است که صرف‌نظر از اینکه باعث افزایش ثروت فرد بشود یا نه، واجد ارزش است. برای افزایش ثروت مشروط بر آنکه حق دیگران داده شده باشد و در مصرف و بهره‌مندی از آن صرفه‌جویی و قناعت لازم به عمل آمده باشد و در مسیر کسب آن حق کسی ضایع نشده باشد، از سوی مکتب اسلام ارزش قایل شده است. در این مکتب فقرا ارزشمندتر نیستند اما عایله خداوند هستند، یعنی ثروتمندان باید به فکر عایله خداوند باشند و آنان را محترم شمارند و درصدی از درآمدشان را صرف آنان نمایند و اگر از این کار امتناع کنند نباید انتظار رستگاری داشته باشند.

۳- در مکتب پروتستان‌تیسیم ثروتمند بودن به لحاظ اجتماعی ایستادن بر قله اعتبار اجتماعی است فقط مشروط بر آنکه در اثر کار و تلاش خود فرد ثروتمند و یا عوامل او این موفقیت کسب شده باشد. لزومی ندارد فرد ثروتمند با دست خود بخشی از اموالش را به فقرا بدهد و به نام فرد خیر شناخته شود - آن‌طور که در کاتولیسیم تبلیغ می‌شود - همین که ثروتمند است، مورد عنایت خداوند است و باید مورد احترام دیگران هم باشد.

در آموزه‌های دینی اسلام ثروتمند بودن در نگاه اول فی‌نفسه و در بطن خود موجب کسب اعتبار و اعتماد نیست؛ چرا که اصولاً در شرایطی که فقر حاکمیت داشته باشد ثروت از مسیر صحیح و بدون تضییع حقوق دیگران نمی‌تواند انباشته شود و اگر هم چنین امری ممکن باشد لااقل فرد ثروتمند به

## ۱۲۴ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

لحاظ شخصیتی و فردی، انسانی خودخواه، سودجو و دنیا طلب تلقی می‌گردد. در این زمینه اقوال و احادیث زیادی هم نقل شده است به نحوی که گفته شده است تا خانه‌ای خراب نشود عمارتی ساخته نمی‌شود.

در مقایسه‌ای که از بندهای سه‌گانه بالا بعمل آمد، هدف مقایسه دو مکتب و رویکرد دینی نبود، بلکه منظور اصلی شکافتن مبانی بحث با استفاده از دو رویکرد بوده است. عرصه اقتصاد روشن‌ترین، عینی‌ترین و ملموس‌ترین بستر رفتارهای اجتماعی است و در این عرصه بیش از سایر عرصه‌ها می‌توان مبانی و ریشه‌های اعتقادی رفتارهای اجتماعی را مورد بررسی قرار داد. به همین علت هم در مقوله اعتماد اجتماعی که مقوله‌ای کاملاً عینی و ملموس است، این عرصه و بستر مورد توجه ویژه قرار گرفته است. آیات، احادیث، ضرب‌المثل‌ها و اقوال و سخنان بی‌شماری در این زمینه وجود دارد که شاید در هیچ زمینه دیگری به این حدت و شدت وجود نداشته باشد. کثرت این منابع و سخنان به حدی است که انتخاب و ذکر چند نمونه هیچ‌گاه نمی‌تواند مصداق ضرب‌المثل «مشت نمونه خروار» باشد. پربارتر و غنی‌تر از همه منابع، قرآن کتاب آسمانی مسلمانان است. سوره‌های تکاثر، ماعون، همزه، بقره، اللیل، فجر و ده‌ها سوره دیگر هر یک آشکارا و تقریباً کل سوره‌های قرآن بطور غیر مستقیم این مقوله را از ابعاد مختلف مطرح نموده‌اند. کتب فقهی بصورت تخصصی تعامل مالی بین انسان‌ها را مورد بررسی قرار داده و دستورالعمل‌های اجرایی برای آن تنظیم نموده‌اند. منابع حدیث و کتب اخلاقی هم مملو از همین مباحث است. به‌عنوان مثال کتاب نهج‌البلاغه که مجموعه بیانات، مکتوبات و توصیه‌ها و وصایای اخلاقی، اجتماعی و سیاسی حضرت علی (ع) است منبعی بسیار غنی و بی‌نظیر در این زمینه محسوب می‌شود.

با مطالعه‌ای گذرا در این منابع - با رویکرد اجتماعی و نه درون دینی - و بررسی رفتارها و روابط اجتماعی مؤمنان مسلمان درمی‌یابیم که آموزه‌های اسلامی ماهیتاً تقویت‌کننده رفتارهای معطوف به اعتماد اجتماعی هستند.

### ۳- مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی در تحلیل جامعه‌شناختی در رفتارهای خاصی تبلور می‌یابد. برخی از این رفتارها عبارت هستند از:

- ۱- تمایل به انجام معامله
- ۲- تمایل به همسایگی
- ۳- تمایل به همکاری
- ۴- تمایل به همسفری
- ۵- تمایل به ازدواج
- ۶- سپردن امانت
- ۷- شراکت
- ۸- قرار گرفتن در گروه و انجمن واحد

برای سنجش اعتماد نسبت به افراد، گروه‌ها و اقشار مختلف باید وزن و کمیت هر یک از مؤلفه‌های پیش‌گفته را سنجید و با انجام محاسبات و مقایسه‌های دقیق کمی قضاوت کرد که چه گروه و قشری بیشتر از دیگران مورد اعتماد هستند و چنانچه بخواهیم علت تفاوت‌ها را بدانیم می‌توانیم از معیارهای مذکور در بخش نگاه درون دینی استفاده نماییم.



## همه چیز برای همه: برابری و اعتماد اجتماعی\*

نویسندگان: اریک اسلندر و بو رودستین

برگردان: ابوعلی ودادهیر\*\* - مرتضی زین آبادی

### چکیده

امروزه یکی از نکات مهم و مورد قبول در علوم اجتماعی، اعتماد اجتماعی و اهمیت آن است. در خصوص تفاوت‌های بسیار شدید اعتماد اجتماعی در کشورهای مختلف تبیین‌های متعددی ارائه شده است. در این میان مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه بیش‌ترین توجه را به خود جلب کرده است. با این حال هنوز مدارک اندکی دال بر آنکه مشارکت می‌تواند به اعتماد منجر شود وجود دارد. در این مقاله ما می‌خواهیم به آزمون متغییری بپردازیم که در بررسی‌های مربوط به منابع اعتماد تعمیم‌یافته<sup>۱</sup> آن‌طور که باید به آن توجه نشده است. در این بررسی برابری در دو سطح مفهوم سازی شده است، یکی برابری اقتصادی و دیگری برابری فرصت‌ها است. نادیده گرفته شدن این عوامل در ادبیات سرمایه

---

\* این مقاله ترجمه اثر زیر است:

- Center for European studies sorking paper series, All for All: Equality and social trust.

\*\* استادیار رشته علوم اجتماعی دانشگاه تبریز

۱. اعتماد تعمیم یافته Generalized Trust داشتن حسن ظن نسبت به همه افراد در روابط اجتماعی جدای از تعلق آنها به گروه قومی و قبیله‌ای است. در این مقاله برای روشن بودن مفهوم از واژه اعتماد عمومیت یافته بجای اعتماد تعمیم یافته استفاده می‌شود.

## ۱۲۸ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

اجتماعی به چند دلیل است. اول اینکه معمولاً کشورهایی که دارای بالاترین سطوح اعتماد اجتماعی هستند دارای سطح بالای برابری اقتصادی نیز می‌باشند، این امر در کشورهای اروپای شمالی مانند نروژ و کانادا قابل مشاهده است. دلیل دوم این است که این کشورها عموماً بخشی از فعالیت‌ها و برنامه‌های خود را به ایجاد فرصت‌های برابر برای مردم اختصاص داده‌اند، مانند توجه داشتن به سیاست‌هایی برای آموزش عمومی، فرصت‌های برابر کار و این اواخر برابری‌های جنسیتی. بحث و گفتگو در باره اینکه نقش برابری اقتصادی در کاهش و یا افزایش اعتماد اجتماعی چقدر است یکی از موضوعاتی است که در بحث‌های سیاسی در خصوص اعتماد اجتماعی از نظر دور مانده است. تحقیقات سرمایه اجتماعی در حد وسیعی توسط دولت‌ها و سازمان‌های سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این استفاده به این دلیل بوده که به مردم اعلام کنند، وضعیت بد ناشی از ضعف مشارکت‌های داوطلبانه است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ضعف اعتماد و سرمایه اجتماعی در بسیاری از کشورها به دلیل ضعف برنامه‌های حکومت برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی است. به هر حال امروزه مشکل بسیاری از کشورها ضعف اعتماد و سرمایه اجتماعی است. باید توجه داشت که اعتماد اجتماعی با وجود یکسری نابرابری‌های اجتماعی گسترده در جامعه ایجاد و یا گسترش پیدا نمی‌کند. سیاست‌های عمومی هم که گاه به‌عنوان راه حل مشکل اعتماد سازی مطرح می‌شوند نیز نمی‌توانند وضعیت را بهبود بخشند. این بدلیل فقدان اعتماد پذیری مردم؛ اعتماد به یکدیگر و عدم اعتماد به دولت است.

### واژگان کلیدی

اعتماد اجتماعی، اعتماد تعمیم‌یافته، برابری اجتماعی، مشارکت‌های داوطلبانه، برابری اقتصادی و برابری فرصت‌ها.



## ۱- برابری و اعتماد اجتماعی

اهمیت اعتماد اجتماعی یا اعتماد تعمیم یافته در سطح وسیعی در ادبیات علوم اجتماعی مورد پذیرش قرار گرفته است. اعتماد اجتماعی برای این اهمیت دارد که با برخی از متغیرهای اجتماعی رابطه دارد، که قاعدتاً برای اکثریت مردم دارای مطلوبیت است. در سطح فردی مردمی که معتقدند در جامعه به دیگران می‌شود اعتماد کرد، دیدگاه مثبت و خوبی نسبت به فعالیت نهادهای دموکراسی دارند؛ اینان در برنامه‌های سیاسی بیشتر مشارکت می‌کنند و در انجمن‌ها و سازمان‌های شهری فعالیت بیشتری، دارند. آنها در کارهای عام المنفعه بیشتر مشارکت می‌کنند و توجه زیادی به گروه‌های اقلیتی که فقیر هستند، دارند. آنها دیدگاه خوشبینانه‌ای نسبت به امکانات و توانمندی‌های خودشان دارند و معتقد هستند که بر زندگی‌شان کنترل و تاثیر دارند.

ما شاهد برخی الگوها و مدل‌های خوب و مناسب در سطح اجتماعی هستیم. شهرها، مناطق و نواحی‌ای که مردمانشان بیشتر اعتمادپذیر<sup>۱</sup> هستند، دارای سازمان‌های دموکراسی فعال بیشتر، رشد اقتصادی بالاتر و میزان جرم و نابسامانی کمتر هستند. اعتماد عمومی (تعمیم یافته) همانند سرمایه، برای جوامع دارای اهمیت است و همانند آن به‌عنوان یکی از بخش‌های مهم و مرکزی سرمایه اجتماعی شناخته می‌شود. در مجموع آنچه در سطح فردی و اجتماعی مطلوب بنظر می‌رسد، با اعتماد اجتماعی مرتبط بوده و در سطح وسیع در سرمایه اجتماعی نیز سهیم می‌باشد.

از این رو دلایل زیادی وجود دارد که به اعتماد اجتماعی توجه کنیم. علاوه بر این تفاوت‌های شدید میان افراد نیز دلیل دیگری است که تحقیق و مطالعه در مورد اعتماد اجتماعی را ضروری می‌سازد. اگر درصد افرادی که به این سوال

---

1. trusting people

## ۱۳۰ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

پاسخ مثبت داده اند، «به اکثر مردم جامعه می‌شود اعتماد کرد»، را مقایسه کنیم، متوجه تفاوت‌هایی می‌شویم که نیازمند بررسی است. در جوامعی مانند نروژ، دانمارک و هلند درصد مردمی که معتقدند به بیشتر مردم جامعه می‌توان اعتماد کرد حدود ۶۰ درصد است، در حالی که در کشورهایمانند برزیل، فیلیپین و ترکیه تنها ۱۰ درصد مردم چنین اعتقادی دارند. البته تفاوت‌های زیادی بین افرادی که در یک کشور زندگی می‌کنند وجود دارد که وقتی این تفاوت‌ها در اعتماد اجتماعی انعکاس پیدا می‌کند به همان میزان تبیین آنها مهم‌تر می‌شود.

بحث ما در اینجا این است که اعتماد دلیل مهمی برای همبستگی اجتماعی است. اعتماد همین‌طور بخشی از آگاهی اجتماعی نیز هست؛ یعنی اعتقاد به اینکه گروه‌های مختلفی در جامعه وجود دارند که سرنوشت مشترکی با هم دارند، و آنهایی که امکانات بیشتری دارند موظفند به آنهایی که امکانات کمتری دارند کمک کنند. این امر در اقدامات اعتمادکننده‌ها (دادن صدقه و مشارکت در کارهای داوطلبانه) و سیاست‌هایی که کشورهای اعتمادپذیر در کمک به انسان‌های فقیر دنبال می‌کنند، قابل مشاهده است. باوجود این باید توجه داشت که کمک‌رسانی به مردم ضعیف فقط توسط ثروتمندان انجام نمی‌شود. در عوض ما معتقدیم سیاست‌هایی که بیش‌ترین اثر را در کاهش نابرابری‌ها دارند سیاست‌های اجتماعی جامع‌(کل‌نگر) هستند. این سیاست‌ها ریشه در احساس اعتماد عمومی دارند و در حقیقت به ایجاد اعتماد بیشتر در جامعه کمک می‌کنند.

## ۲- اعتماد در برابر اعتماد: نظریه‌ها

اعتماد عمومی، ما را به مردمان دیگر که با ما متفاوت هستند مرتبط می‌کند. اعتماد عمومی تفاوت فاحشی با اعتماد خاص<sup>۱</sup> دارد. در جایی که مردم فقط بطور درون گروهی با یکدیگر ارتباط دارند، اعتماد عمومی بازتابی از علایق مشترک اقتصادی، قومی، مذهبی و نژادی میان مردم یک جامعه است. اساس و روح تعاون مردمی که بدور هم جمع می‌شوند، تعقیب و دستیابی به اهداف مشترک است. در حالی که اعتماد خاص ناشی از فشارهای اجتماعی است، هر گروه و انجمنی در جامعه برای خود منافع و علایقی دارد و خود و اعضایش در تلاش برای دستیابی به آنها هستند. اعتماد خاص ممکن است در زندگی‌های شهری امروزی به عنوان اعتماد عمومی تلقی شود، اما مردم با این نوع اعتماد فعالیت‌های مفیدشان را به گروه‌های خاص خودشان منحصر می‌کنند. مسیحیان پروتستان در ایالات متحده آمریکا افرادی هستند که اعتماد بالایی به گروه‌های خود داشته و اعتماد کمی به دیگران دارند. آنها در فعالیت‌های عام المنفعه شرکت می‌کنند و خیرات و صدقه به نیازمندان می‌دهند اما این صدقات را فقط به افراد هم‌کیش خود می‌دهند.

اعتماد عمومی ارتباط زیادی با بنیان‌های برابری اقتصادی و اجتماعی داشته و مختص مشارکت و توسعه یافتگی در یک جامعه مساوات‌گراتر<sup>۲</sup> است. اعتماد اجتماعی همان‌گونه که باعث ارتباط افراد با یکدیگر می‌شود، بازتابی از علاقه به دیگران نیز هست. به ویژه به مردمانی که با تبعیض‌ها روبرو شده‌اند و از این‌رو منابع محدودی در اختیار دارند. در جوامعی با سطح بالای نابرابری‌های اقتصادی، علاقه کم‌تری نسبت به مردمانی با زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی دیگر وجود دارد. در جوامعی که توزیع ثروت در آنجا نابرابر است مانند برزیل،

---

1. Particularized Trust  
2. Egalitarian Society

## ۱۳۲ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

فقیر و غنی کنار یکدیگر زندگی می‌کنند اما هیچ‌گونه علاقه مشترکی در زندگی نسبت به هم ندارند. آنان فرزندان‌شان را در مدارس جدا از هم ثبت نام می‌کنند، از مراکز بهداشتی درمانی متفاوت استفاده می‌کنند و در بسیاری از موارد فقرا نمی‌توانند از عهده زندگی‌شان برآیند. ثروتمندان توسط پلیس و محافظان شخصی محافظت می‌شوند و فقر را دشمن طبیعی خود می‌شناسند. در چنین جوامعی افراد غنی و فقیر هیچ احساس مشترکی نسبت به هم ندارند. اعتماد عمومی در چنین جامعه‌ای در سطح پایینی قرار دارد، در حالی که اعتماد خاص ممکن است بالا باشد. درحقیقت هر گروهی برای خودش منافعی را جستجو می‌کند و دیگران را سد راه و رقیب خودش می‌داند. از این رو فشار کمی (در جامعه از سوی گروه‌های ذی‌نفوذ) برای تدوین سیاست‌های عمومی برای افراد فقیر وجود دارد.

اما در جوامعی که دارای سطح بالایی از اعتماد اجتماعی و برابری اقتصادی هستند؛ علاقه به انجام تحقیقات و بررسی‌هایی که باعث کاهش نابرابری ثروت و فرصت‌ها شود بیشتر است. چنین سیاست‌هایی فقط سیاست‌های باز توزیعی نیستند، بلکه سیاست‌های رفاهی هستند و با هرکس برابر رفتار می‌کنند. مشکل اساسی در سیاست‌های بازتوزیعی سیاست اجتماعی، گزینشی بودن آن است. حکومت‌ها معمولاً فرد یا گروهی را به‌عنوان نیازمند انتخاب می‌کنند و جامعه را رها می‌کنند. نوع فرایند انتخاب و رفتار دستگاه‌ها حاکی از آن است که رفتار آنان با مردم فقیر متفاوت از دیگر شهروندان است. نتیجه این برنامه‌ها تقویت بیشتر مفهوم و معنای نابرابری اجتماعی است. ما معتقدیم چون برنامه‌های جامع با عموم مردم سرو کار دارند و برابری را رعایت می‌کنند منجر به نوعی از همبستگی بهتر اجتماعی شده و اعتماد عمومی را تقویت می‌کنند.

حال این سؤال مطرح می‌شود که چرا برخی کشورها از لحاظ اعتماد بهتر از دیگر کشورها هستند؟ براساس نتایج تحلیل‌های صورت گرفته، تغییرات شدیدی در اعتماد اجتماعی در میان کشورها رخ داده است. در میان این

## اعتماد اجتماعی ❖ ۱۳۳

تغییرات، تغییر در مشارکت‌های داوطلبانه<sup>۱</sup> بیشتر قابل توجه بوده است. دلایل کمی مبنی بر تاثیر مشارکت‌های داوطلبانه در اعتماد وجود دارد. تعداد زیادی از مطالعات نتوانسته‌اند ارتباطی میان این‌گونه فعالیت‌ها و اعتماد عمومی در زندگی مدنی و یا سیاسی پیدا کنند. آیا اعتماد مردم یا اعتماد به آن انجمن یا افراد مشارکت‌کننده در آن، باعث می‌شود آنها عضو یک انجمن بشوند. استول<sup>۲</sup> نشان داد که هیچ کدام از این دو درست نیست. بنا به گفته وی اعضای چنین انجمن‌ها و گروه‌هایی بیشتر از اینکه به دیگران اعتماد داشته باشند، به انتخاب خود اعتماد دارند. مردم بی‌اعتماد، مراقبند تا در این گروه‌ها مسئولیت و یا وظیفه‌ای را بر عهده نگیرند، در حالی که همین افراد به دیگران و به اعضا اعتماد داشتند. ممکن است اعتماد اعضا گروه در گروه به یکدیگر بیشتر بشود اما این افزایش بیشتر از زمان قبل از عضویتشان نیست. ممکن است برخی از گروه‌ها و انجمن‌ها مانع از اعتماد اعضا به افراد خارج از گروه بشوند. بطور خاص گروه‌ها و انجمن‌هایی که هویت درون گروهی را میان اعضایشان تقویت می‌کنند همچون بنیاد گرایان مذهبی و نژادی اعتماد تعمیم یافته به دیگران را مضر و خطرناک می‌دانند.

در این مقاله ما می‌خواهیم برخی از عوامل و متغیرهایی که در بررسی‌ها کمتر به آنها توجه شده است را مورد توجه قرار دهیم. تصور ما این است که باید به عواملی که در ایجاد اعتماد تعمیم یافته موثر است همانند برابری توجه داشته باشیم. در این مطالعه برابری در دو سطح برابری اقتصادی و برابری فرصت‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. نادیده گرفته شدن این عوامل در ادبیات سرمایه اجتماعی به چند دلیل است. اول اینکه معمولاً کشورهای که دارای بالاترین سطوح اعتماد اجتماعی هستند، دارای سطح بالای برابری اقتصادی نیز می‌باشند، همانند کشورهای اروپای شمالی از جمله نروژ و کانادا. به علاوه این

- 
1. Voluntary Associations
  2. Stolle

## ۱۳۴ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

کشورها عموماً بخشی از فعالیت‌ها و برنامه‌های خود را به ایجاد فرصت‌های برابر برای مردم اختصاص داده‌اند، مانند توجه به سیاست‌های آموزش عمومی، فرصت‌های برابر کار و این اواخر برابری‌های جنسیتی. بطور خاص می‌توان بحث کرد که آیا این سیاست‌ها همان‌گونه که انتظار می‌رفت موفق بوده‌اند یا خیر؟ اما با مقایسه برنامه دولت‌ها متوجه می‌شویم برخی دولت‌ها برنامه‌هایشان خیلی جاه‌طلبانه و بلندپروازانه هستند. ما معتقدیم که با اجرای برنامه‌های اجتماعی جامع، دولت اهمیت اعتماد اجتماعی را برای شهروندان یادآوری می‌سازد.

دلایل تئوری متعددی مبنی بر رابطه بین برابری و اعتماد اجتماعی وجود دارد. اول خوشبینی نسبت به آینده که یکی از عوامل تعیین‌کننده اعتماد اجتماعی است از جمله موارد نشان‌دهنده کم بودن احساس وجود نابرابری‌های اقتصادی در جامعه است. باید توجه داشت مردمانی که در توزیع درآمدی جامعه در سطح پایینی قرار دارند، نسبت به کسانی که درآمد بالایی دارند، کمتر شاد هستند. بهر حال برنامه‌ها و سیاست‌های دولت‌ها بیشتر جمعی است و کمتر بر مسائل فردی تأکید دارد و این باعث کاهش اعتماد عمومی در جامعه می‌شود.

دلیل دوم توزیع منابع است که در تعیین عقیده مردم مبنی بر اینکه آیا دارای سرنوشت و تقدیر مشابهی باهم هستند، نقش کلیدی بازی می‌کند. وقتی توزیع منابع برابر باشد، مردم بیشتر احساس پیوستگی با دیگران می‌کنند. اگر در توزیع ثروت در جامعه نابرابری وجود داشته باشد، مردم ممکن است این احساس را داشته باشند که منافع مشترک کمی با دیگران دارند. در جوامعی که نابرابری‌های اجتماعی زیاد است مردم بیشتر می‌خواهند که به هم طبقه‌ای‌های خودشان شبیه باشند. درک بی‌عدالتی می‌تواند باعث ایجاد تصورات

## اعتماد اجتماعی ❖ ۱۳۵

غالبی<sup>۱</sup> منفی نسبت به گروه‌های دیگر جامعه بشود، و شکل‌گیری و گسترش اعتماد اجتماعی و احساس هماهنگی را با مشکل روبرو کند.

پوتنام<sup>۲</sup> معتقد است که اعتماد اجتماعی در جوامع باطبقات متصلب و خشک ایجاد نمی‌شود. وی معتقد است که «نابرابری‌های بزرگ در ثروت در جامعه برای توسعه مشارکت‌ها و همبستگی‌ها مضر است». سلژیمن<sup>۳</sup> از این هم فراتر رفته و می‌گوید اعتماد هیچ ارتباطی با فرهنگ طبقاتی ندارد. چنین جوامعی دارای یک نظم اجتماعی خشک هستند که بوسیله تقسیم کار طبقاتی که به نسل‌ها تحمیل می‌شود باز تولید می‌گردند. در نظام‌های فئودالی و نظام‌های کاستی مردم نمی‌توانند علیه شرایطی که در آن به دنیا آمده‌اند عمل کنند. در این جوامع، فرهنگ مشترکی رانمی‌توان میان طبقات جستجو نمود. تصور اینکه دیگران هم در عقاید شما سهیم هستند و همانند شما فکر می‌کنند ممنوع است؛ تا زمانی که تقسیم کار طبقاتی برخی از کارها را برای طبقات خاص مجاز می‌کند نمی‌توان ارزش‌های مشابهی را میان طبقات یافت.

براساس اطلاعات و شواهد تحقیقات پیمایشی، تاثیرات برابری اقتصادی و اجتماعی در ادبیات جامعه‌شناسی و علوم سیاسی بر سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی نامشخص است. در حالی که پوتنام بر اهمیت نابرابری‌های اقتصادی در بررسی سرمایه اجتماعی تاکید می‌کند نامی از اینکه چه چیزی مشارکت‌های مدنی را نابود می‌سازد، نمی‌برد.

در میان هفت پیشنهاد و سیاست ارائه شده برای افزایش سرمایه اجتماعی در آمریکا هیچ راهکار و یا پیشنهادی در خصوص برابری‌های اجتماعی وجود ندارد. این امر زمانی عجیب‌تر می‌شود که پوتنام دلایل کاهش سرمایه اجتماعی

---

1. Stereotypes  
2. Putnam  
3. Seligman

## ۱۳۶ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

را در ایالات متحده آمریکا در دهه ۱۹۷۰ بیان می‌کند، در حالی که در آن زمان نابرابری‌های اقتصادی در آمریکا بسیار شدید بوده است. در تحقیق وسیع بنیاد راسل سیج<sup>۱</sup> در مورد اعتماد که در ۴۱ فصل و سه جلد منتشر شده، هیچ بحث و بررسی در خصوص نابرابری‌های اقتصادی و تاثیر برابری‌ها و نابرابری‌های اجتماعی دیده نمی‌شود. در مجموع باید گفت که جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران علوم سیاسی به اهمیت و تاثیر نابرابری‌های اجتماعی در اعتماد اجتماعی بی‌توجه بوده‌اند. در حالی که صاحب‌نظران اقتصادی به این نوع سیاست‌ها بیشتر توجه داشته‌اند. برای مثال استفان کاناک<sup>۲</sup> و پل ژاک<sup>۳</sup> در بانک جهانی معتقدند که باز توزیع ثروت، سیاست مهمی است که حکومت‌ها باید برای افزایش اعتماد اجتماعی به آن توجه کنند، اما اقتصاددانان این مسأله را به عنوان یک الزام اقتصادی مطرح می‌کنند؛ چرا که آنها نگران تاثیرات اقتصادی هستند که معتقدند در صورت عدم باز توزیع ایجاد می‌شود. با توجه به اینکه بحث افزایش اعتماد اجتماعی از طریق کاهش نابرابری‌ها نادیده گرفته شده است، تحقیقات مورد استفاده توسط برخی از دولت‌ها و سازمان‌های سیاسی در مورد سرمایه اجتماعی، ضعف مشارکت‌های جمعی و داوطلبانه را علت وضعیت نامطلوب مردم معرفی می‌کنند. اما آنچه که سطح سرمایه و اعتماد اجتماعی را مشخص می‌سازد و امروزه آفت بسیاری از کشورها شده است ضعف برنامه‌های دولت در کاهش نابرابری‌ها است. اگر کشورها را با یکدیگر مقایسه کنیم متوجه می‌شویم که بین اعتماد و نابرابری پیوستگی و ارتباط قوی وجود دارد. ضریب تعیین  $r^2$  بین اعتماد تعمیم یافته و نابرابری‌های اجتماعی در سال ۱۹۸۱ در مطالعه پیمایش طولی ارزش هادر دهه ۱۹۹۰-۱۸۸۰ برای ۲۲ کشور برابر  $r^2=81$  بوده است. نوساناتی شبیه

---

1. Russell Sage Foundation's  
2. Stephen Knack  
3. Paul Zak



## اعتماد اجتماعی ❖ ۱۳۷

نابرابری در طول زمان وجود دارد، اما ضریب تعیین محاسبه شده میان نابرابری‌های اقتصادی با معیارها و متغیرهای دیگر هرگز به قدرت و اندازه ارتباط اعتماد در دهه ۱۹۹۰-۱۸۸۰ نبوده است. این مقدار با افزایش تعداد کشورها از ۲۲ به ۴۲ کشور به  $r^2=676$  تغییر یافت. در بررسی دیگری که توسط جیمز گالبرایت<sup>۱</sup> انجام شد معیار نابرابری در میان کشورها در طول زمان مورد محاسبه قرار گرفت. ضریب تعیین بین نابرابری اقتصادی سال ۱۹۶۳ با ۱۹۹۶ برای ۳۷ کشور برابر  $r^2=706$  بوده. از این رو می‌توانیم قاطعانه بگوییم که نابرابری‌ها در طول زمان پایدار هستند، از یکدیگر تأثیری نمی‌گیرند و براحتی از بین نمی‌روند. وجود و ثبات نابرابری در جامعه منجر به کاهش سطح اعتماد و نارضایتی می‌گردد.

اعتماد و نابرابری در کشورهایی که فاقد میراث حکومت کمونیستی بوده شدت به یکدیگر وابسته هستند. در یک تحقیق، رابطه بین اعتماد تجمع شده با سطح نابرابری اقتصادی چهل و سه کشور در دهه ۱۹۹۰ نشان داده شده است. رابطه در حد نسبتاً قابل قبول یعنی  $r^2=391$  بوده. با بکارگیری روش گالبرایت و کاهش کشورها به ۳۲ کشور ضریب افزایش پیدا کرده و به سطح  $r^2=592$  می‌رسد. سطح نابرابری‌های اقتصادی موثرترین متغیر پیش بینی‌کننده اعتماد در طول زمان در میان کشورهایی است که فاقد میراث کمونیستی هستند. اثرات نابرابری اقتصادی روی اعتماد سابقه طولانی دارد.

### ۳- سیاست‌های اجتماعی و اعتماد اجتماعی

سؤال این است که چرا تغییرات کمی در سطح اعتماد و برابری اجتماعی می‌افتد؟ یکی از مهم‌ترین راه‌هایی که کشورها می‌توانند سطح اعتماد را بالا ببرند این است که قوانین و سیاست‌هایی را در راستای کاهش سطح

---

1. James Galbraith

## ۱۳۸ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

نابرابری‌های اجتماعی تصویب کنند. سیاست‌های جامع (کل نگر) رفاهی بهتر از سیاست‌های ساده باز توزیعی ثروت که سطحی، ظاهری و انتخابی هستند می‌توانند نابرابری‌ها را کاهش بدهند. ممکن است در اینجا تناقض وجود داشته باشد، چون سیاست‌های باز توزیعی مانند گرفتن مالیات از ثروتمندان و دادن آن به فقرا یکی از بهترین راه‌های کاهش فقر است. در حالی که در سیاست‌های جامع (کل نگر) به هر کس حدی از خدمات و یا منافع، بدون در نظر گرفتن وضعیت مالی و یا طبقه‌ای آن ارائه می‌شود. دلیل اقتصادی این مسئله در این است که سیستم‌های جامع در کاهش فقر کارایی بهتری نسبت به سیستم مالیاتی که معمولاً نسبی و یا افزایشی هستند، و خدمات و منافع حداقلی ارائه می‌دهند، دارند. دلایل سیاسی اینکه چرا سیاست‌های جامع (کل نگر) در کاهش فقر موثرترند این است که اگر دولت‌ها مالیات را از ثروتمندان بگیرند و به فقرا بدهند، ثروتمندان به ویژه طبقه متوسط نمی‌تواند قبول کند که چون آنها درآمد بیشتری دارند باید مالیات بیشتری نیز بپردازند. آنها معتقدند چنین برنامه‌هایی فقط برای فقرا است و توجهی به طبقه متوسط ندارند. از این رو طبقه متوسط از احزاب سیاسی که طرفدار افزایش مالیات‌ها و سیاست‌های اجتماعی هستند، حمایت نکرده و در انتخابات به آنها رای نمی‌دهند.

دلیل دیگر اینکه برنامه‌های اجتماعی جامع، اعتماد اجتماعی را افزایش می‌دهند این است که روند اجرای این برنامه‌ها بر اساس دو اصل مهم سیاسی است. اول اینکه برنامه‌های جامع با افراد در هر موقعیتی یکسان برخورد می‌کنند و دوم اینکه این برنامه‌ها بر اساس آزمون و خطا<sup>۱</sup> جلو نمی‌روند یعنی اینکه در اجرای این برنامه‌های جهانی سازمان بوروکراتیک بزرگی وجود ندارد که تصمیم بگیرد چه کسی می‌تواند این برنامه را انجام دهد. در حالی که استفاده کنندگان برنامه‌های رفاهی دولت‌ها با استفاده از آنها در میان جمع

## اعتماد اجتماعی ❖ ۱۳۹

بدنام می‌شوند، چرا که آنها را ضعیف و استفاده‌کننده از برنامه‌های رفاهی دولت معرفی می‌کنند. در برنامه‌های دولتی مرز فقر و ثروت مشخص است و آنهایی که در انتهای شاخص قرار می‌گیرند احساس می‌کنند واقعاً هیچ چیز ندارند. برنامه‌های جامع با افراد، قانونی عمل می‌کند در حالی که برنامه‌های رفاهی با قانون مشکل دارند؛ چرا که آنها دارای نوعی دموکراسی خیابانی هستند. مردمانی که این خدمات رفاهی را دریافت می‌کنند معمولاً احساس ناخوشایندی دارند. آنها احساس می‌کنند که تحقیر شده‌اند و بخشی جدا از جامعه هستند. برای مثال انجمن حمایت‌کنندگان از خانواده‌های دارای کودک مستقل<sup>۱</sup> در ایالات متحده آمریکا معتقدند که اقدامات حکومت، غیر صمیمانه و بی‌مسئولانه است و از این رو اقدامات آنها در مشارکت‌های سیاسی بی‌فایده است. در آمریکا کسانی که خدمات رفاهی را همانند بیمه‌های از کارافتادگی<sup>۲</sup> دریافت نمی‌کنند با مردم عادی و کسانی که این خدمات را نمی‌گیرند تفاوتی ندارند. ساس<sup>۳</sup> می‌نویسد: «اقدامات رفاهی مورد ادعای دولت به ویژه در برنامه‌های کمک رسانی عمومی می‌تواند تحقیر برانگیز باشد. تحقیر هویت افراد عامل موثری در بی‌انگیزه کردن افراد در فعالیت‌های جمعی است. در این برنامه‌ها با شما مانند حیوانات برخورد می‌کنند. شما گاو و آنها گاوچران هستند. . . شما راهی را می‌روید که آنها به شما نشان می‌دهند آنها هستند که به شما می‌گویند چه زمانی باید چه کاری را انجام دهید. این مانند این است که شما یک گله گاو را حرکت می‌دهید. . . و یا همانند سیستم حاکم در زندان با شما رفتار می‌کنند. آنها می‌گویند من به شما کمک می‌کنم و یا اینکه من برای شما کار می‌کنم، مرتب باشید و مسیر خودتان را ادامه دهید. در حالی که مردمی که از بیمه‌های از کار افتادگی اجتماعی استفاده می‌کنند و از برنامه‌های

---

1. Aid to Families with Dependent Children (AFDC)  
2. Disability Insurance  
3. Soss

## ۱۴۰ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

رفاهی استفاده نمی‌کنند، لازم نیست به سوالات زیادی در خصوص زندگی شخصی پاسخ بدهند و ترس این‌را ندارند که ممکن است مستمری‌شان قطع یا کم بشود. احساس می‌کنند که مددکاران با آنها رفتار محترمانه‌تری دارند. نتیجه این است که مشارکت در برنامه‌های جامع احساس بیگانگی و انزوا را به آنها نمی‌دهد».

فقر و نابرابری هنوز یکی از عوامل انفکاک اجتماعی در جامعه است. بدنام کردن مددجویان<sup>۱</sup> (دریافت‌کنندگان خدمات) توسط برنامه‌های دولتی منجر به نوعی مشکل اجتماعی می‌گردد. از یک سو فقرا بعلت اینکه احساس می‌کنند دیگران آنها را نالایق می‌دانند احساس انزوا می‌کنند. از سوی دیگر بدنام کردن آنها باعث تقویت این باور عمومی در جامعه می‌شود که فقرا خود مسئول ناتوانی و وضعیت بد خویش هستند. برنامه‌های جامع (کل نگر) از آنجا که نمی‌توانند هزینه این‌گونه توهین‌ها را بپردازند لذا اعتماد مردم را هم تضعیف نمی‌کنند. مردمی که تحت کمک رسانی‌های دولتی قرار می‌گیرند اعتماد پذیری کمتری نسبت به سایر شهروندان دارند. دلایل متعددی از پیمایش‌ها برای این مدعا وجود دارد. سیاستمداران آمریکایی معمولاً از دریافت‌کنندگان برنامه‌های رفاهی انتقاد می‌کنند. در طول مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری سال ۱۹۸۰ رونالد ریگان تصویری از ملکه خوشبختی را در طرح‌هایی از لباس جین طراحی کرد که در این تصاویر زنان فقیر مشمول طرح‌های رفاهی، مسئولین را مورد سرزنش قرار می‌دادند. درمقابل نامزد دیگر دان کویل دریافت‌کنندگان برنامه‌های رفاهی را به‌عنوان مردمانی که مورد نظرش هستند معرفی می‌کرد. حتی بیل کلینتون نامزد دموکرات با نقد این برنامه‌ها، خود را جذاب معرفی می‌کرد و نوید پایان این‌گونه برنامه‌های رفاهی را می‌داد. جیلنس

## اعتماد اجتماعی ❖ ۱۴۱

نشان داد که مردم آمریکا معتقدند اکثر مددجویان رفاهی خصوصاً گروه‌های اقلیت، تنبل هستند و لیاقت مساعدت‌های دولتی را ندارند.

برنامه‌های رفاهی دولت بازتاب فقدان اعتماد و همبستگی اجتماعی در جامعه و طرد افراد خارج از گروه<sup>۱</sup> به‌عنوان غیرخودی‌ها است. این برنامه همچنین اثرات زیان‌آوری بر مددجویان و دریافت‌کنندگان خدمات دارند. دلایل متعددی وجود دارد مبنی بر اینکه رفتار نامناسب حکومت باعث می‌شود افرادی که در (طبقات) پایین جامعه هستند دارای اعتماد کمتری باشند. آفریقایی - آمریکایی تبارهای آمریکا که معمولاً اعتمادشان کمتر از سایر آمریکایی‌ها است به‌عنوان دریافت‌کنندگان این خدمات در جامعه آمریکایی شناخته می‌شوند. فقرا و مردمی که این خدمات را دریافت می‌کنند عموماً اعتمادشان پایین‌تر از دیگران است.

در مطالعه انتخابات ملی آمریکا<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۲ از مردم پرسیده شد آیا آنها کمک‌های دولتی مانند برنامه‌های رفاهی و بهداشتی را دریافت می‌کنند. مردمی که تنها این کمک‌ها را دریافت می‌کردند و برنامه‌های اجتماعی جامع (کل نگر) همچون امنیت اجتماعی یا بهداشتی را دریافت نمی‌کردند، اعتماد کمتری نسبت به سایر مردمی که این کمک‌ها را دریافت نمی‌کردند داشتند. ۲۱ درصد مردم که چنین کمک‌هایی را دریافت می‌نمودند اعتماد داشتند، درحالی که این مقدار برای مردمی که چنین کمک‌هایی را دریافت نمی‌کردند برابر با ۴۹ درصد بود. با استفاده از روش‌های آماری چند متغییره مدل پروبیت<sup>۳</sup>، اعتماد همبستگی بالایی با ارزیابی و تحلیل مردم از وضعیت داشت.

مدل حاوی ضرایب استاندارد از شاخص‌هایی مانند اعتماد، تحصیلات (بطور مجزا برای دبیرستانی‌ها و دانشگاهی‌ها)، روابط اجتماعی با همسایگان،

---

1. Out-Groups  
2. American National Election Study (ANES)  
3. multivariate statistical (probit) model

## ۱۴۲ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

نژاد، سن، پایگاه اقتصادی (خود فرد و خانواده منشاء)، خوشبینی به زندگی در بیست و پنج سال آینده، احساس اثربخشی در سیاست‌ها، نگرش به افراد هم‌گروه، ویژگی‌های مطلوب کودکان و این شاخص که بهتر است نگران وجود نابرابری در جامعه نباشیم، استفاده کرده است. نتایج مدل حاکی از آن بود که اگر شما به آینده خوشبین باشید و بتوانید در سیاست‌ها تمایزی ایجاد کنید و اگر دوست داشته باشید که بچه‌های شما بیشتر شلوغ باشند، شما بیشتر اعتماد خواهید کرد. اگر شما خواهان برابری برای دیگران و نه فقط برای هم‌گروه‌های خودتان باشید، در آن صورت اعتماد شما نسبت به مردم دیگر بالا خواهد بود. وقتی مردم خود را به‌عنوان بخشی از اجتماعی اخلاقی که دارای سرنوشت مشترکی با هم هستند نمی‌دانند، نمی‌توانند با جامعه همبستگی داشته باشند و از این رو اعتماد اجتماعی بالایی هم نخواهند داشت؛ چرا که همبستگی داشتن با جامعه پیش شرط داشتن اعتماد است. برنامه‌های کمک‌رسانی دولتی فقرا را بدنام می‌کند و در آنها این احساس را ایجاد می‌کند که بخشی جدا از جامعه هستند و حکومت به آنها ورفاه‌شان کمتر از منابع توجه دارد. نمونه‌های موجود در آمریکا نشان می‌دهد که برنامه‌های رفاهی بیشتر از آنکه احساس برابری اجتماعی را در میان فقرا افزایش دهد احساس نابرابری را در میان آنها افزایش داده است.

اگر نتایج بدست آمده از مطالعات آمریکا را با سوئد مقایسه کنیم، شباهت‌های قابل توجهی را می‌بینیم. آن دسته از مردم سوئد که براساس معیارهای خاص برای برقراری مساعدت‌ها و مستمری‌های از کار افتادگی انتخاب می‌شوند دارای اعتماد کمی نسبت به دیگر مردم هستند. در مطالعه‌ای در خصوص شهروندان سوئدی با برنامه‌های خدماتی رفاهی، از پاسخ‌گویان خواسته شده بود بگویند که آیا تا کنون با این طرح‌ها سروکار داشته و از آنها استفاده کرده‌اند؟ تعداد کمی از سوئدی‌ها که از این برنامه‌ها استفاده کرده بودند دارای اعتماد اجتماعی پایین‌تری از دیگر مردمان بودند. ولی اثر منفی

## اعتماد اجتماعی ❖ ۱۴۳

این برنامه‌ها روی اعتماد اجتماعی از لحاظ آماری معنی دار بود. متغیرهای کنترل این رابطه سطح تحصیلات، طبقه اجتماعی، درآمد، گستره فعالیت‌ها در جامعه مدنی، علایق سیاسی، رضایت عمومی، ایدئولوژی سیاسی، (چپ یا راست) و پایگاه شغلی (شاغل یا بیکار) بوده‌اند. نتایج مطالعات سوئد نشان می‌دهد افرادی که با نهادها و موسسات کمک رسان خدماتی - رفاهی برخورد داشته‌اند دارای اعتماد بین شخصی پایین‌تری هستند، حتی وقتی که متغیرهای بیشتری در تحلیل وارد می‌شود، درست همان‌گونه که در مورد آمریکا وجود دارد.

### ۴- برنامه‌های جامع (کل نگر) و اعتماد اجتماعی

بخشی از پاسخ به این سوال که چرا کشورهایی با درآمد بالا و برنامه‌های کمک رسانی جامع (کل نگر)، دارای سرمایه اجتماعی بیشتری هستند این است که این برنامه‌ها در جوامعی طراحی می‌شوند که دارای نابرابری اقتصادی کمی هستند. خدمات ارائه شده به بیماران، سال‌خوردگان، کودکان پیش دبستانی و دبستانی بر اساس اینکه آنها فقیر هستند یا نه تعریف نمی‌شود. آنها حتی به محل سکونت و نژاد افراد هم بی‌توجه هستند، در این برنامه‌ها از قشرهای جمعیتی حمایت شدیدی می‌شود. این برنامه‌ها بطور صریح نه تنها از فقرا بلکه از طبقه متوسط و قشرهای تحصیل کرده هم حمایت می‌کنند. قابل توجه این است که از زمان قدرت گرفتن احزاب راست و میانه رو در کشورهای اسکانداوی می‌مانند دانمارک و نروژ ویژگی برنامه‌های حمایتی تغییری نکرده است.

وجود برنامه‌های کیفی جامع، به ویژه آنهایی که به بهداشت و آموزش مرتبط می‌شوند، احساس خوشبینی و وجود فرصت‌های برابر را برای گروه‌های مختلف جمعیتی افزایش می‌دهد. کشورهای اروپای شمالی نسبتاً هزینه‌های سنگینی را برای خدمات و تحصیلات صرف می‌کنند. آموزش‌های دبیرستانی و

## ۱۴۴ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

دانشگاهی از طریق کمک‌های مالیاتی حمایت می‌شوند، شهریه‌ای از دانشجویان گرفته نمی‌شود، دولت به دانشجویان وام‌ها و کمک هزینه‌های تحصیلی می‌دهد. این اقدامات در راستای این عقیده است که تحصیلات جایگاه و نقش ویژه‌ای در اعتماد دارد.

کنترل متغیرهای زمینه‌ای در تحقیقات و پیمایش‌های انجام شده در میان کشورهای مختلف همانند سوئد، رومانی و آمریکا نشان‌دهنده این است که بین سطح تحصیلات و سطح اعتماد عمومی رابطه وجود دارد. بچورنسکوف<sup>۱</sup> نشان داد که رابطه قوی بین سطح آموزش در یک کشور و اعتماد عمومی در میان کشورهای مختلف جهان وجود دارد.

البته تحصیلات نمی‌تواند به تنهایی تعیین‌کننده باشد چرا که ممکن است تحصیلات موجب افزایش نابرابری‌ها در جامعه نیز بشود. وقتی تاثیرات تحصیلات را در طول زمان در میان کشورها مورد بررسی قرار می‌دهیم متوجه می‌شویم که رابطه ضعیفی با نابرابری و اعتماد دارد. افزایش سطح تحصیلات در هند، پاکستان و بنگلادش، کره شمالی، مکزیک و تایوان باعث افزایش نابرابری نشده اما در شیلی، برزیل، ایتالیا و کلمبیا باعث تشدید نابرابری‌ها شده است. تحصیلات اگر چه مردم را اعتمادپذیر می‌کند اما ممکن است در کوتاه مدت موجب بازتولید امتیازات طبقه‌ای در میان افراد تحصیل کرده شده و موجب افزایش نابرابری‌ها گردد.

از نظر ما بخاطر تاثیر تحصیلات بر اعتماد اجتماعی، تحصیلات باید در سطح وسیعی در برنامه‌های جامع قابل دسترس برای همه گنجانده شود. آزمودن رابطه بین تغییر در اعتماد و تغییرات در برابری‌های آموزشی سخت است. همبستگی مثبت و نسبتاً ضعیفی  $r^2=12$  بین تغییر در نابرابری‌های تحصیلی بین سال‌های ۱۶۶۰-۱۹۶۰ و تغییر در  $r^2$  اعتماد در دهه ۱۹۸۰-

---

1. Bjornksov



## اعتماد اجتماعی ❖ ۱۴۵

۱۹۹۰ وجود دارد. نابرابری‌ها در یک کشور باعث می‌شود که مردم کمتر اعتماد کنند. اما برخی از کشورها که دارای اعتماد کمی هستند، برنامه‌های متفاوتی و البته نابرابری در مورد آموزش و تحصیلات دارند مانند برنامه‌های اجرایی در کشورهای اندونزی، کره جنوبی، تانزانیا و ایران. در میان کشورهای پیشرفته، آمریکا از کشورهای اروپایی در بکارگیری و اجرای برنامه‌های کمک رسانی جامع (کل نگر) عقب مانده است. استثناها و محدودیت‌هایی در نظام‌های امنیت اجتماعی و درمانی در زمینه ارائه مستمری به بازنشسته‌گان و بیمه‌های پزشکی به سال‌خوردگان، وجود دارد. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در ایالات متحده آمریکا همزمان با کاهش اعتماد، قانونی تصویب شد که براساس آن ریسک سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران به کارگران تغییر می‌یافت. طبق این برنامه مساعدت‌ها و کمک‌هایی که به کارگران با سطح درآمدی پایین داده می‌شد قطع شد.

### ۵- فاصله اجتماعی برنامه‌های جامع، اعتماد و برابری

درک نابرابری، موجب تقاضاهای باز توزیعی در میان فقرا و رد این تقاضاها از سوی ثروتمندان می‌شود. این شکاف را می‌توانیم آشکارا در اروپای مرکزی و شرقی ببینیم، جایی که شاهد تغییر رژیم‌های کمونیستی به دموکراسی هستیم. در این کشورها هم مانند کشورهای توسعه یافته شاهد سطوح بالایی از فقر و نابرابری به موازات سطح پایین اعتماد هستیم.

گسترش اقتصاد بازار موجب تغییر امنیت شغلی و هزینه‌های زندگی بسیاری از کارکنان دولتی شده است. نظام کمونیستی موجب از بین رفتن سطحی از اعتماد تعمیم یافته شده بود. باز سازی و اصلاح فقر و سطح پایین اعتماد به کارگزاران فاسد سیاسی در این گونه کشورها بسیار سخت و طاقت‌فرسا

## ۱۴۶ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

است. انجام برنامه‌های باز توزیعی درآمدی هم ممکن است تنش‌ها را سخت‌تر و وضعیت را پیچیده‌تر کند.

تجزیه و تحلیل اطلاعاتی در هر کشوری که اطلاعاتی در خصوص تغییرات نابرابری‌های اقتصادی دارد نشان می‌دهد که نابرابری‌ها در طی سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۹۵ افزایش یافته است. به موازات افزایش نابرابری‌ها متوجه می‌شویم که ارتباط روشنی بین افزایش نابرابری‌ها و اعتقاد به اینکه تغییرات زیربنایی تنها راه موفقیت است وجود دارد.

استویانوف در گزارش پیمایش خود در بلغارستان اعلام کرد که ثروتمند شدن از راه‌های غیر قانونی میسر است. از این‌رو مردم معتقدند که ثروتمندان افراد قانون‌مداری نیستند. ۸۰ درصد مردم بلغارستان، روسیه و مجارستان معتقدند که درآمد بالا فقط از راه‌های غیر قانونی قابل تحصیل است، از سوی دیگر معتقدند که نظام اجتماعی‌اشان فرصت مناسب جهت کسب ثروت برای آنها ایجاد نمی‌کند.

تصور منفی از ثروتمندان فقط در جوامع کمونیستی ایجاد نمی‌شود، بلکه ناشی از فساد اداری، جرائم سازمان یافته و ثروت‌های غیر قانونی است. غربی‌ها معتقدند که مسیر ثروتمند شدن سخت و دشوار است و موفقیت ناشی از ابتکارات فردی است.

نگرش به موفقیت در زندگی محصول دو عامل است:

اول: اعتماد عمومی، ارتباط شدیدی بین خوشبینی و اعتقاد به اینکه زندگی خوب است، بهتر می‌شود و آنرا می‌توانم بهتر کنم وجود دارد. وقتی مردم از آینده می‌ترسند و احساس می‌کنند نابرابری‌ها در آینده بیشتر خواهد شد. بدبینی در مورد اینکه کنترلی بر سرنوشت خود نداریم باعث ایجاد سطح پایینی از اعتماد در جامعه می‌شود.

دوم: وقتی مردم فکر می‌کنند که تنها راه موفقیت دروغ‌گویی و دورویی است، بزرگ‌ترین تعارض اجتماعی بین طبقات بالا و پایین ایجاد می‌شود. این

## اعتماد اجتماعی ❖ ۱۴۷

شرایط وضعیتی را ایجاد می‌کند که شهروندان برنامه‌های رفاهی جامع را رد کنند و در عوض متقاضی برنامه‌های توزیع مجدد ثروت بشوند. در رومانی بخاطر مواجهه شدن با فساد (دادن رشوه به کارکنان اداری و قضات) این تفکر وجود دارد که فساد (اداری) گسترده است. درک این نابرابری‌های روز افزون، باعث شده است که مردم متقاضی اجرای برنامه‌هایی بشوند که درآمد ثروتمندان را محدود کند.

ارتباط بالایی میان برنامه‌های جامع (کل نگر) رفاهی و اعتماد مردم به دیگران و حکومت وجود دارد. یک دلیل آن وابستگی دولت‌ها به درآمدهای مالیاتی است. مردم زمانی مالیات می‌پردازند که احساس کنند پولشان در راستای منافع و ارائه خدمات بهتر هزینه می‌شود. در جایی که همبستگی اجتماعی پایین است و طبقات اجتماعی به هم حسادت می‌کنند اعتماد تعمیم یافته و تعلقات اجتماعی<sup>۱</sup> و گرایش به پرداخت مالیات به ویژه از سوی طبقه متوسط پایین خواهد بود. مردم هویتشان را از طبقه یا گروه قومی‌اشان می‌گیرند تا عضویت در یک جامعه بزرگ، آنها نمی‌توانند به حکومتی اعتماد داشته باشند که بخواهد از راه‌های نامحترمانه توزیع مجدد منابع داشته باشد. نگاهی به سیاست‌ها و برنامه‌های اجرا شده در آمریکای لاتین این نظر را تایید می‌کند. روتر<sup>۲</sup> در این مورد می‌گوید: «من هیچ خوشبین نیستم که در آمریکای لاتین برنامه مهم و اساسی اجرا بشود. در آنجا یک دور باطل وجود دارد که خیلی سخت شکستنی است. مردم به دلیل اینکه حکومت نمی‌تواند خدمات رسانی خوبی داشته باشد مالیات نمی‌پردازند. از سوی دیگر دستگاه‌های دولتی هم می‌گویند وقتی مردم مالیاتشان را دادند خدمات خود را انجام می‌دهند».

در جوامع با سطح اعتماد پایین و درجه نابرابری بالا برنامه‌های جامع رفاهی نه تنها از سوی سیاست‌مداران حمایت نمی‌شود بلکه آنها در اجرای این

---

1. Social Bonds  
2. Rother

## ۱۴۸ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

برنامه‌ها اشکال تراشی نیز می‌کنند. بخاطر گستردگی فساد، تحصیلات، مراقبت‌های بهداشتی و خدمات اساسی کالای خوبی برای فروش هستند. والدین خودشان را به زحمت می‌اندازند تا بچه‌هایشان به مدارس خوب بروند، خصوصا دانشگاه؛ حتی حاضر هستند پول بیشتری برای مراتب بالای تحصیلات بپردازند. دادن اضافه پرداخت (پول زیر میزی) به پزشکان در کشورهایی که نابرابری‌های اقتصادی زیاد است امری معمول است. پلیس رانندگان متخلف ترافیکی را بخاطر خلافشان وعابران را بخاطر عبور از خیابان نگاه می‌دارد واز آنها می‌خواهد بجای پرداخت برگ جریمه، نقدی بپردازند. هریک از این اقدامات اعتماد مردم به دولت و توانایی‌اش در اجرای برنامه‌های جامع خدماتی را از بین می‌برد.

### ۶- نتیجه‌گیری

اگر اعتماد اجتماعی حاصل دو نوع برابری (اقتصادی و فرصت‌ها) است و اگر سیاست‌های جامع بهترین روش برای ارتقاء برابری است، بسیاری از کشورهایی که با کمبود اعتماد و سرمایه اجتماعی روبرو هستند ممکن است با اجرای برنامه‌های غلط با یک مشکل اجتماعی دیگر مواجه شوند. چنین وضعیتی نتیجه این است که اعتماد اجتماعی در میان نابرابری‌های اجتماعی ایجاد نمی‌شود. از سوی دیگر سیاست‌های عمومی که می‌تواند باعث بهبود این وضعیت شود نیز بخاطر نبود اعتماد اجرا نمی‌شود. فقدان اعتماد مربوط به ارتباط مردم با یکدیگر و اجرای سیاست‌های جامع توسط دولت بستگی دارد. کشورهای فقیر و دارای نابرابری‌های اجتماعی از تداوم نابرابری‌ها در کشورهایشان و نبود اعتماد دائم شکایت دارند. نابرابری‌های اجتماعی بالا موجب کاهش سطح اعتماد و اطمینان از برنامه‌های رفاهی اجتماعی و سیاسی می‌شود. جوامع با نابرابری‌های گسترده با مشکلاتی مانند نابرابری‌ها، اعتماد پایین مردم به خود و دولت، و سیاست‌های ناکارآمد (جهت کاهش فاصله فقر و

## اعتماد اجتماعی ❖ ۱۴۹

ثروت) روبرو هستند. تقاضاهای شدیدی برای توزیع مجدد منابع و ثروت وجود دارد که گاهی اوقات موجب تعارض‌های اجتماعی شدیدی در جامعه می‌شوند. هیچ نوع حمایتی از برنامه‌های جامع تا زمانی که ثروت از راه‌های غیر متعارف بدست می‌آید و فقرا به‌عنوان افراد ناتوان دیده می‌شوند، وجود ندارد. سیاست‌های توزیع مجدد می‌توانند موفق شوند اما بدلیل رفتارهای متقلبانه و اعتقاد به اینکه مردمانی که الان وضع خوبی دارند از دولت بیشتر استفاده کرده‌اند، ارائه خدمات عمومی و رفاهی کاری نادرست و نسنجیده است. مضافاً اینکه حتی اگر شما حمایت‌های بالایی برای انجام برنامه‌های رفاهی کسب کنید بخاطر عدم اعتماد مردم به دستگاه‌های دولتی در خدمات رسانی و اعتقاد به وجود فساد اداری در این دستگاه‌ها این طرح‌ها انجام نمی‌شود و یا موفقیت آمیز نخواهند بود. فساد موجب نوعی پرداخت‌های اضافه (رشوه) به دستگاه‌ها و افرادی که به وظایف خود عمل نمی‌کنند، می‌شود. افراد ممکن است با دانستن اینکه می‌توانند برای فرزندانشان مدرسه و درجات علمی را بدون کم‌ترین ریسک و خطری (انتخاب شایسته‌ها و معیارهای علمی) فراهم کنند، احساس امنیت بیشتری داشته باشند. آنها ممکن است مایل باشند پول بیشتری به دکتر بپردازند اما منتظر نمانند تا پول و سرمایه‌های فاسد، نابرابری‌های اقتصادی را زیاد و اعتماد را کم می‌کند.

از نظر ما برای حل مشکل بدبینی، توجه هم‌زمان به اصلاح نابرابری‌های اجتماعی و اعتماد اجتماعی ضروری است. دلایل ما برای بدبینی این است که بسیاری از سیاست‌های تجویزی که برآمده از تحقیقات انجام شده در مورد سرمایه اجتماعی هستند بسیار خوشبینانه می‌باشند. اگر مشارکت مردم در فعالیت‌های داوطلبانه بالا باشد جامعه پیشرفت می‌کند. اما به سه دلیل این اعتقاد را نادرست می‌دانیم. اول، این تصور که اعتماد اجتماعی از طریق پیوستن انجمن‌ها به یکدیگر ایجاد می‌شود بسیار ساده لوحانه است. دوم اینکه، این راه حل، راه فراری است برای دولت‌ها تا از زیر بار مسئولیت فرار کنند و پاسخ‌گوی

## ۱۵۰ ❖ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

کارکرد پایین نهادهای عمومی و نامناسب بودن سیاست‌هایشان نباشند. سوم اینکه، نخبگان سیاسی و دولتی افزایش تقاضا برای گروه‌های مدنی می‌توانند سوء استفاده کرده و ادعا کنند که جرم و انحراف در جامعه زیاد شده است.

اگرچه نابرابری سخت از بین می‌رود اما می‌توان آنرا تغییر داد. کشورهای آسیای جنوب شرقی موفق شدند با استفاده از یکسری سیاست‌های انتخابی همانند افزایش هزینه‌های تحصیل، اصلاح زمین، افزایش تولیدات کشاورزی، گسترش نظام‌های بهداشتی برای همه و استفاده از سیاست‌های بازار آزاد نابرابری‌های اقتصادی را کاهش داده و اقتصاد خود را بهبود بخشند. هر یک از این سیاست‌ها خدمات زیادی را برای عموم مردم در سطح وسیعی فراهم کرد، همانند اقداماتی که در برنامه‌های جامع انجام می‌شد.

ما نتایج چندین پیمایش را که این برنامه‌ها را ارزیابی می‌نمود مورد توجه قرار دادیم. در این پیمایش‌ها دلایلی وجود داشت که نظر ما را تأیید می‌نمود. بر اساس نتایج پیمایش‌های جهانی ارزش‌ها در سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۹۵-۱۹۹۰، چهل درصد کشورها اعتماد عمومیته‌اشان پایین بود. اعتماد در چهار مرحله افزایش و در سه مرحله کاهش پیدا می‌کند. در حالی که نابرابری‌ها در سه مرحله افزایش و چهار مرحله کاهش پیدا می‌کنند. کاهش اعتماد در آرژانتین و مجارستان به همراه افزایش نابرابری‌ها است. مکزیک دارای سریع‌ترین رشد در افزایش اعتماد و افزایش نامحسوس نابرابری در میان کشورها است. در بلژیک، آلمان غربی و ایتالیا اعتماد افزایش و نابرابری‌ها کاهش پیدا کرده‌اند. تنها در یکی از کشورهای شرق آسیا (کره جنوبی) ما شاهد کاهش آرام اعتماد و نابرابری‌ها هستیم. به هر حال این اعتقاد وجود دارد که در کشورهایی که اعتماد کم است نابرابری‌های ناچیز می‌تواند منجر به اعتماد بالا گردد. حال سوال اساسی و مهم این است که آیا کشورهایی که دارای اعتماد اجتماعی پایینی هستند، می‌توانند سیاست‌ها و برنامه‌هایی جهت افزایش اعتماد طراحی کنند.